

# هنر و معماری

art and architecture



## به نام خدا

چندی بود که فکر ثبت و ضبط مجموعه کامل مجله تخصصی "هنر و معماری" که در فاصله سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۸ خورشیدی با تلاش چندی از اساتید هنرمند و معماران فرهنگ دوست تهیه و انتشار یافته بود به ذهن اینجانب رسید، تا بتوان اطلاعات ارزشمندی که پیرامون هنر و معماری سالهای گذشته ایران که در این مجموعه جمع آوری شده است در معرض دید دانشجویان، اساتید، محققین و سازمان های مرتبط با هنر، معماری و شهرسازی کشور قرار گیرد. در ابتدا با مهندس عبدالحمید اشراق گفتگو و اجازه ایشان به عنوان سردبیر مجله گرفته شد. نهایتاً و در ادامه پس از چندین ماه تلاش، مجموعه کامل ۴۸ شماره ای مجله "هنر و معماری"، در بهار سال ۱۳۹۱ تصویر برداری و مستندسازی گردید. امید است تا علاقه مندان از این مجموعه تخصصی و ارزشمند حد اکثر بهره برداری را بنمایند.

در انجام این پروژه افرادی به شرح ذیل دخیل بودند که بدون یاری و مساعدت آنان این فعالیت فرهنگی و تحقیقاتی میسر نمی گشت.

• پرسنل و ریاست محترم کتابخانه ی "مرکز اسناد تخصصی فنی و مهندسی" (وابسته به سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران) که مسئولیت تصویر برداری از مجلات را به عهده داشتند.

• آقای دکترکمالی، مهندسین مشاور دایره و مهندسین و افرادی که مجموعه آرشیو شخصی مجلات خود را در اختیار اینجانب قرار دادند.

• آقای مهندس نور علیوند که مساعدت و پیگیری ایشان در انجام این مهم بسیار سودمند بود.

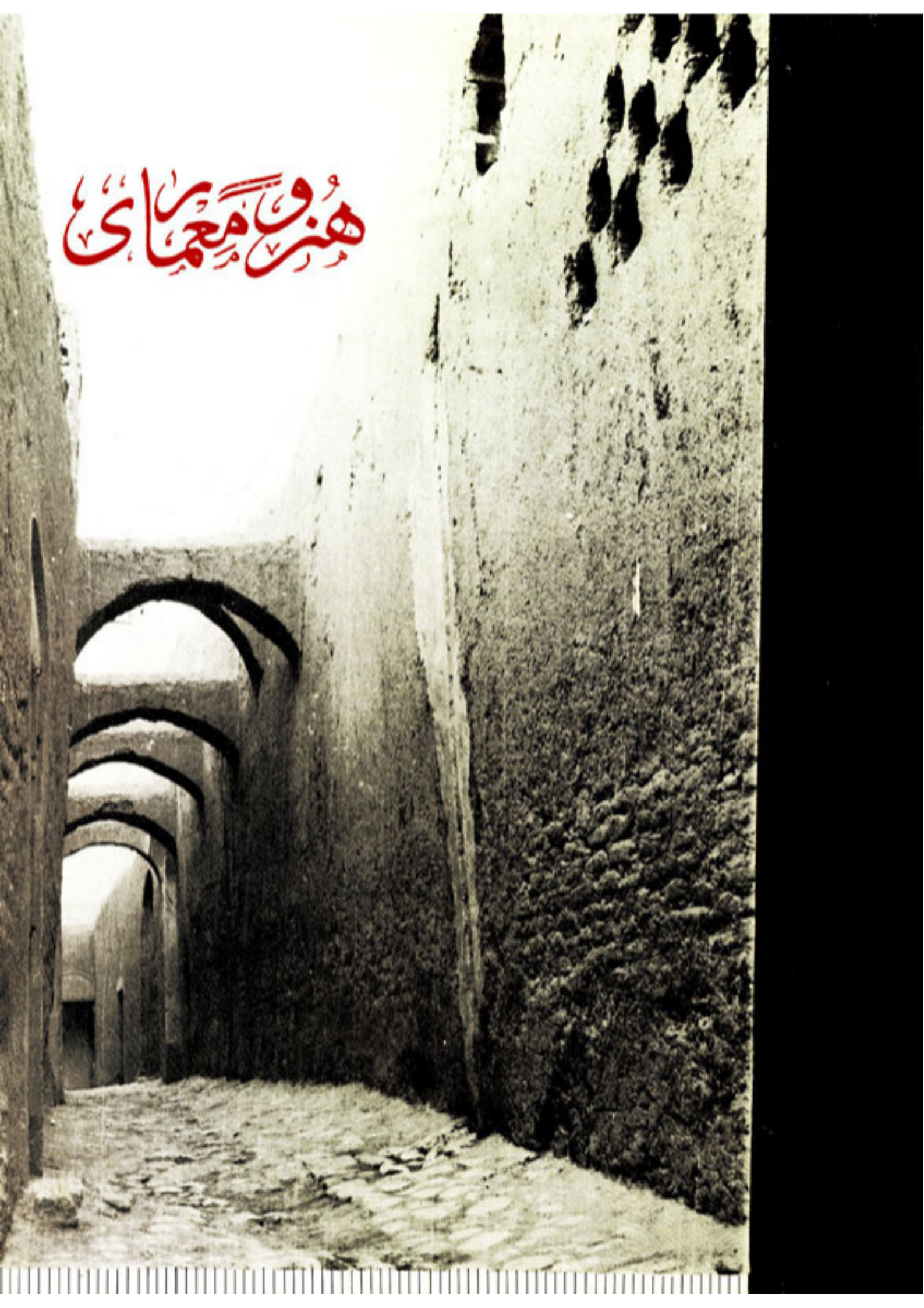
• تارنمای پژوهشی "معمارت" که زحمت انتشار این مجلات را برعهده گرفته است.

• و نهایتاً حمایت های فکری و معنوی آقای مهندس عبدالحمید اشراق که در تهیه و ثبت این اسناد، بسیار ارزشمند بوده است.

"پروژه تاریخ شفاهی معماری معاصر ایران"  
 آرش طبیب زاده توری  
 زمستان ۱۳۹۱

E-mail: archoralhistory@gmail.com

هونر و معماري



مُزَوِّعِي

دوی چاند کستان  
از پلیران دهکده

## هنرمعاری

از انتشارات ایمن آرشیوهای ایران

مدیر: عبدالحمید اشراق

### همکاران این شماره

محمود ارجمندی	سرپرست بخش معماری
محمدنهادی جوانی	مسئول امور اداری
لوتی‌دین	سرپرست بخش فرانسه
حسینقلی ملک‌نصر	مسئول امور فرانسه
حسین نجفی	مسئول روابط عمومی و تبلیغات
مسعود وکیل‌زاده	مسئول روابط بین‌المللی
خسرو آهوری	مسئول تنظیم صفحات

عکسها از: مصطفی پهرایی - سیامک رفیعی

آزاد زرین‌نژاد

تک شماره ۱۵۰ ریال برای دانشجویان ۱۰۰ ریال

اداره - خیابان ۲۱ آذر شماره ۹۲

تلفن ۰۲۱-۷۲۱۱۱۶ - ۰۲۱-۷۲۱۱۱۷

مقالان عقائد شخصی نویسندگان است.

شماره اول

فروردین - اردیبهشت - خرداد ۱۳۸۸

چاپ بطریق مسطح در چاپخانه سکه

تلفن ۲۱۲۹۲۴

... و بزین آغاز مریسیم . ایام رستبرگان

دیکه خوشترنم . مقصد ، عتد مشربین رخا کما کسک آرزو مند رستبرگان

جهانند شکر داریم و در این راه کوش ، با بر آنچه که در دستمان بر آید و در تمام

سوک لغو مکن در این راه را بدل داریم و خود هشتک که لغو مکن در کارها

دو من خود پسیم نه چه آنچه که مریسیم

آید که در غیر ما اندر جان مریست که خیر کما هر لذنک در این صفت دلدار

در اینست شدت بخورست بر ما شکر

پس از روز از وقت کما بر عین کما

## در این شماره :

## نویسنده

- ۱- سرآنداز
- ۲- انجمن بین‌المللی آرشیتکتها
- ۳- معماری در عصر حاضر
- ۴- سیری شکفتانگیز در معماری اسلامی
- ۵- آرشیکرام
- ۶- تاثیر تمدن اوقات فراغت در تکامل زیستی انسان
- ۷- نگاهی به انواع معماری‌های ابتدائی جبرفت
- ۸- يك معماری برای میلباردها انسان
- ۹- معماری ایران در دوره‌ه سبک ملی و جدید
- ۱۰- شهرهای بزرگ و شهرسازی آینده
- ۱۱- طرح جامع اهواز
- ۱۲- نقاشی قدیم ایران
- ۱۳- فضا
- ۱۴- آرشیتکت و مهندس فنی
- ۱۵- روش جدید در معماری ایتالیا
- ۱۶- برنامه صنعتی ساختن ساختمانها
- ۱۷- گفتگویی با آقای نوزاده
- ۱۸- دنیای پلاستیک
- ۱۹- مسجد کبود تبریز
- ۲۰- زیبایی و هنر
- ۲۱- از معماری تا شهرسازی
- ۲۲- گفتگویی با مهندس علی‌زاده
- ۲۳- گفتگویی با کامران دبیا
- ۲۴- سابقه طرح ناکر اصفهان
- ۲۵- کانون مهندسين فارس
- ۲۶- پروژه دیپلم مهندس علی ناصری
- ۲۷- پروژه بازار میوه و سبزی از مهندس علی تواتی
- ۲۸- پروژه دیپلم مهندس سعید افرم‌نژاد تهران
- ۲۹- طرح نوسازی محله مودل‌جان
- ۳۰- طرح دیگری برای نوسازی مودل‌جان

م - الف

البرایت بیلی

پل سیوانون

آریدار بطروسیان

مهندس وارطان

اهواز - علی ادیبی

طالار فن‌دیز

رینزیان‌هام

آندره بلوک

ویکتوریو کریگوتی

دکتر سوگارف

مهندس مقدم

کنزو تانژ



# UIA

## اتحادیه بین‌المللی آرشیتکتها

چندی پیش اتحادیه بین‌المللی آرشیتکتها VIA بیستین سال تأسیس خود را جشن گرفت . اکنون بجااست نظری اجمالی به سازمانهای جهانی معماری قبل از بوجود آمدن آن در سال ۱۹۲۸ بیافکنیم و سپس موقعیت فعلی خود را پس از گذشت بیست سال ارزیابی کنیم .

در این تشریفات فراموش نشدنی ، با آگاهی از مأموریت خود در دل خالق و مسئولیت خود در مقابل انسان و اجتماع وظایف ناشی از آن ، با بررسی کلی و جزئی در امکانات متنوع و مختلف حرفه‌ای ، که وارد در انجام فعالیت هایمان است ، مقتضی است که موقعیت خود را از دیدگاهی آن اندازه مسلط بیازماییم که امیر - سیونی حقیقی بدست آوریم و رخصت یابیم تا با طرح‌های وسیعی که برای فعالیت های آینده در نظر داریم اشتراک مواجه گردیم . نخستین مجمع جهانی معماری

بوسیله انجمن مرکزی آرشیتکت‌های فرانسه بوجود آمد . آنها درحقیقت در سال ۱۸۶۱ در پاریس تشکیل یک کمیته جهانی معماری را دادند که بعدها نام CPIA یا «کمیته دائمی بین‌المللی آرشیتکتها» را بخود گرفت .

در این سازمان کشور های مختلف هرکدام متناسب با شماره اعضاء انجمن های ملی خودشان نماینده فرستاده بودند . در هر کشوری نماینده ها برای کمیته بین‌المللی انتخاب می‌شدند . اداره مرکزی در پاریس در خانه بزرگی که انجمن مرکزی معماران فرانسه تقدیم کرده بود قرار داشت .

کارهایی که CPIA بعهده گرفته بود عبارت بود از : ترتیب دادن کنگره های جهانی معماری ، بوجود آوردن آیین‌نامه ، آگاهی دادن دولتها از تصمیمات و نظریات این کنگره ها و جلب کردن توجهات نسبت بخود . بودجه فعالیت های CPIA راحق عضویت‌های

اعضاء نامین می‌کرد و اکثر شرکت کننده‌ها برای آن افتخارا گمار می‌کردند .

هدف و کارکنگره‌های CPIA بالا بردن وضع حرفه‌ای معماران بود در همه جا و در زمینه وسیع تر بایستی گفت «نیادل جهانی‌بیش و تجربه» .

در طول ۷۵ سال از سال ۱۸۶۱ تا سال ۱۹۳۹ چهارده کنگره جهانی ترتیب داده شد . پانزدهمین کنگره که برای واشنگتن در سپتامبر ۱۹۳۹ در نظر گرفته شده بود بخاطر بروز جنگ جهانی دوم حذف گردید .

در ۱۹۲۸ در ساراگاسا ستل چند کیلو متری لوزان ، جایی که VIA بیست سال بعد تأسیس یافت گروهی آرشیتکت اوان‌گرید طرح ۱۹۱۱ CIA یا «کنگره» بین‌المللی معماری مدرن را ریختند . این جنبش قابل تمجید بود . اصولی که عرضه شد و همچنین نوشته شدن منشور آن باعث بوجود آمدن

نحولی شد که بدون شك باندازه تحول آرشیتکتور این عصر قابل توجه است .

در سال ۱۹۲۲ گروهی دیگر از آرشیتکتها در پاریس تشکیل مجمعی دیگر دادند بنام « مینیک جهانی آرشیتکتها RIA به ریاست Auguste Perret

و دبیری پیراگو Pierre Vago در طول سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۹ RIA چهار ملاقات ترتیب داد .

پس از بلندطرف بین RIA و CPIA و از طرفی دیگر بین RIA و CIAM همکاری بمیان آمد . باین ترتیب بود که در سالهای قبل از جنگ ، سلطه طلبی در رقابت‌های جهانی معماری سرصفحه و سرمقاله مجلات بود . تا اینکه CPIA باادداشت نامهای مبنی بر بوجود آمدن این وضع ناخوشایند به انجمن هریک از کشور ها فرستاد . در سوم فوریه ۱۹۲۳ بنا بنظر نماینده انگلستان که در آنموقع سرآنتونی

این بود تصمیم گرفته شد تا مسؤلیت مطالعه و بررسی را به موسسه جهانی همکاریهای معنوی بگذارند. این موسسه هم کمیونی تشکیل داد که در آن CIA و RIA نماینده معرفی شدند. این فعالیتها همانطور که می‌دانیم با بروز جنگ قطع شد لکن پس از آن درباره ادامه یافت و اکنون تحت توجهات یونسکو توافقی کامل حاصل آمده است.

در ظرف این سه سال مجمع با داشتن مشکلات فراوان ناشی از موفقیت های سیاسی کشور ها، بدون توجه به رونق تبلیغ سیاسی توانست پنج فرار ملاقات ترتیب دهد. سرانسر تاریخ بیست ساله VIA همواره بیان کننده این مطلب بوده است که آرشیکتها همیشه خود را در مرکز مسائل اجتماعی فرار داده‌اند مداخلت هیچگاه در ایده‌نولوژیهای حزبی ازجه خصوصی هم باشد وارد نشده‌اند. کدام سازمان بین‌المللی می‌تواند دربرفقال ، مسکو، پاریس، لندن و هاوانا ملاقات داشته باشد بدون اینکه هدفش را تم کند و یا پای در راهبانی گذارد که دنیا در آن میان راهش را انتخاب می‌کند. مسلما کمتر سازمانی وجودخواهد داشت. در برنو این خواست چیره گشتن بر وقایع و اتفاقات است که VIA تاریخ صبورانه طرح ریزی شده خود را آغاز می‌نماید.

۱۹۱۵ ، درپاریس که هنوز جراحات جنگ را مرخم می‌گذاشت. اگوستیره ، زیرک و بی‌سروصدا اطرافباش ، گوردن استفن سن انگلیسی ، بارداال مونتیروبرنقالی، ژول گوپرت بلژیکی و مؤسس همگی بهستور بیرداکو . احسان‌هیجان و نحرک لکن استقام . از کجا شروع کنیم؟ تکلیف : کنفرانس سال‌بعدی در لندن .

۱۹۱۶ لندن ، با ارزش و معتقد به جنبه علمی هر چیزی ، گرفتار فقر و بیوند نامه سیاسی . سی کشور اینجا هستند شرق يك لهستانی را نماینده کرده‌است هرنیوکی Hryniewiecki

بیست سال دوست ما بوده هنوز یاد نگرفته‌ایم نامش را چگونه تلفظ کنیم همچنین نماینده چکسلواکی را . مذاکرات بی‌گیری که امروزه شخصته‌زرداگوستیره و سربانریک ابرگرومی

Sir Patrick Abercrombie  
بمعل آوردند بدون احتیاج بمداخله حکمفرما خواهد شد .  
در اطراف مانمانند CIAM درشگفتند . باید بما ملحق شوند یا بازگوشش کنندو به زاویه‌ای بچسبند که آنها را ترد هم‌آورد؟ نه آنها استقلال خود را که هنوز برای چند سال دیگر قدرت بازی کردن در دل رهبر را با آنها می‌دهد حفظ می‌کنند .

در تمام این مباحثات و مناظرات يك فرد خستگی ناپذیر دل آشتی دهنده را بازی می‌کند . او ارنست بورگهاردست Ernst , Burekkardt شهرت حرفه‌ای‌اش و نعمت آشتی دهندگی‌اش او را يك عضو بیوسته شورا کرده است . او فرار است ده‌سال‌بعده‌بنگاهمانند نوستانی‌دیگر از میان ما ناپدید شود . هفته لندن با دو فرار ملاقات خانه می‌باید .

بروگسل ۱۹۱۷ جهت مباحثه در قوانین آینده VIA لوزان ۱۹۱۸ برای تشکیل جلسه ناسیبه و افتتاح اولین کنگره .

دربروگسل عقابت شوروی نیز حاضر است و همچنین انجمن محترم CIAM

فرار بعدی ژانویه ۱۹۱۷ در پاریس بطاظر تشکیل کمیته موفتی VIA می‌باشد . تمام تجهیزات آماده است لکن ۷۵ سال‌ترادیمیون CP&R بسادگی کنار گذاشتن نیست . تردید گوشهای سازنده‌را فلج می‌کند .

با وجود این آشتی ها ، تمام امور در لوزان آماده گشته بود . آرشیکتهای سوئیسی ترتیب کمیته ناسیبه را داده و از چین لشومی Jean Tochumi فقید خواسته بودند که ریاست کمیته را تهدده‌دار گردد همچنین ریاست نخستین کنگره را که به خاطر احتیاط با عنوان زیر تشکیل می‌شد :

پانزدهمین کنگره : بین‌المللی معماران .  
پنجمین ملاقات بین‌المللی معماری .  
سرپرستی ملاقات بعدهه اولیاء امور سوئی بودیخصوصی آنها که در گنتون Canson و ود Vaud و لوزان امامت داشتند .

موضوع برنامه ملاقات «آرشیکت با وظایف تازه‌ای مواجه است» سخت مورد توجه واقع شد و این فرصت و بهانه‌ای بود برای خبرنگاران جهت بدست آوردن مقالات متعدد .

این ملاقات علیرغم اینهمه جار و جنجال که بیا کرد برای کمیته موفتی CIA نه مشکلات خود را بسختی برطرف می‌کرد زیرا موفقیت آمیز نبود . سیصد و پنجاه نفر شرکت کننده دعوت شده بودند که در شروع جلسه فقط یکصد و پنجاه نفر آمدند .

در افتتاح نخستین کنگره اجرایی که در يك فایق شناور روی دریاچه جلسه داشت جمعیت زیادی حاضر شده بودند و گوشش می‌شد تا از ورود افراد دعوت‌نشده جلوگیری بعمل آید . عده زیادی بی‌صبرانه انتظار می‌کشیدند تا سخنان نمایندگان دولتهای سوئیس و ود و همچنین ریاست جدید CIA سر پاتریک ابرگرومی را بشنوند. در سالن کنفرانس ترجمه های بی در پی کار را در گرفتن خبرهای مهم برای منشی ها و خبرنگاران آسان کرده بود لکن در این میان افراد غیر صبور را بسیار خشمگین می‌کرد .

برای بروزی ، قدرت ویلیام دانکل William Dunkel آرامی آرنولد هوشل Arnold Hoechel وندی و شدت عمل مارسل لایز Marcel Lods لازم می‌بود . با همه اینها ناموفتی که افراد کنگره مجمع را ترک‌کرده بودند تصمیمات پذیرفته نشد.

چه اهمیت دارد اکنون موفقیت حاصل است بگبار و برای همیشه اکنون که بیست سال از آن تاریخ می‌گذرد CIA می‌تواند با بیوند دادن ۷۵ کشور و متحد نمودن ۱۶ آرشیکت برخوردار شود . می‌تواند بگذشته بررگتشی با هیجان بتکرد و بطرف آینده‌اش با اعتماد پیش برود .

با بیست سال تجربه اکنون می‌تواند با جرات و افتخار پیشرفتی حقیقی را ادعا کند . ایده های مشخصی مردانی که با صداقت‌گرد هم آمدند تا اتحادیه‌ای تشکیل دهند امروز بشکل قانون نوشته شده و بمرحله اجرا در آمده‌است بخوبی می‌توانیم ببینیم که این بیست سال چگونه آن افکارنخستین

را هرم داده است . با در نظر گرفتن انواع گرفتاریهای عملیتی رشد غیر منتظره اتحادیه محتلا حتی برای زیرک‌ترین اعضاء اصلی نیز بسختی قابل پیش بینی بود. در زمینه حرفه‌ای واقعا بی‌نظیر است توافق کلی میان آرشیکتها در يك بیکر بین‌المللی که هر نوع جد و جری را کاملا از میان‌برده اکنون به حرفه معماری این فرصت را می‌دهد که در مقیاس جهانی در بسیاری از فعالیتها مقامی بر معنی احراز کند این ما را به دیپانسیون دیگری می‌آورد یقیناً وسیع کاملا متفاوت با آن که در بیست سال پیش وجود داشت .

فرهنگ معماران ، ناسیس موسسات حرفه‌ای با ارزش و صلاحیت دار ، توسعه تکنیک که بتوان در اجرای بسیاری از قسمت های مختلف ساختمان لقلیل زمان داد و بوجود آوردن استانداردهای گمگهانی است از CIA

«ما در این بیست سال چند بله اولیه و اصلی را بالا رفته‌ایم لکن ثابت نمیتوانیم‌ماند و این خود مسائل متعددی را برامان مطرح می‌کند . آن موفقیت که در رشد اتحادیه داشتیم شخصیتش را عوض کرده است . مثلا مسئله وسعت ، خود انصاف ملاقاتهای ما را تغییر شکل داده‌است . این تغییر است که در ملاقاتهای اخیر برای بسیاری از اعضاء کاملا مشهود بوده است. بعلاوه اتحادیه اکنون کاملا بین‌المللی شده و دیگر تنها کشور های اروپائی نیستند که در آن شرکت می‌کنند . از هر کشوری در هر سطحی نماینده وجود دارد . تمام اینها مستلزم این است که نظری دوباره بان معطوف داریم . ارزیابی اینکه کجا هستیم و کجا می‌رویم و مهمتر از همه محک سنجش ما برای حقیقت چیست ونقطه مقابل صلاحیتی که در عمل بان امید داریم کدام است» .

هر کدام از این روزها شاهد رشد قدرتی است که زاده تکنیکه ماشین و افزوده گشتن وظایف نسل های آینده است . مراب و متعادل کردن آنها تعیین حدود و حیطه کیفیت آنها وظیفه آرشیکتور خواهد بود .

«این برماست که بر این مسئله بیاندیشیم تا ماهیت واقعی فردا حقیقی و زنده باشد» .



زمانیکه در برابر يك بناى تاريخى كه ميراث فرهنگى گذشتگان است قرار ميگيريم دل از كف داده ببه كنان لب به تحسین می‌گشایم !

این تشويق و تكريم ها چیست بكنوع تصديق كوركورانه است با احترام به ابا و اجداد با يادآوري خاطره‌اي از گذشته باشكوه ؟ شايد هم گردزمان با ايجاد يك هماهنگی مناسب آنرا چنین زبیا جلوه‌گر ساخته يا در تمام این بناها خاصیت مشترکی است كه موجب هماهنگی بین آنان گردیده است ؟ بچسبو برانیم تا بدانیم این عامل مشترك چیست . نسلل زندگی در دوره های مختلف و حرکت كند جوامع ، قرار گرفتن فرد تحت تاثیر جمع و جمع خود مبین احساسات اجتماع بدینگونه بود كه مجموعه‌اي هماهنگ و در رابطه با زندگی مردم بوجود آمد و طی قرن‌ها تكامل یافت. با شروع فصل نو در زندگی و پیدایش فلسفه های جدید این وضع دگرگون شد .

از اوائل قرن نوزدهم و پیدایش مكاتب مختلف فلسفی و فعالیت اونیویست ها ظاهرا قرن سر - كشتی انسان آغاز شد . اونیویست ها میخواستند زندگی را در چهار چوب اونیوی ها و ایده‌الهای خود محدود كنند . ولی این تلاش های خیالبافانه به ناکامی و شكست انجامید .

بكنوع نهاییزم حاد دامنگیر جامعه شد . تا چالیکه نویسنده‌اي مانند داستایفسکی در داستان رویای يك انسان مسخره زندگی را به سراپای رویا مانند شبیه کرده ومی‌گوید بهمان‌گونه كه ما در رویا وجود اطرافیان و جامعه خود را لمس میکنیم، وبا بیدار شدن کلیه وجود های خلق شده در رویا مانند سراپا محو میگردد ، شايد زندگی ما نیز رویای طولانی باشد كه پس از بیداری تمام مظاهر مادی اطراف ما بهمان‌گونه كه در رویا نابود میگردد محو شود . دراین بین تفاوت عمده است بین انسان امروز كه با فرهنگى بیشتر میخواهد سازنده زندگی جدیدی برای خود باشد تا انسان گذشته‌ایكه زندگی میکرد تا زنده باشد و كتر خود را در مقابل این سؤال قرار میداد كه چرا زنده است ؟

و نتیجه جوابهای مختلف باین سؤال است كه هرروز موجی از جنبش های نوبچشم میخورد ، بدین ترتیب هر آنچه باگذشت در رابطه بود پدیدة شك و تردید نگرسته شد و زندگی بر اساس روابط جدیدی قرار گرفت .

بنیان های هنری از ریشه دگرگون شد . اگر در گذشته هنر در خدمت ایمان مذهبی و با اجتماعى فرارداشت در این قرن اصولا بحث هنر برای هنر یا هنر برای اجتماع دگر گرفت . روابط قدیمی و كهنه‌اي كه بر پایه آنها هنر تحت تاثیر طبیعت قرار میگرفت امروزه دگرگون گشته است . وظیفه تقلید صرف از طبیعت حتی از دور بین عكاسی هم سلب شده است . هنرمند با طبیعت بمبارزه برخاسته و آن را دركار خود دگرگون میسازد بقول آندره ژید «طبیعت برای هنرمند مانند هواست برای كیوتر كه در حین پرواز با هوا مبارزه کرده و در عین حال بالهای او را تکیه‌گاهی جزه هوانیست» هنرمند امروز در عین حالیکه طبیعت را دگرگون کرده و با آن مبارزه مینماید ، منبع الهامی جز طبیعت

## معماری در عصر حاضر

عیرغم این تعبیرها ، پدیده های جدید در اثر موقعیت اقتصادی خاص این قرن و نوجوانی نسل جوان خود را بزندی تحمیل کرد . احمقانه است اگر امروز به مبارزه با این تحولات برخیزیم و كوشش كنیم كه آنرا از زندگی خود طرد كنیم امروزه ما مجبوریم از پدیده‌های جدید استفاده كنیم در غیر این صورت هر كوششی مسلما به شكست خواهد گرائید .

معنی هنر در این نیست كه در لاله گذشته فرو رویم وجهانی را كه در آن زندگی میکنیم ندیده بگیریم . برای رسیدن به پیروزی تنها خدمتكار زیبایی بودن كافی نیست چون هنوز بحث است كه زیبایی در چیست .

در چنین شرایطی هنرمند باید سر دسته مخالفان شمرده شود . در این شرایط هنرمند بازوا و اخراج تهدید میشود برعكس به هنران بیکدیگر صله عطا می‌کنند با آنكه هنرا به ننگ می‌آیند علفهای حقیقی وضع موجود شناخته نشده است . توضیحات شناخته هم در این راه كمکی نمی‌دهند چرا كه حتی از روشن كردن علت های دست دوم نیز ناتوانند . در صورت فضاوت هم ممكن است نزدیکی بلا دهنمان را مفشوش كند .

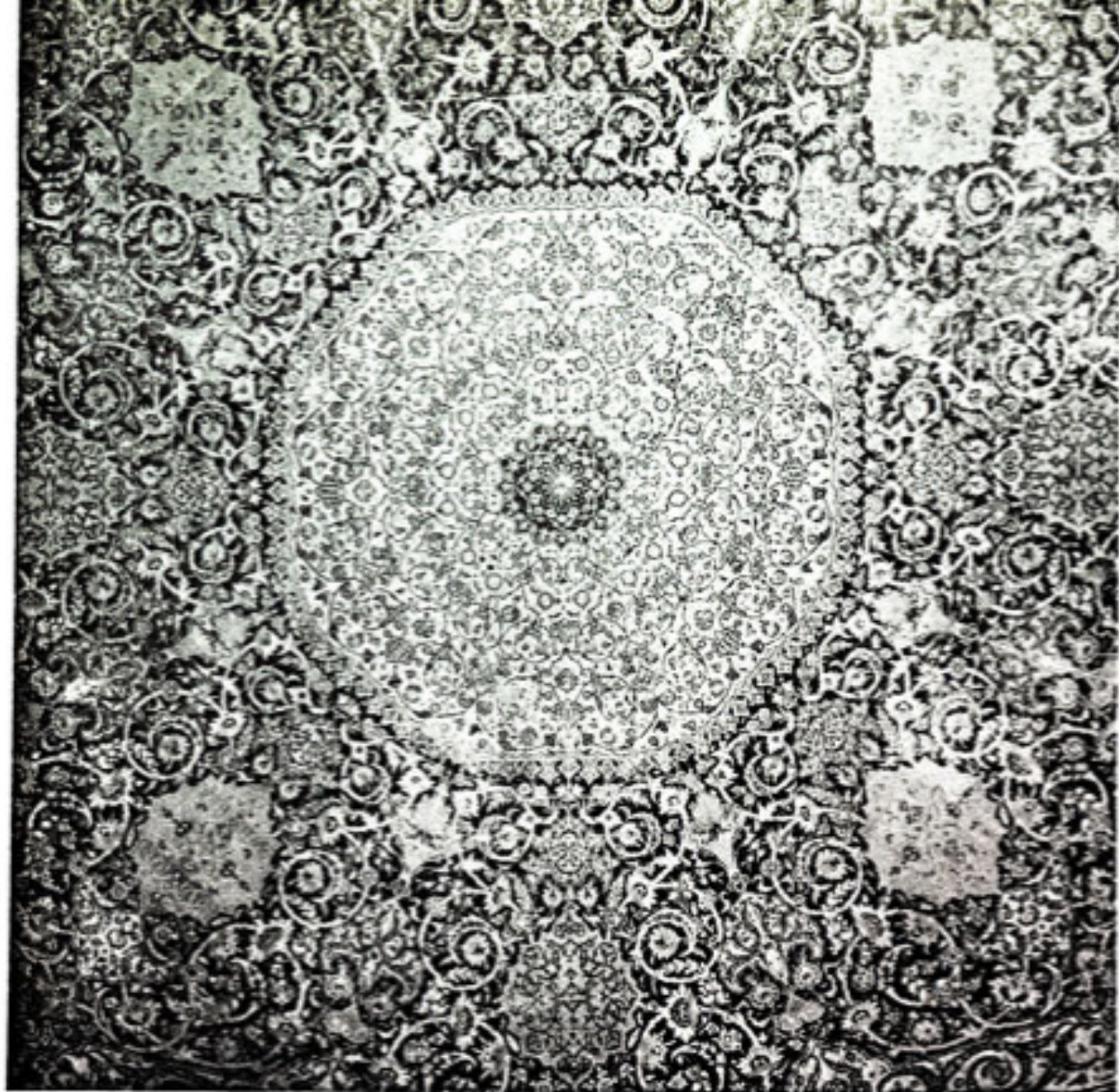
مسلما در پرتو مراحل در برتر آمده خواهیم توانست دوران خودمان را با کلیتش بشناسیم . « با در نظر گرفتن چنین شرایطی معماری نمی‌تواند خود را از جامعه و طبیعت دور پنداشته و راهی جدا از آنها طی كند .

ندارد و تنها منبع الهام مشترك بین هنرمند دیروز و امروز همان طبیعت است . با توجه به اینکه برداشتهای این دو نسل از طبیعت دو برداشت متضاد است ، یکی در توافق و دیگری در مبارزه با آن .

وبدین نحو معیار های سنجش عوضی شد . «هنرمند در این قرن شاهدی بیطرف نیست بلکه خودآوری است آزاد از هرگونه قیدوبند» . «این نوعی و بدور ریختن معیار های گذشته خود نقطه ختاسی بنظر نمی‌آید . بلکه چون مرحله‌اي است از بلندگرونی معنوی بنحوی كه نه تنها میتواند فرهنگ را در جریان تاریخ مغلوب كند بلکه خود را نیز در نفس هستی خویش به چنین عاقبتی دچار سازد» .

در چنین شرایطی پدیده های جدیدی كه در زندگی خودمانی میکند هیچ رابطه ذهنی با مردم ندارد . مبارزات شدید برای قبول و یارد این پدیده ها در میگیرد تا آنجا كه چارلی چاپلین در فیلم عصر ماشین این پدیده ها را بیاد استهزا میگیرد و راه چاره را در بدور ریختن آنها میداند و بدین نحو مشكلات صنایع ماشینی و دستی بوجود آمد . اثر این مبارزه در طرز فکر مردم و رابطه آنها با یکدیگر دو طرز فکر بوجود می‌آورد مبنی بر رد و با قبول ماشین .

امروزه نظریه کسانی كه می‌گفتند «صنایع ماشینی اجتماع را بطرف بربریت غیر مستقیم می‌کشاند و این عوامل زمینه های معنوی را خورد میکند و در نتیجه تضاد بین انسانها بوجود می‌آید» به هیچ وجه قابل قبول نیست (نظریات موريس دراسکین) .



# سیری شگفت‌انگیز در معماری اسلامی

آنتسکه معماری عظیمی را که بنظر عاری از اصول است آنرا امری بدیهی و مسلم بدانیم .

همانند آنکه در ساختمان انگلیسی که ممکن است بصورت گوتیک یا طرح دوره رنسانس یا معاصر باشد آنچه بدیهی و مسلم است که در مقابل نظر قرار گیرد و برای ناظر موقعی قابل رویت میشود که در ترکیب و صورت ساختمان ملحوظ شود اما در ایران چنین امری ضرور نیست چنانکه اگر گاهی از حیاط برخی از مساجد بزرگ به بالانظری بیاندازیم منظرهای را خواهیم دید که خود دنیای جداگانه‌ای که برفراز نماهای کاشی‌کاری ایجاد شده است و علاوه بر این ما انتظار تغییرات حاد در مقیاس و ابعاد را نداریم

در این یادداشتها طرح‌هایی از ساختمان های فی‌المثل شهر اصفهان (طرح‌هایی که در شهرهای دیگر یکسانند) تهیه شده است که نه فقط عظمت آن خیره‌کننده است بلکه این طرحها برخی از قضاوت‌های اساسی بین معماران اسلامی، معماران اروپائی همان عصر و معماران عصر حاضر ما را توجیه می‌کند .

آرامش و سکوت حاصل از سنت قرون این اعتقاد را بوجود آورده است که بعضی از قوانین و اصول کاملاً پذیرفته شده‌اند و حتی تغییرات حاصل از نهضت مدرن هم نتوانسته است در آن قوانین دگرگونی پدید آورد . آنچه که بسیار هجان‌انگیز بنظر میرسد

شگفتی هنر سفال‌سازی در معماری ایرانی و اسلامی یادآور آنتسکه گرچه کار فراوانی در تزئین و سالمه‌نشته متمرکز شده است با اینهمه به نسبت اهمیت درباره اسلوب ساختمانی کمتر نوشته‌اند (باستثنای اثر متهور آرتور پوپ) .

در این مقاله ادعای تحقیق و تتبع به چشم نمی‌خورد بلکه تنها یادداشت‌هایی از برخی مشخصات برجسته است که در معماری ساختمانهای اسلامی بنظر میرسد و این مشخصات در تیب‌های متنوع و در دوره‌های مختلف است که بویژه برای اروپائیان امروزه عجیب می‌نماید و این تأثرات شبیه هیجانانگیزی خواهد بود که برای مسافران قرن هفدهم بوجود می‌آید .

این حیرت و بهت نه فقط برای سادگی ظاهر و فقدان تزیینات دیوار های بزرگ آجری که بر فراز منتهی‌الیه گذرگاه طاقدار کاشی کاری افراشته شده‌اند حاصل میشود (دیوار ها ممکن است ناتمام باشند)

بلکه از جهت بی‌توجهی شایانی است که نسبت با آنچه که در سطح پائین قرار گرفته مبذول گردیده وقتی کسی اطراف این ساختمان مجلل طواف می‌کند مگر حس نظر کاری بداخل جناحین پشت طاق

مسجد شاه اصفهان



بالای صحنه القسا می‌شود و در آنجا بجای دیدار از تیرك ها (شمع) ست و بی‌نیاه با معماری مواجه میشود که اگر شکوه و عظمت پیش صحنه را نداشته باشد با این وصف باندازه همان پیش صحنه همچنان انگیز است .

مبازند چنین منظره‌ای از پشت‌بام ها تا حدی ناآشنا بنظر می‌آیند ولی باید منتظر بود چون حیرت و بهت حقیقی در شرف وقوع است .

در داخل شبستان شکوه‌انگیز و مناسب مسجد از سادگی و درخشش نور آبی‌رنگ حاصل از راهرو های گنبدی که فقط شکستگی آن در کناره ایوانهای بزرگست که در چهار گوشه محل واقعه احساس عمیقی حاصل میشود .

اما تکان دیگر که کاملاً متباین است از پشت مدخل سردر بزرگ عقبی بین مناره

ولی این تغییرات ممکن است بر حسب اتفاق بین دو ساختمان مجاور رخ دهد (گاهی بر حسب مد روز الحاقاتی بچشم می‌خورد ولی معمولاً این تغییر ناگهانی در یک ساختمان کمتر مورد قبول واقع میشود) و بدانشجویان رشته معماری در قبال این امر اخطار لازم داده شده است ولی در ساختمان هائی که بدستور شاه عباس ایجاد شده‌اند يك تغییر بدون تاامل و تفکر عاملی خواهد بود که حساسیت مقاومت ناپذیری را بر حسب موقعیت برمی‌انگیزاند انحراف و پیراهکی طرح خود کلید دیگری برای توفیق در ایجاد دوامی خواهد بود در يك معبدسبك کلاسیك یا يك کلیسای قرون وسطی ،مدخل اصلی معمولاً محوری و کانونهاروی محراب قرار می‌گیرند .

در بعضی از بزرگترین بنا های مذهبی در ایران تغییرات سریع و ناگهانی درست و جهت یا مدخلهای چرخشی غیر منتظره (این مدخلها معمولاً رو بقبله (مکه) هستند و مدخل ویژه مسجد بنام می‌آید) بدون هياهو پذیرفته شده‌اند و در ضمن سهمزادی در تاثیرات نمایشی دارند و آنچه در وهله اول تدبیر و طرح شکفت انگیزی تصور میشد بصورت نتیجه روش درخشانی از طرح نمایش سودمندی درآمده است .

روش طراحی یا طریقی که نگرینتن به بنائی را روا می‌دارد تا مشاهده الحاقی تند و سریع معماری آذین شده بسیار دل‌فریبی را فراهم سازد و در حالیکه این امر هیچگونه وابستگی و توافق با اصول زیبایی ندارد و بصورت اثری برجسته بدون آرایش دارای صور ساختمانی عملی تشریح می‌گردد .

ناظر هنگام تماشای يك ساختمان از نزدیک از ارزیابی ساختمان دیگری متحیر می‌ماند بنابراین چنین می‌نماید که برای تماشای کامل يك ساختمان بایستی فاصله نسبتاً دور یا زاویه خاصی را انتخاب نمود . مسجد شاه که بدستور شاه عباس بنا شده است در انتهای میدان (بزرگترین میدان اصفهان) قرار دارد و این مسجد دارای این قبیل فواصل رویت میباشد .

منظره مسجد از تالار عالی‌قاپو از این تالار پمایشهائی را که اجرا میشده تماشا می‌کردند.

این دیدگاه را برای يك فرد خارجی نمایانگر شکفت انگیز ترین منظره مربوط ببن معماری بشمار می‌رود. زیرا نمای معماری آنچه از بناها کاشی کاری شده بشکل عجیب و بدیع بنظر می‌آید هنر تزئین و بزره کاری بزرگترین گنبد کاشی کاری شده که خود در زمینه صورتهائی از طاقها و گنبد هائی که از خشتهای ساده درست شده است قرار می‌گیرد و در پشت بناهای اصلی سادگی خشن این بناهای آجری تضاد خود رانمايان

است که غفلتا بما وارد میشود . وضع و صورت ناآگاهانه این اثر ایجاد چنان تأثیری می‌نماید که کار قرن بیستم در مقایسه با آن کاملاً بیروح است .

محل داخلی کناره شبستان نیز حیرت و شکستی های زایدالوصفی را ایجاد می‌کند



مسجد شاه اصفهان

چنین غرابتی برای اروپائیان در بدوام بدون آنکه از ارزش عظمت بنا بکاهد برای آنها سرورآمیز ولذت بخش خواهد بود . پس از يك يا دو هفته این تضاد شدید حسابت خود را از دست میدهد و انسان ناخودآگاه موافقت خود را با علاقه غیر محسوس ابراز میدارد و چنانکه معلوم شده است آب و هوای اقلیمی در پذیرش چنین امری نقش حساسی را بازی می‌کند .

در پسته قلات ، ایران که استثنائاً در تمام سال روشنائی شدید و درخشندگی زیاد است چشمها (بجز چشمان متناقی تماشاگران) در چنین مکانی در پهنه یکدست آسمان خیره کننده سرگردان نمی‌شود و همچنین در مقابل ساختمانهای مرتفع محله های فشرده که در آن بر آسمان سر برداشته اند بقرار نمی‌شود و این امر بویژه درباره دیدارهایی از خشتها که منعکس کننده نور کم رنگی است نیز محسوس است نگاه کردن بدیوار های تختانی بخصوص اگر این دیوار ها دارای رنگ جاذب همانند کاشی های آبی باشد و حتی اگر این دیوار در سایه های عمیق طاقهاها شکسته به نظر آیند در هر حال نظر دوختن به آنها بسیار سهل و راحت است چشمها برای دیدن و آگاه کردن سطوح تختانی بزیر کشیده میشوند و زمانی چشمها بیلا کشیده میشوند که کاشی کاریهای روبروی ایوانها و همچنین کاشی کاریهای روی مناره ها و گنبد های اصیل مورد تماشا قرار گیرد و چنان نظر میرسد که گوئی کاشی کاریها جاده برای عبور چشمها تعبیه کرده اند تا آثار اعجاب انگیز را به پیماید .

مسجد ها از لحاظ طرح و نقشه هم حالت نمایی غیر منتظره ای پدید می‌آورد و این حالت نوعی بهت نیست بلکه ناشی از راه حل هائی است که برای مشکلات مربوط به گردش دوران یافته اند و از طرف دیگر تراکم بازار ها و کوچه های حقیر که از گل فرش شده اند و بلافاصله بعد از مدخل ظاهر میشوند که خود تضاد تائر انگیزی ارائه میدهند .

در سردر بزرگ مسجد شاه که با دقت خاصی ناظر به پائین میدان است هیچ اثری از تغییر ناگهانی محور ها که بلافاصله در پشت صحنه قرار می‌گیرند بچشم نمی‌خورد. تقارن آرامش بخش سردر بوضع بسیار مناسبی جلوه گری می‌کند و مسیر مدخل گذرگاه آن از میان درگاهی کوتاه که از زیر طاقی های مرتفع است عبور می‌کند و ناگهان متوقف می‌شود . (طرح را ملاحظه فرمایید)

شرح طرح میدان شاه اصفهان

۱- مسجد شاه ۲- مسجد شیخ لطف الله  
۳- عالی قاپو ۴- میدان (درازا ۵۰۰ متر)

لازم است و اگر کسی تحت تاثیر قرار گیرد و اگر جمعیت مجبور بحرکت آرام که در آن هنگام افراد راه خود را پیدا می‌کنند و گرنه حس جهت یابی را از دست داده و راهش را گم می‌کند .

ولی در این مسجد تاثیر درختان میدان و حیاط آفتابی قسمت عقب پیوستگی مداومی یا سایه مدخل دارند (روبروی شمال) بدین گونه فرد خارجی بداخل کشیده میشود و همانند پروانه ای که بسوی نور کشیده میشود به ناچار در آن سمت می‌پیچد بجای يك لحظه تردید فریفته و طلمس میشود .

یعنی در اثر زرقای درختان حیاط و ایوان محل مقدس فریفته میشوند .

حس اعجاب کاملاً متفاوتی در مسجد زیبای شیخ لطفاله که در قسمت شرق میدان قرار گرفته است در انسان برانگیخته میشود دوباره چشم کنجکاو از زمانیکه گنبد معلق بیرون از مرکز مدخل سر در را می بیند و چیز غیر منتظره ای را که در حال تکوین است تمیز می‌دهد و این برای او شبهه چیزی است که در عکس هائی که از سطح بالا برداشته باشند مشاهده میشود . دوباره محور شمال جنوبی میدان و موضع

۵- بازار و محراب که بر روی دیوار قبله قرار گرفته که بطرف مکه جهت یابی شده است (جنوب - غربی)

کانونها بر محوری که با زاویه ۵۵ درجه چرخشی دهلیز قرار گرفته بوسیله تختگاهی که از طاق راس می‌گذرد مسدود می‌شود و بلافاصله در زمینه مقدم کاسه سنگی پرشکوهی قرار گرفته ، که برای جلب توجه و توجه غلام گردش است .

شخصی که وارد مسجد میشود به نسبت راهرو های باریکی (دیوار ها کشیده نشده بلکه دارای ستونهای حامل طاقهاست) باید سمت راست یا چپ به پیچد . حالا عبادت کنندگان رو بقبله دیوار محراب و همچنین رو بسمت قرار گرفته اند .

این ارتباطی جغرافیائی با شهر مقدس است (در جنوب غربی و محور شمال جنوبی میدان که معمار آنرا بصورتی در آورده که بیگانگان را قبل از اینکه وارد حیاط بزرگ شوند بوضعی خاص مبهوت و ترس آمیخته با احترامی در آنها پدید می‌آورد .

این اثر مقاومت ناپذیر آنی است ولی بوجه بی نظیری شکوهمند است در شمال اروپا جائیکه اختلاف بین سایه و روشنائی زیاد نیست در روشنائی ملایم حس جهت یابی

ها چنان بهم می‌پیوندند و در حالیکه بصورت راهروی طاقدار در آمده‌اند که بلافاصله ایجاد آنچنان احساسی بوجود می‌آید که مقیاس معمولی ما مقایسه تالار تحتانی کوچک بنظر میرسد .

شاید هلالی‌ترین اندازه از چشم انداز فلات (پشته) این چنین تغییر ناگهانی را برای ایرانیها باقی گذاشته است که بآن عادت کنند .

دیدار میل‌ها خالی از کوهها و عبور از آن و ورود بقریه دیوار کشیده از طریق مدخلی در ورودی خود يك منظره عمومی

ومشترك است .

بلافاصله مقیاس از وسعت عام سطح خاص و محدود و فردی جهش پیدا می‌کند. در انگلستان ما بمقیاسات دست بشری یعنی مزارع نمونه‌ای عادت کرده‌ایم که بسا مقیاسات قریه‌ای که از مجموع خانه‌های کوچک میباشد خیلی کم تفاوت دارد .

شاید این دگرگونی‌های ناگهانی مربوط به تنوع فلات (پشته) باشد که چهارچوب فکری را ایجاد کرده است که در آن تغییرات مقیاسات طبیعتا قابل قبول می‌شود .

نوشته الیزابت بنزلی

مکه باستی تجلیل نشود خود مدخل در زاویه داخلی معبر عرض قرار گرفته است و در حالیکه راه دیگری برای جهت گیری وجود ندارد و با وجودیکه هیچگونه علامتی برای مدخل اطاق گنبد وجود ندارد و معموری با بیج راست گوشه در جائیکه چیزی قابل رویت نیست وجود دارد بمحض رسیدن بگوشه آمدنی برای دیدار مدخل سوسو میزند ولی مدخلی وجود ندارد .

در منتهی‌الیه مکان در محکم بسته‌ای قرار دارد و با جزئی تغییر در نور امکان وجود مدخلی در دیوار به یقین مبدل میشود منفذ نا آشکاری بدیوار برشی میدهد که ضخامت اصلی آن در حدود ۸ پا و ۲ اینچ میباشد .

غلتنا بجائی میرسد که در آن بالا شاید زیباترین گنبد در تمام معماری‌های اسلام معلق و شناور است محراب مقابل در داخل دیوار چندپایی از مدخل دری که بطرف میدان باز میشود فاصله دارد و خارج آن محلی است که طواف زائرین از آنجا آغاز می‌گردد .

بالاخره در آنجا شوه تغییرات مقیاس‌ها نمایان است .

این امر ممکن است در ضخامت دیوار ، در عظمت ضخامت داخلی دیوار حادث شود که آنرا پذیرا میسازد .

سنت راهروی کوتاه مقیاسی است که نه فقط در خانه‌های شخصی اجرا می‌گردد بلکه در ساختمانهای کاخهای شاه هم ملحوظ شده است .

فی‌المثل کلاه فرنگی چهل ستون یعنی ستونهای مشهور تالار که بدون انحراف حامل سقف است در حدود ۴۸ پا در بالای آجر فرش قرار گرفته‌اند .

این مقیاس بیش از اندازه درخت تبریزی است .

در مجاورت سالن مجتمعی درهائی است که فقط ۶ پا و ۷ اینچ عرض و ۶ پا و ۹ اینچ ارتفاع دارد و درها بسالن باز می‌شوند که بمقیاس ۳۹×۳۶×۷۲ پا میباشد .

حجره‌های کناری بسیار فرح انگیزند و راهروی طاقدار در اطراف دیوارها کشیده شده‌اند که در سطح راست در فوقانی به مقیاسی قرار می‌گیرند که چیزی بیشتر از يك خانه شخصی ندارند در حالیکه سقف گنبدی بالای آن احساس فضا و هوای لازم را در اقلیمی داغ فراهم میسازد .

دگرگونی ناگهانی مقیاس و اندازه در دیگر کلاه فرنگی‌های شاهی اصفهان بچشم می‌خورد فی‌المثل در عالی‌قاپو محلیکه اطاق‌های کرسی بلند آن بشکل اعجاب انگیزی کوچک بنظر میرسند .

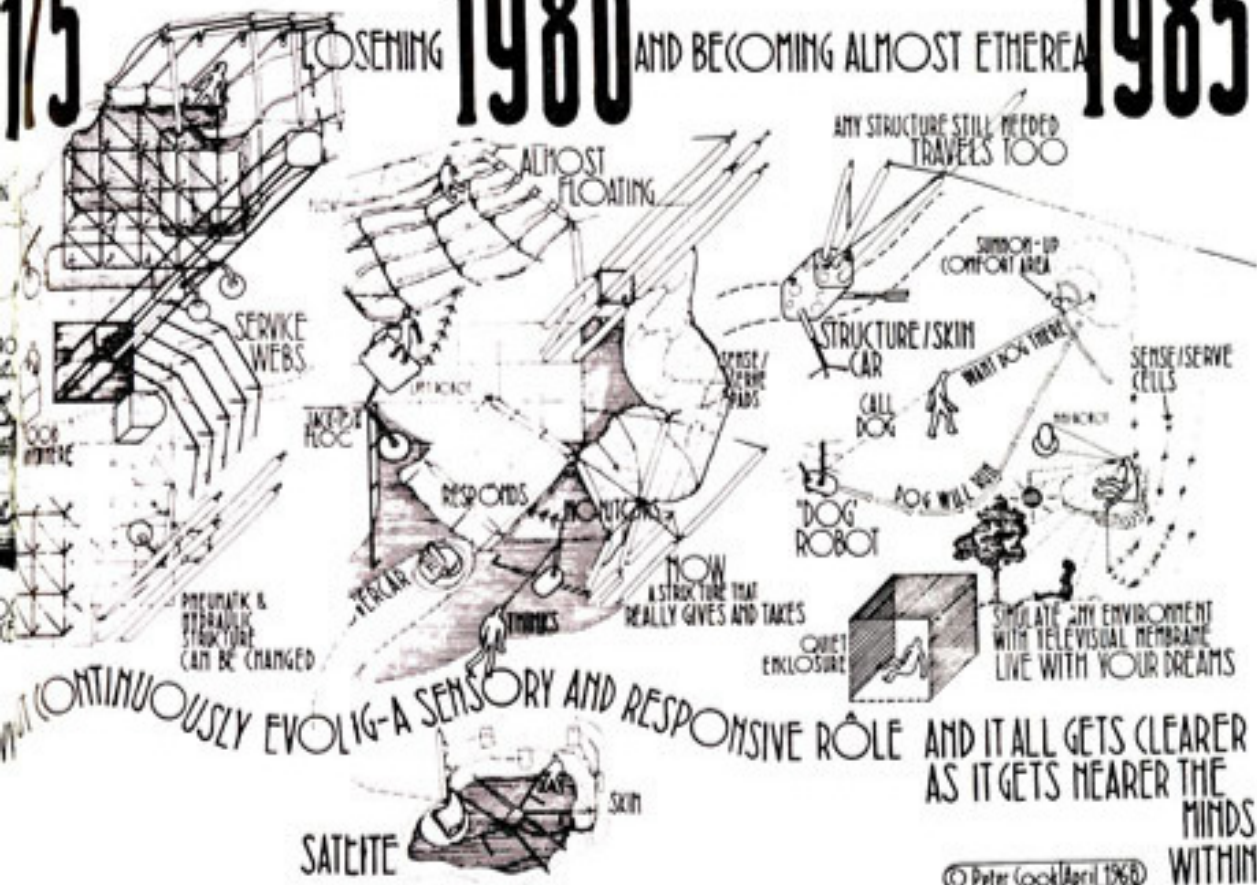
دوباره تمایل ایرانی به آلاچیق و طاقچه

مسجد شیخ لطف‌اله (اصفهان)



ARCHIGRAM

آرشیگرام



Peter Cook April 1980

سایر لوازم صنعتی روز مره طوری تعقیب شود که بتواند به مرحله‌ای از معماری جدید برسد.

## قابلیت تغییر

در زندگی روزمره، ناخودآگاه وسایل مصرف را از بین می‌بریم پس از تهیه و بدست آوردن فوطی های غذا، لباس های کاغذی، انواع فیلم های خودکار، و چیز های دیگر، بلافاصله آنها را دور می‌اندازیم. حتی لوازمی که مهمترین آنهاست انومبیل و گازرازا و در طرح شان کهنگی و یوسیدگی هم دیده نمیشود، به همین سرنوشت دچار بوده بیوسته تغییر می‌یابند و نسل نازده ای جانشین آنها میشوند. امروزه تجهیزات کاغذی بناها، بصورت مد روز درآمده و در شهرهای مختلف بکار میرود. برای نمونه، در بیمارستان های کشور انگلستان، از

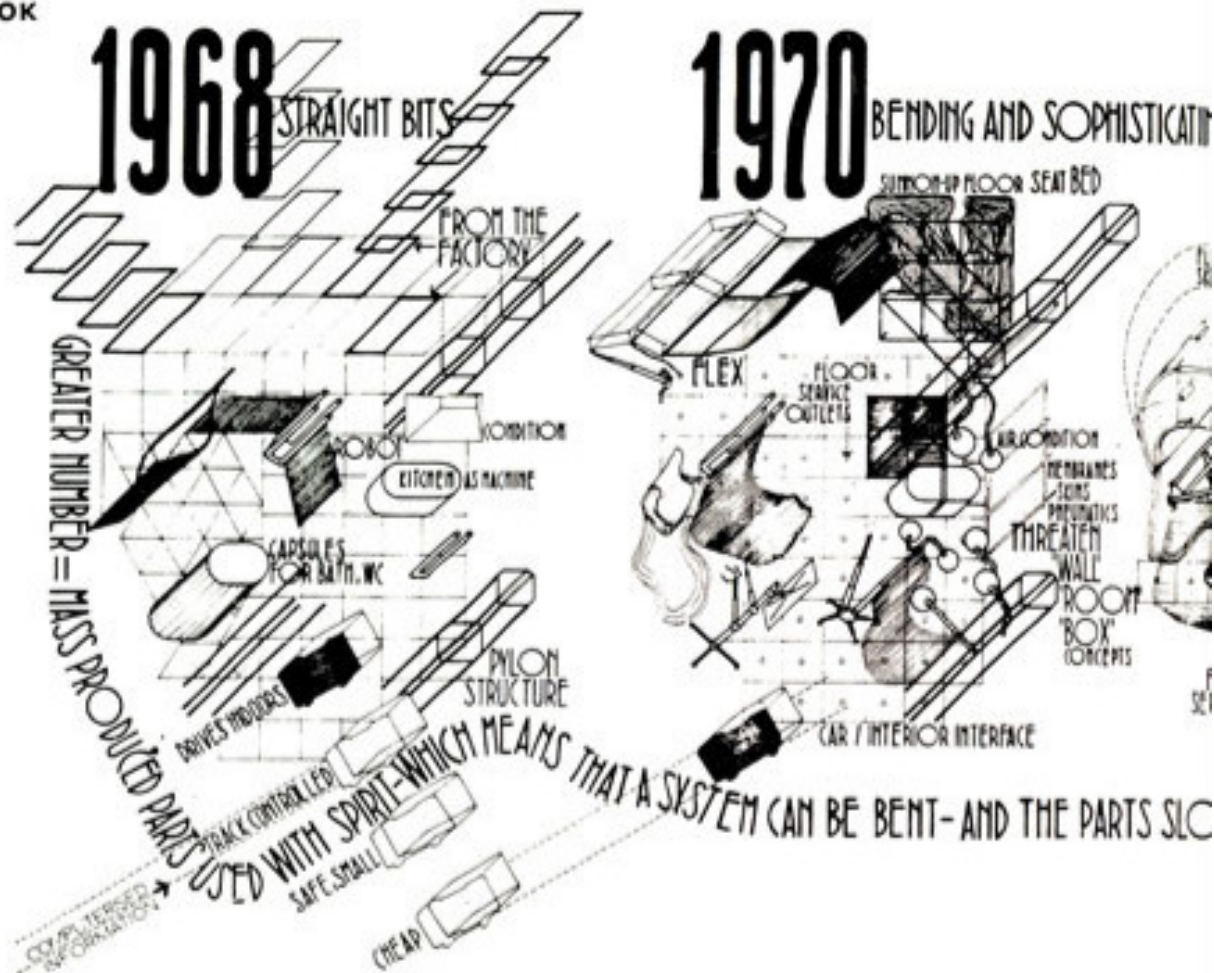
و دلائل پراکنده آن از نقطه نظر مادی، از جمله مطالبی بود که مرتب روی آن بحث میشد. باین ترتیب در شهر سازی، موقعیت ها نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن این مسائل انتخاب شوند. شکل، فضا، محوطه، و فشار ناروایی که از محیط بسته ما سرچشمه میگیرد، در هماهنگی شهر وقفه ای بوجود می‌آورد. معماری مدرن تمام این عوامل را بهم مربوط میکند. اگر گرفتاریهای ناشی از این مسائل نادیده گرفته شود تصور کلی از مفهوم «معماری مدرن» خیلی بی‌ربط به نظر خواهید رسید. آرشیکرام پیشنهاد می‌کند که ساختمان باید از قید فرمول های از پیش تصور شده، انضباط مربوط به آنها و همچنین از بند هترایدنولوژی ها آزاد باشد. ساختمان ها پشت سرهم در امتداد سرپوشیده ها فرار گیرند و پلهای هوایی و خیابان هایی آنها را بهم مربوط سازد. طرز تولید ساختمان و وضع عبور و مرور درست همانند روش تولید ماشین و

شش معمار جوان در دفتری کار می‌کردند. آنها در عین حال که افکار و طرح های خود را مستقلاً پیش می‌بردند، در بسیاری از مسائل همکاری و همکاری داشتند. این امر باعث شد که مجله «آرشیکرام» را بوجود بیاورند. شماره اول آن طیفان و خروشی بود در برابر ناسامانی نوع معماری که شهر لندن را در برداشت در سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ کار شاگردان مدارس معماری تنها کاری بود که میشد به آنها توجه کرد.

معماری قابل تغییر، وابستگی با سنت های ساکن و مسخره، فضای فیزی ساخته شده با مواد و عناصر فیزی، گرفتاریها و فشار های عمومی، روانشناسی «واندیسر» و روانشناسی معماری «اسپرمن»، معماری افکاری در رابطه با کرات دیگر

# ARCHIGRAM

PETER COOK



هائی خلق کنیم که همگام با پیشرفت علم و صنعت و تغییر فرهنگ بشریت باشد. معلوم نیست بچه دلیل هنوز هم یک نوع وابستگی با اشیاء کهنه «اماند لوازم آشپزخانه» وجود دارد. در صورتی که طی دوازده سال آینده، این اشیاء از لحاظ رابطه با استاندارد های روز، نامناسب میشوند و در بیست سال آینده وجودشان تحمل ناپذیر خواهد بود. فکر بوجود آوردن محیط قابل مصرف هنوز همه جهانی وابسته به یک نوع انارشیسم و هرچیز طبقی تلقی میشود. مثلا میگویند بجای اینکه به فکر تعمیر یا استفاده از دستمینسترای باشیم، آنرا با بولدوزر خراب میکنیم. اما «اوستمینسترای» را یا بولدوزر خراب نخواهیم کرد. باین مطلب باید اضافه کرد که در احداث ساختمانهای غیردائمی به فشارهای اقتصادی نیز توجه میشود. معماران اولین گروه اجتماع هستند که رابطه بین جنبش

بایه زندگی بر روی مواد مصرفی فرار خواهد گرفت. اینکه مردم فلسفه «خوش آمدگویی» را بصورت پدیده سالم و مثبتی پذیرفته اند، بخاطر درجا زدن اجتماع نیست بلکه به علت پیشرفت تولید است که بالاخره باعث انحطاط اصول اجتماع خواهد شد. خانه های دسته جمعی ما عبارتست از جعبه های که در هم و برهم روی زمین چیده شده اند، با مقیاس کوچک تولید برای مصرف آنها همین اجزاء محیط ما را تشکیل میدهند.

شاید اکنون لازم باشد این اشیاء که بعنوان فضاها و مکانهای زندگی و کاری مشهورند، تحت عنوان «اشیاء مصرفی» یا «فلسفه تولید برای مصرف» مطالعه شوند و بتوان آنها را انتخاب کرد و خرید. بهر حال با داشتن چنین ایده ای باید آنها را بصورت «قابل مصرف و کارخانه ای» مطابق خواست روز در آورده و آن را بعنوان پایه ای برای «طرح های مصرفی» بوجود آورد. ما باید محیط

ملافه های گالری استفاده میشود و شهرداری لندن در حال ساختن خانه های محدود و استاندارد چادری است. باین ترتیب در «ابوم شناسی» هر طبقه ای از اجتماع ما با هر سطحی از کالاماجاجانی خاصی همراه یا تغییر مداوم، پدید آمده است. باین دلیل در انواع خانه ها نیز، تغییراتی بوجود آمده است. در گذشته مردم خود را به پوشیدن یک دست لباس، بانوع مشخصی از آن، مقید میکردند و خانه و لوازم آنرا بقدری بادوام فراهم میساختند که بتواند برای فرزندان شان هم مقید و مورد استفاده قرار گیرد. اما اکنون این طرز فکر بکلی منسوخ شده است و مردم بیشتر طرفدار این فکرند که مثلا لباس خود را حتی المقدور سال بسال عوض کنند. در چنین حالی نباید تعجب کنیم که چرا فلسفه «خوش آمدگویی» بجای فلسفه «استی» در زندگی مردم پذیرفته شده است. این طرز فکر در اجتماع ما روبه ازدیاد است و احتمالا در آینده



ها و پیشرفت های فنی و ساختمانی را برقرار میسازند. در نتیجه آدم قرن بیستم باید منکر (قابلیت تغییر به مقیاس وسیع) باشد زیرا بیشتر ساختمانهای موجود، با قابلیت صرف تکنیکی شان، جوابگوی حقایق و پیشرفت های اجتماع نیستند و وجودشان از پشت نقاب ساختمانهای پابدار به صورت مونومان هایی درآمده که حتما باید از بین بروند.

### جدول بقاء نسبی المانهای مختلف ساختمان

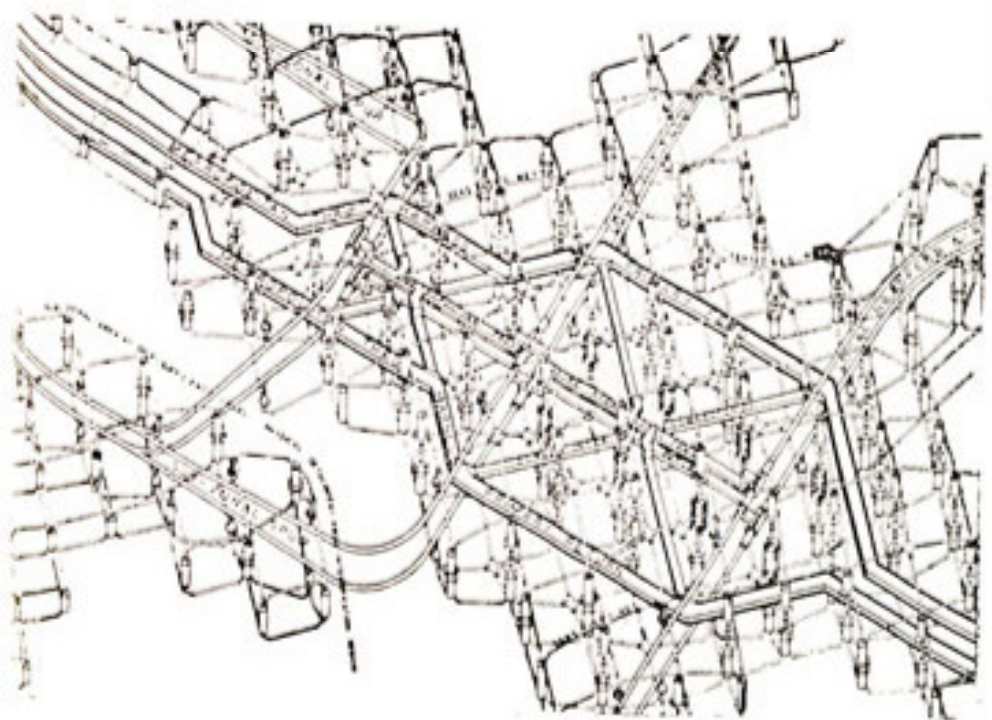
طی ۲ سال	جایگزین میشود	حمام یا آشپزخانه ، طبقه اطاق زندگی
» ۵ »	»	اطاق زندگی
» ۸ »	»	محل خواب
» ۱۵ »	»	محل بخشهای زندگی
» ۶ »	»	قسمت های سریع الاحتیاج مانند بازار
» ۳ »	»	مفازه های محلی
» ۶ »	»	مفازه های بزرگتر و فروشگاهها
» ۱ »	»	محل های کار و ادارات
» ۸ »	»	ادارات خودکار و الکترونیکی
» ۲۰ »	»	جاده های ماشینرو و غیره
» ۴۰ »	»	ساختمان اصل مجموعه

# آرشیگرام

طرح يك شهر الكترونيك

۱۹۶۴ سال Campater City

Grom Pton طراح



## گروه آرشیگروام. کار عرضه شده به بینال پاریس

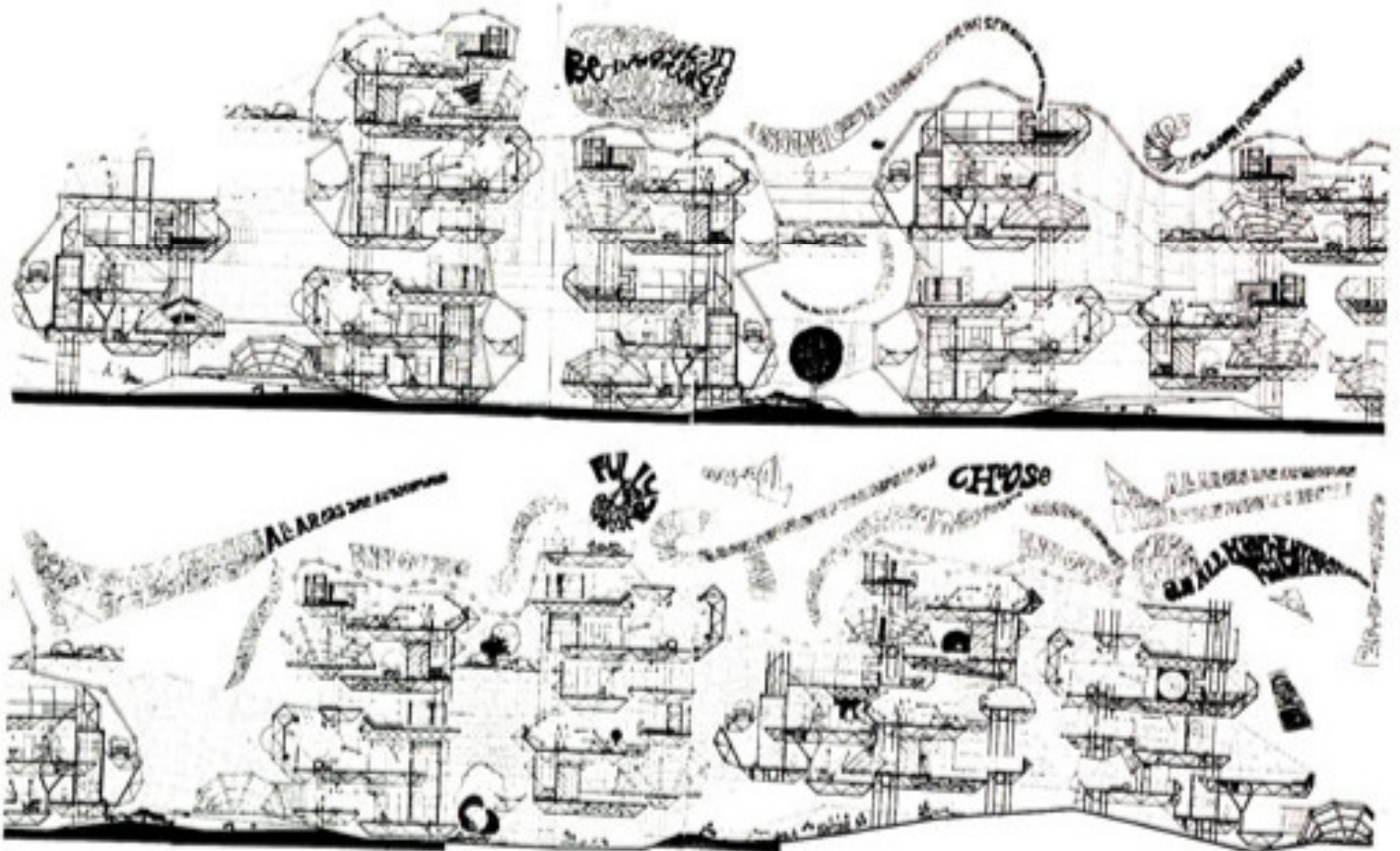
است برای گسترش دادن به مقیاس قدم نه اینکه وسیله‌ای باشد که جزء ویرو خانه بحساب آید: و یا شامل به اسبابها و وسائلی که باعث تحمیل پدیده های عینی‌شان در مقابل خواسته‌های روانی بشر برای رسیدن به موضوع های نزدیکتر و دوستانه‌تر میشوند. (

مسئله اینست که از وسائلی که میتواند جنبه نگهداری محیط را داشته باشد بهره برداری کرده و به هرگونه حساسیت و حرکت متقابلی امکان رشد دهم درین اینکه نباید مقهور آنها شوم. وجود فزات در حال حاضر در این طرح مبتنی بر پیشرفتی آهسته از نظر مقیاس و اندازه دوام منحنی بوده و به موارد زیر منتهی میشود: مسیرساختمانی Structural Path آنها از طریق تکامل روش های ساختمان یا ستون شناخته شده است ( نه بطریق فرضی و تجریدی) سقفها و دیوار ها و سرویس های عمومی به هرهای سه گوشه‌ای با ابعاد یک دوم متر تجزیه شده (هرکدام شامل یک در سرویس که در مرکزشان قرار دارد میباشد) اجزاء خودکار - مبل و سایر لوازم ضروری در هر قسمت ازخانه ها در دسترس میباشد. مازمات خانه - محلهای جریان هوا و محلی برای تفریح بچه های طبقات مختلف در کنار دریا و همچنین یکسری انومبیل های خودکار در مجموعه در نظر گرفته شده است. مسیر گردش که برای وسائل سبک در نظر گرفته شده و در این نقشه‌ها نشان داده نشده‌اند. مؤثرترین مرحله در مورد ثابت روز افزون معادله وسیله‌ای « اختیار انتخاب » میباشد.

این پروژه که به بینال ارائه شده است مرحله ایست از توسعه ایده هائی که در پروژه های قبلی مطرح شده بودند و این نوشتش است برای مطالعه و جستجو در زمینه روشها (سیستمها) سازمان ها (ارگانیزاسیون ها) و تکنیک هائی که بما امکان ایجاد آزادی و یک زندگی خوب بمفهوم کلی آن را برای افراد میدهد. نقشه‌ها و ماکت نشان دهنده تکخاله های فامیلی مشابه (تیبیک) است. این ترتیب خانه سازی برای محلهای برجعمیت میباشد. (در محلهای کم جمعیت نیز میتوان همین روش را ولی بارتکبسی دیگر بکار برد). این طرح بصورت نوده‌ای از اجزاء بوجود آمده که در موارد لازم هرکوشه آنها میتوان تغییر داد ولی در لحظه‌ای از زمان طرح در درون خود کامل است. این مرحله از طرح برای از حالا تا ۱۰ سال بعد طرح شده است ولی همین طرح با مقیاس و اجزای ترکیب کننده کوچکتر میتواند برای از حالا تا یک سال بعد نیز بکار برود.

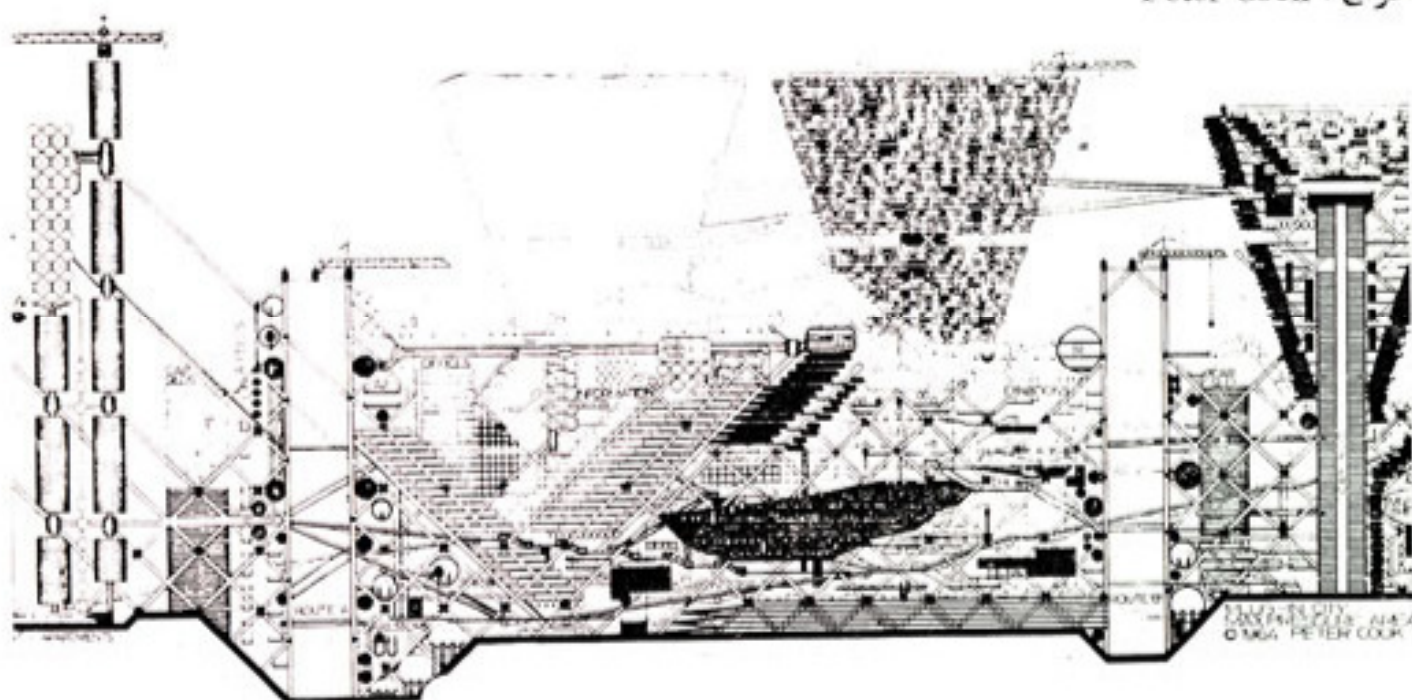
این جستجو مبین آشکاری ابهام بین آزادی صرف در انتخاب و کنترل بر همه چیز میباشد. بخصوص وقتی همبستگی بین حوادث و معیار هائی است که سستی یا یکدیگر مقایسه نشده‌اند ( بعنوان مثال - ساعت ساعت روشها در رابطه با ابعاد کلی و ضعالم آنها در تغییرند: انومبیل وسیله‌ای

# اختیار وزندگی انتخابی



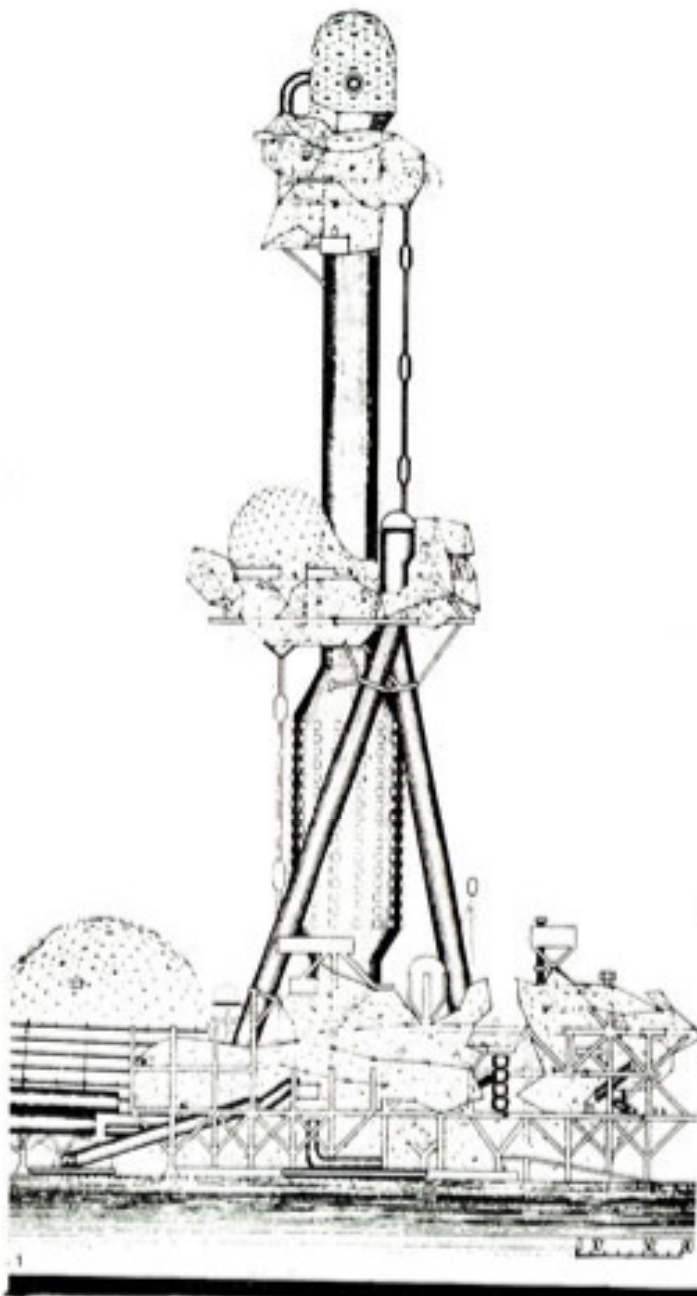
# Plug-in City

طراح : Peter Cook

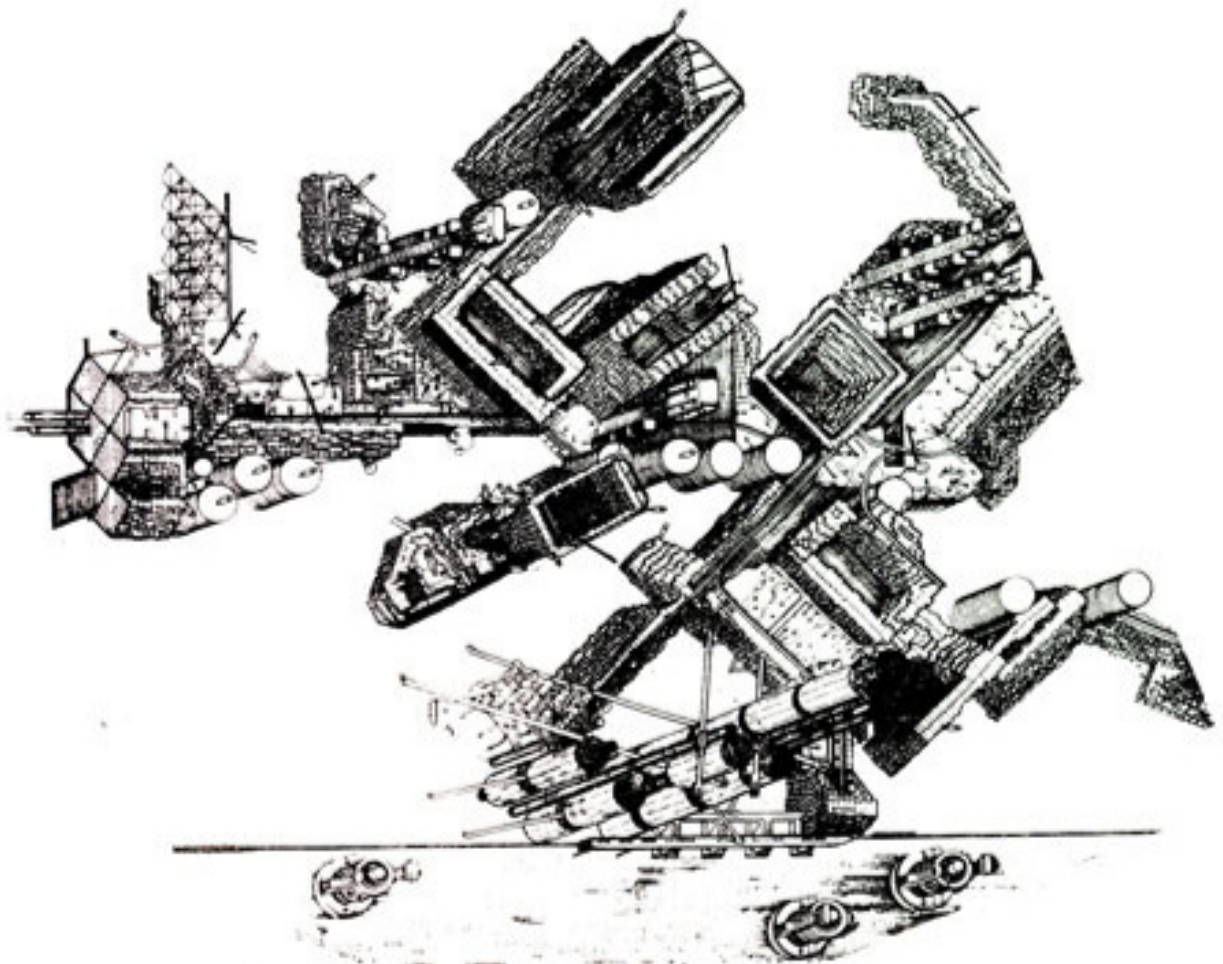


مقطعی از شلوغ‌ترین ناحیه از طرح Plug-in City طراح Cook سال ۱۹۶۴

روش Plug in city عبارت از يك سري ساختمان به مقیاس وسیع آن است که میتواند راهها و سایر قسمت های لازم برای هر نوع زندگی در رابطه با زمین بوجود آورد . این شبکه های ساختمانی میتوانند روی زمین یا بالاتر از آن قرار گیرند . در داخل آن شبکه های مختلفی که تمام احتیاجات يك شهر را جابگو باشد در نظر گرفته شده است . این طرح ضمن دارا بودن روش ساختمانی ، طوری تنظیم شده که در آینده میتواند براحتی جای خود را به طرح های پیشروتر بدهد. يك خط هوایی که حامل نفاذ های تلسکوپیک است و در بالاترین نقطه ساختمانیها نصب شده ، بخش های شهر را بیکدیگر می پیوندد . قسمت های هریکس که عموماً به ماشین های الکترونیکی مجهزند ، نیازمندیهای روزانه مردم را بخوبی تامین میکنند . قطعات مربوط به حمل و نقل ، تغذیه کننده ، خط ها ، جاده ها و تونل های تغذیه ای برای رساندن بارو سرویس ، همگی قابل تغییرند زیرا خود شهر قابل تغییر است . تمام شهر در حکم يك ساختمان است و کار در داخل شهر ، ناهد ممکن مانند کار در يك ساختمان ، پدیداری شده است . در حال حاضر این طرح را میتوان بطور مناسب Tanyemthy وارد شهر های بزرگ کرد و احتمالاً جای آنها را خواهد گرفت اما نا چهل



نما - نقشه مجموعه و عکسی از ماکت يك برج نمایش همراه با هتل ، پارکینگ و مرکز تفریحی در مونتريال سال ۱۹۶۴ طراح : Cook که برای شرکت ساختمانی Taylor Woodrow تحت رهبری Teo Glosy طرح شده است.

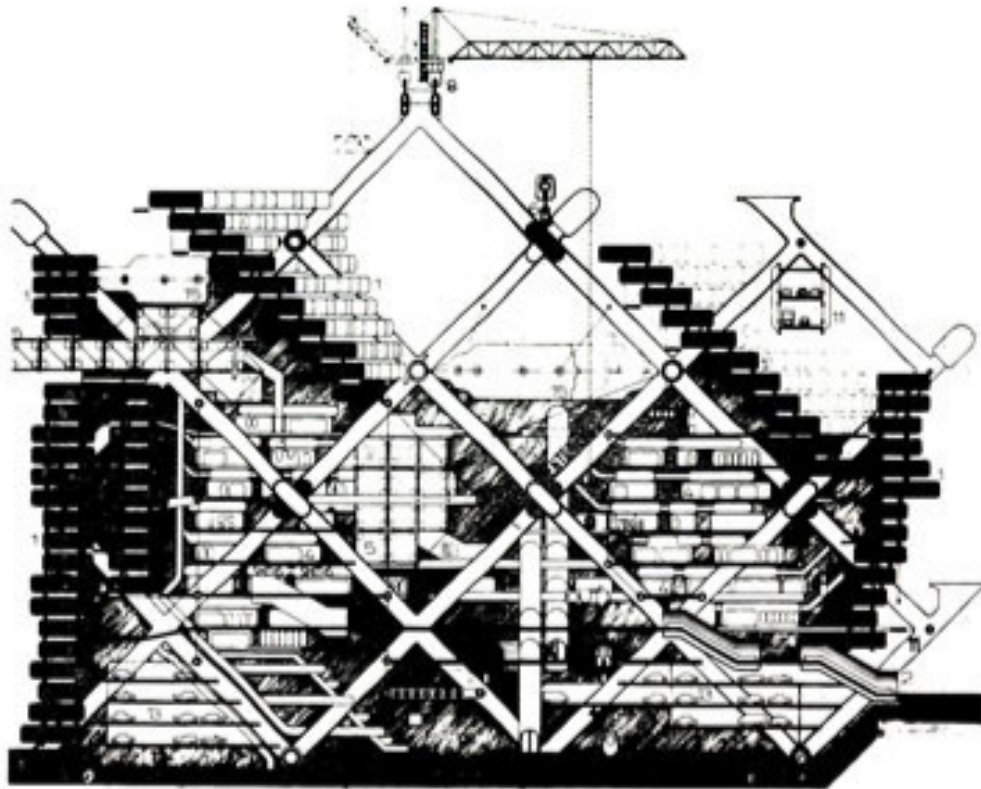


منظرهای از :  
Plug in city  
از ارتفاع

محلی است . يك چهارم آن لوله های فرار نامینی را تشکیل میدهد و يك چهارم دیگر مجموعاً برای حمل بار و سرویس ، اختصاص دارد . در این شبکه ، طبقات ساختمان در هر نقطه‌ای که لازم باشد بوجود می‌آیند و از يك آسانسور متمم استفاده میکنند . آسانسور متمم عبارتست از کابل های کششی ، دستک و یا دستکتهائی که يك درمیان به اسکلت اصلی سه بعدی ، آویزان میباشد . تمام اجزاء متمم خانه‌ها مغازه‌ها ، ادارات ، راهها ، پله های برقی و غیره ، از نظر ساختمانی ، بوسیله روش سه بعدی (فطری) حمل میشوند . يك نوع روحانیت و فلسفه خاص در این نوع اسکلت وجود دارد ، که برپایه بقاء همیشگی قدرت سرعت و نیازآینده جوامع انسانی ، استوار است . اجزاء بلند و ثابت در نزدیکی اساسی Base یا در داخل سازمان قرار دارد و اجزاء کوتاه ثابت در نزدیکی قله و یا پیرامون سازمان . بنابراین راه آهن های سنگین و بر بار در زیر مجموعه جای دارند و بالی های پرواز و غیره در بالای آن . اجزاء سنگین در زیر هستند ، جاده ها و تگ ریل های سریع در نزدیکی قله . پارکینگ های ناحیه‌ای نیز در زیر قرار دارند . به مقطع نیمه بالای مجموعه ، از بالا به پایین نگاه کنید . این قسمت شامل فضا های اجتماعی شلوغ و محل های تفریح است به همین دلیل است که میدان ها در این قسمت قرار گرفته‌اند همچنین آسانسور های اصلی نیز در این قسمت ظاهر میشوند .

آپارتمان ها يك خط هوایی سریع‌السیر Hover Way فرار دارد . راههای فضائی با دو خط بر در رئوس ساختمان نشان داده شده . در پایین طرح ، سمت چپ ، قسمتی از شهر را که در دست ساختمان است مشاهده میکنیم . همچنین در بعضی از رئوس ساختمان ها ، طبقه کارگذاشتن بالی هائی که در مواقع ضروری برای تجمع فضائی بکار میرود ، دیده میشود . سنگین بارترین فضا های شهر با تعدادی راه بازرسی و سرویس‌میشود . این Arcleavages در اسکلت اصلی عملاً برای تجمع کامل جریانها از بالا تا پایین میباشد . راههای هوایی در امتداد مسیر اصلی تکثیر میشوند . جاده نفذیه کننده و جاده سرویس اصلی در دو طرف این مسیر بفاصله سیصد پا قرار دارند . پیاده‌روها بشکل گردشگاهانی است که مانند پل هائی از طبقه راهتها به طبقه راهتهای دیگر کشیده شده و فاصله آنها از یکدیگر به نسبت سرعت عبور و مرور در هر يك ، تنظیم شده است و پل های برقی که برای اتصال طبقات بکار رفته‌اند ، شکل طبقات معمولی را بخود میگیرند . سنگین‌بارترین قسمتها در طرح ، نمایش دهنده پایه های مربوط باینده طرح است و اینکه چرا باید بطور کامل بطرح Plug in City دست زد . يك شبکه سه بعدی از لوله هائی به قطر ۹ پا ساخته شده است که نقطه تقاطع آنها ، در ارتفاع ۱۴۴ پائی بايك ترمه اتصال ۸ طرفی است . دريك چهارم این لوله ها ، حرکت سریع زندگی جریان دارد . يك چهارم آن مربوط به حرکت آرامتر

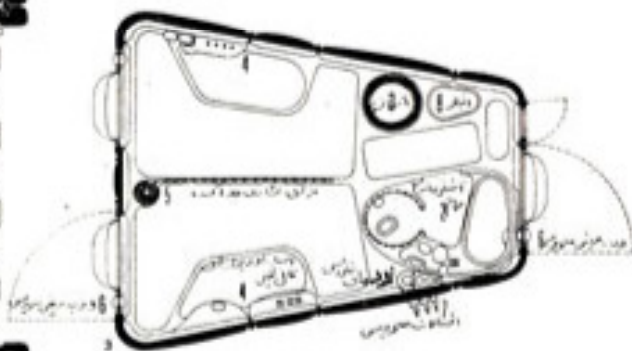
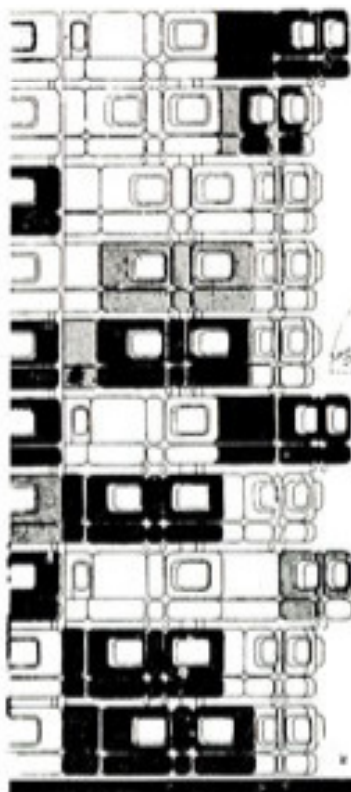
سال دیگر که روش های ساختمانی برآور بیشتر تکنولوژی دگرگون خواهد شد ، این طرح نیز جای خود را به طرح های پیشروتر خواهد داد . بوسیله راههای فضائی یا هر سیستم دیگر که جایگزین آن بشود . باین ترتیب Plug in City مشابه زیادی به يك ارگاتیسم زنده دارد که در محیط ما رشد میکند . بجز راه معلق فضائی که در بالاترین نقطه ساختمان‌ها تعبیه شده ، راههای کم اهمیت‌تری در طبقات پائین‌تر ، بین ساختمانها وجود دارد که در آن وسیله های نقلیه و جرانقال‌های نلکوبی حرکت میکنند . نقل و انتقال و رفت و آمد بین ساختمانها بوسیله همین جرانقال ها انجام میگردد . منظره هوایی مجموعه شمائی از يك قسمت کوچک Plug in city است و نشان میدهد نه این طرح چگونه از اصل بايك روش مشخص دنبال شده و چگونه قسمتهای مجاور ، با برآوردگی ها و فلاپ های خود بیکدیگر مربوط میشوند . بافت های میله‌ای که بخش های مختلف را بیکدیگر مربوط کرده بکپارچگی آنها را فراهم میسازند ، بطور کلی ارتفاع زیادی از سطح زمین دارند ولی در انتهای بیش آمدگی ها ، فقط میتوانند قسمتی از ۱۴۰ پا ارتفاع مجموعه را بخود بگیرند . آپارتمان های مسکونی در قسمت راست قرار دارند که در آن ترفیك بیشتری برای حرکت جمعیت در نظر گرفته شده است . در هریك از این برج ها مجموعه کامل وسایل زندگی و ادارات مربوطه ، فراهم و دائر میباشد . این برج ها از راه تونل ها با همراکز عمومی متحرک ارتباط دارد . در قسمت راست



قسمتی از نمای Plug-in-city شامل لوله‌های آسانسور و قسمت‌های مسکونی و خرید و انبارها و پارکینگ همچنین قسمت‌های اجتماعی و تکریرل های حمل و نقل

- ۱- بخش مسکونی
- ۲- لوله‌های آسانسور
- ۳- آسانسورهای مفاز و سیلوها
- ۴- مفازها
- ۵- سوپر مارکتها
- ۶- تکریرل‌های سریع
- ۷- محل تکریرل‌های سریع
- ۸- ریل جرانفال
- ۹- راه آهن سنگین (با ظرفیت زیاد)
- ۱۰- مرکز ارتباطات
- ۱۱- راه سریع
- ۱۲- محل جاده‌نقطه کننده (شاهراه اصلی)
- ۱۳- پارکینگ
- ۱۴- انبار کالا
- ۱۵- سالن کنترل

برج مدوری که بوجود آورنده بخشهای مسکونی در طرح Plug-in City می باشد سال طرح Chalk این بخشها می‌توانند بسا بوجود آمدن طرحهای بهتر جای خود را بآنها دهند. اما چون اسبابهای داخلی نیز قابل توسعه و تمديد می‌باشند اسبابها و دیوارهای داخلی برمی قابل تغییر در نظر گرفته شده (طول محور افقی و قائم قابل گونا و بلند شدن است) که میتوان براحتی در داخل خانه تغییراتی داد آشپزخانه ها و حمامها بصورت کیسولهای قابل یادکردن می‌باشند.



- ۱- کانال سرو کننده
- ۲- آشپزخانه و حمام
- ۳- آسانسور بادی
- ۴- گیره و وسایل منصوب بردیوار
- ۵- فنر تقسیم‌بند
- ۶- در بزرگ سرویس
- ۷- خدمات ارتباطی
- ۸- انبار

## تأثیر تمدن اوقات فراغت در تکامل زیستی انسان

معمولا اوقات فراغت را اینطور تعریف می‌نمایند که انتخابی است آزاد از فعالیت‌ها، اختیاری است آزاد از وقت در مقابل اشتغال جبری یا اجبار مخصوصا اجبار اجتماعی.

انسان دارای یک سلسله رفتار است، بعضی از این رفتارها ناشی از خود ساختمان جسمانی ما است که در حالت طبیعی با تواب کم و بیش تکرار میشود از این قبیلند، خواب، بیداری و رفتار غذایی و بعضی از فعالیت‌های حرکتی.

رفتارهای دیگری نیز هستند که از معدتها پیش‌پیش بشر با آنها مانوس شده است. و در طی نسلها برای بشر بصورت عادی درآمده‌اند از این قبیلند فعالیت‌های اجتماعی از قبیل بیان، عادات و بازیها. بلاخره رفتارهایی هم هستند که بعادت نازگی و همچنین به سبب اینکه باید پاسخگوی توقعات زیادی باشند مستلزم فعالیت عصبی شدیدی برای سازگاری دقیق هستند و از این قبیلند فعالیت‌هایی که دنیای فنی معاصر خواستار آنست و سلسله مراتب اعمال بدنی تقریبا از همان هنگام ظهور کنشها از بدو طفولیت شکل پیدا میکنند.

روانشناسی نگوینی به بررسی این مسئله پرداخته و در طول تقریبا ۵۰ سال اسناد زیادی را جمع آوری کرده است که رفتار کودک را در سالهای اول هفته به هفته ماه به ماه بطور دقیق تعیین میکند. تکامل این رفتارهای فرد انسان طور است که ما را بیاد تکامل نوع انسان می‌اندازد بخوبی که می‌توان در تکامل رفتار فرد تکامل نوع را بخوبی مشاهده کرد.

در پائین ترین سطح به فعالیت‌هایی برخورد میکنیم که برای تمام افراد و در هر محیط و هر زمان مشترک هستند مانند رفتار غذایی، تواب حرکات و استراحت و سپس پیدایش تجسس فضائی و دخل و تصرف در اشیاء.

بازیها در عین حال یک عامل دوام و یک عامل تطبیق هستند که گذشته نوع بشر را که در آن جماعتی کودکان جهان مشابه یکدیگر هستند با زمان حال آنها که مشخص کننده تفاوت‌های فردی است بهم مربوط میکنند. اندیشه منطقی جانشین اندیشه جادویی میشود و امر ذهنی و امر عینی بجای اینکه باهم مخلوط شوند در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. فرد با کسترش چهارچوب فضائی و زمانی فعالیت‌ها خود استقلال قابل توجه بدست می‌آورد و در ضمن روابط انسانی خود باهم پیش از پیش زیاد میکند چنین تکاملی بسوی خود مختاری در دنیائی وسیعتر و پیچیده‌تر و بویژه پرنرگتر مستلزم بکار بردن کارهای جدیدی است که انسان می‌باید مرتبا بوجود آورده و تغییر دهد.

این کارهای تازه و ظریف و پیچیده که هنوز عادی نشده‌اند انرژی هججائی زیادی را مصرف میکنند و از اینرو خستگی عصبی بوجود می‌آورد. نوع کار بدنی نمی‌تواند مدت زیادی بدون خسارت دوام بیاورد بنابراین می‌باید پشت سران دوره‌های از تمدد وجود داشته باشد. خصوصیت این نوع تمدد عبارتست از برگشت به فعالیت‌های عادی‌تر و با استراحت.

نشخ‌های عروقی و حمله قلبی

در دوره طولانی کشاورزی که ما شاهد زوال آن هستیم انسان به خاک روستای خود پای بند بوده و از هنگامیکه ماشین را بین خود و طبیعت قرار داد همیشه مشتاقانه در جستجوی بازگشت به طبیعت

است و امروزه به‌شن‌های سواحل و پلاژها اکتفا ننموده و در فکر تصرف فضا و دریاها است.

غریزه مهاجرت که سابقا توسط حملات و جنگ‌های صلیبی و زیارت‌ها و بعضی اکتشافات ارضاء میشد در زمان ما فقط نزدیکه کمی ارضاء میشود امروزه آژانس‌های جهانگردی هر روز بیشتر سازمان می‌یابند و مسافرت‌هایی ترتیب میدهند که امکان (بازگشت به اصل) را موجب میشوند. امریکاییها به اروپا و اروپاییان به شرق مسافرت میکنند و انتظار میرود که این تمایل هر روز شدیدتر شود.

تمدن اوقات فراغت دوره‌ای نخواهد بود که در آن «کار» جای خود را به بیکاری دهد.

در حال حاضر مانعی که بر سر راه تعادل زیستی انسان وجود دارد اغلب بر اثر ناتوانی انسان است که چگونه تعادلات منضادی را که طبیعتش به او تحمیل میکند تغییر دهد و با آنها را باهم سازگار کند.

طب بسیکوسوماتیک مثالهای زیادی از تناقض بیداری را از این قبیل بهمان نشان میدهد. مثلا یک کارفرما بواسطه نقش اجتماعی مجبور به تقبل کارهای پر مسئولیتی است در صورتیکه عشق شخصی او وی را بطرف رفتارهای بی‌جان و اطاعت سوق میدهد و لذا نمیتواند طرز رفتار خود را تطبیق دهد و با این حالات آنقدر بیداری میکند تا دچار نشخ عروقی و گاهی اوقات دچار حملات قلبی میشود و لکن می‌توان امیدوار بود که نسلهای آینده خواهند توانست خود را از این حوادث حفظ کنند.

در حال حاضر یک نوع طرز تفکر جدیدی در جوامع بشری در حال تکوین است تمدن و زنان همانقدر که هم خود را به پرورش فکر معطوف میدارند به تمرینات جسمی و پرورش آن هم می‌پردازند.

ایام فراغت، عامل حیاتی

کار که از هنگام اولین دوره صنعتی پیش از پیش گسترش پیدا کرد وقت اساسی هر شخصی را اشغال نمود وقت برای فراغت مخصوصا برای خواب بسختی بدست می‌آید. پیشرفت تکنیک ضمن افزودن کارائی ماشین متدراجا زمان کار را کاهش داده و در ضمن کار را اجباری‌تر میکند و از آن هنگام فراغت در نقطه مقابل کار قرار می‌گیرد. چه انواعی از ایام فراغت که می‌توانند به تعادل زیستی انسان کمک کنند باید توسعه یابند؟

- هر آن چیزی که به ارضاء تعادلات درونی انسان کمک نماید.

- هر آن چیزی که گسترش و شکفتگی جسمانی انسان را نامین میکند.

- هر آن چیزی که سبب نمایش صریح بین‌اشد و تمدد عضلانی است.

برای رسیدن باین هدف بویژه فعالیت‌های ورزشی و هنری و فرهنگی ضروریست و این بخاطر نافع نمودن ایام فراغت نیست که باید این فعالیت‌ها را سازمان داد بلکه اثر بخوایم که این فعالیت‌ها وظیفه حیاتی خود را انجام دهند می‌بایست که حاوی بعضی مشخصات باشند به عبارت دیگر آنها می‌باید جریان فعالیت‌های شغلی را بنمایند و باید همان اندازه که شغل موجب تشدد میشود فعالیت‌های ایام فراغت باید به تمدد کمک نمایند و در تمام حالات باید محیط اطمنانی بوجود آورد که یکی از شرایط آن سازمان دادن به گروه‌های فرهنگی است که موجب بسط دوستی بین افراد انسانی است.

از: آر پی‌آر پطرسوسیان

## نگاهی به معماریهای ابتدائی در

در ضمن مطالعات که نگارنده در باره فواید و امکانات اجرایی و نحوه انجام معماری موقتی و قابل تعویض و دورریختن انجام میداد ، طبعاً با انواع معماریهای ابتدائی موقتی و نیمه موقتی مانند ساختمانهای گلی و سنگی بدون سقف گله‌دارها ، ساختمانهای حصیری و کاغذی روستاها و جوامع فقیر ، سیاه‌چادرها و آلاچیقهای عشایری و مانند آن که در ایران وجود دارد نیز توجه گردید و برای مطالعات نمونه‌ای ژرف‌انگر این نوع معماری ، خانه‌های سنگی منطقه جبال بارز ، خانه‌های شی دشت جیرفت و چادرهای عشایر ساردوئیه انتخاب گردید . انتخاب منطقه جیرفت برای مطالعات بعثت شرایط مخصوص بقیه مطالعات بوده است ولی جمع این سه نوع ساختمان موقتی فوق نیز در یک منطقه کمک زیادی در تسهیل کار مطالعات نموده باعث شد بتوان در یک برنامه مطالعاتی هر سه را بررسی نمود.

### خانه های جبال بارز

در منطقه کوهستانی جبال بارز تقریباً تمام ساختمانها سنگی می‌باشند البته مقصود اینست که دیوارها از سنگ ساخته میشوند و سقف ساختمانها از تیر چوبی و گل و یا گنبد طاق ضربی خشت گل ساخته میشوند که بطور کلی سقفهای گلی بیشتر مربوط به ساختمان های دائمی و سقفهای چوبی مربوط به ساختمان های نیمه موقتند باین معنی که دیوار های سنگی این ساختمانها بصورت همبستگی ( یا لاقط برای مدتهای بسیار مدیدی ) ساخته میشوند و سقفهای چوبی آنها را هر سال یا گاهی هر فصل به مقتضای نوع کار آنها ، بر میدارند و از نو میسازند و یا تغییراتی بان میدهند و بهمین علت هم اغلب مقدار زیادی دیوارهای موازی یکدیگر بدون سقف در داخل یا در کنار آبادیهای کوچک دیده میشوند که بهیچوجه نباید آنها را بجای خرابه یا ساختمانهای متروک گرفت بلکه بطور موقت خارج از استفاده هستند . این ساختمانها یا بصورت اطاقهای منفردند یا بصورت اطاقهایی که در یک ردیف کنار هم چسبیده‌اند و بنظر میرسد که هر یک از اطاقها یک‌خانه مستقل باشد تعداد ساختمانهای ۲ اطاقی بیش از انواع دیگر است . با آنکه سقف این خانه‌ها از چوب و یا حصیر و کاهگل است شکل ظاهری آنها مانند طاق شیب‌دار است باین معنی که بالای دیوار جلویی و عقب خانه‌ها بصورت قوسی از دایره است و دیوار عقبی غالباً قدری کوتاهتر از جلویی است و چون بیشتر خانه‌ها رو بدره یا حداقل سرازیری ساخته میشوند اغلب در مرتفعترین نقطه خاک که ضمناً کوتاهترین نقطه دیوار است و ارتفاع دیوار از خارج به حدود یک متر میرسد . روی این دو دیوار تیر های چوبی سقف بموازات دیوار های جانبی خانه ریخته میشود .





# وضع شاتیک یک دره چله در کنار سنوزان جیرفت



- ۱- میدان برج آب سنوزان
- ۲- مخزن
- ۳- جوی آب
- ۴- دروازه ناله طلی
- ۵- کنولانی که احتمالاً ظرفی بود و در وقت آبی
- ۶- قوکه‌کاس داخلی شهری
- ۷- سیاهپار
- ۸- صفت
- ۹- ناله خاک

۱- حاره  
۲- جوی آب

۳- سیاه حاره  
۴- کنول معبونی

۵- کنول ملعب، احتمالاً کبری

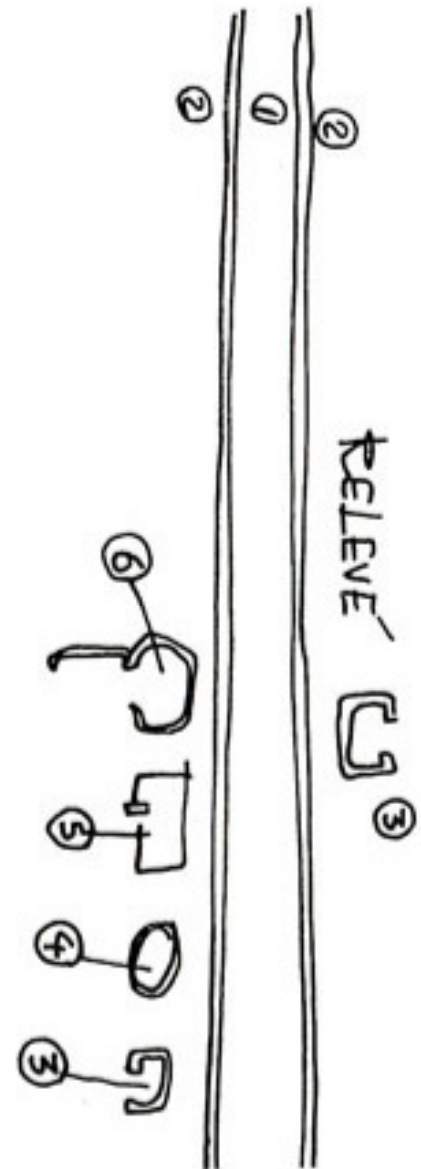
۶- کنول با درودی و محوطه سرباز

# جیرفت

در نوعی دیگری از ساختمانها فقط دیوار های جانبی وجود دارد یعنی تعدادی دیوار موازی با هم با فواصل برابر ساخته شده که روی آنها در مواقع استفاده مقداری تیر چوبی بصورت آزاد و نامنظم میگذارند و قدری هم برک نی یا حمیر میگذارند. بعضی از حمیرها و علقها از دو طرف آویزانند که کار دیوار های جلویی و عقبی را انجام میدهند. از این ساختمانها برای انبار کردن علف و مانند آن و همچنین برای ساختن مصنوعات دستی و بطور کلی آماده کردن فرآورده های خانگی استفاده میکنند.

## آبادیها

روستاها غالباً در دو طرف جاده ها ساخته شده اند و طرز قرار گرفتن خانه ها بستگی به فواصل آنها با جاده دارد باین معنی که ساختمان های نزدیکتر بجاده بصورت خانه های مسوازی و در یک خط قرار دارند و خانه های دورتر بصورت نیم دایره یا قوس هائی از دایره هستند که مانند دوپراتسز جاده را در بر گرفته اند. ورودی خانه ها همیشه بطرف شب قرار دارد و در اغلب روستاها جهت آفتاب و باد تا حدودی رعایت شده است ولی همیشه جهت جاده مهمترین عامل طرز قرار گرفتن روستاها است. در این روستاها غالباً بمقدار بسیار کمی سرویسهای عمومی ابتدائی مانند قهوهخانه یا یک مغازه در هر آبادی دیده میشود.



یک گروه «در کنار جاده»  
در کنار ده ملک آباد جیرفت

# جلگه سبزواران

# کتوک - دره بزرگ آباد میرفت

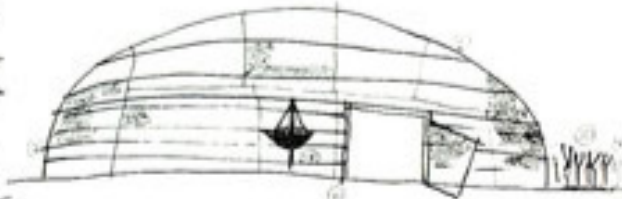
- ۱- نروود ازیم - خرما
- ۲- نروود از گزیر
- ۳- چراغ
- ۴- تخت چوبی
- ۵- حائل مرقدانی
- ۶- درخت رابادیزسی



SECTION A-A



SECTION B-B



SECTION C

- ۷- حائل مرقدانی
- ۸- آجراره
- ۹- نروود از سله
- ۱۰- پیت چوبی
- ۱۱- خلدیج از دست چاق
- ۱۲- درخت حصیری
- ۱۳- تخت آ

در خارج قطب نروودها را با تنی درجه میشود  
که کما قوت را اینهم میدهد  
از داخل تمام نروودها دیده میشود  
ترکهای کوچک شده زنی است که بگویند  
محل آرا کرد بکلی نماند

ساختمان معمولی در جیرفت «کتوک» است که از نی و چوب خرما بافته میشود ولی گاهی هم ساختمانهای گلی شبیه به ساختمانهای سنگی جبال بارز بچشم میخورد در بعضی موارد روی کتوکها را گل میمالند. در سبزواران و روستاهای بزرگ بیشتر خانهها گلیند. با اینحال عده زیادی از مردم در کتوکها زندگی میکنند (بخصوص در مناطق انتهائی شهر و بخصوص در تابستان).  
عمر طبیعی یک کتوک ۳ یا ۵ سال است ولی معمولاً بیش از ۱ سال در آن زندگی نمیکند زیرا اولاً خیلی کثیف و غیر قابل استفاده میشود و ثانیاً به علت خشکی احتمال آتش سوزی خیلی زیاد میشود. پس از یکسال زندگی کتوک جدیدی در نزدیکی کتوک قبلی میسازند و کتوک قبلی را بعنوان طویله چهارپایان بکار میبرند (گوسفندان را در هوای آزاد میخوابانند). در سال سوم کتوک را خراب کرده از چوب و نی آن برای سوخت استفاده میکنند و همیشه کتوکها را از نی تازه میسازند.

کتوک خانهای است یا پلان بیضی و مقطع نیم بیضی دارای دو دسته نروود افقی و قائم، البته سطوح نروودهای افقی نسبت به افق واقعی شیب دارد و این شیب بتدریج از بالا به پایین کم میشود و سه نروود پائینی کاملاً افقی است جنس نروودها از ترکه خرماست و روی آن پوششی از دسته های نی که بگویش محلی گل نامیده میشود قرار دارد و تعدادی مهار افقی از ترکه خرما بروی آنها میگذارند و به نروودهای افقی بسته میشود.

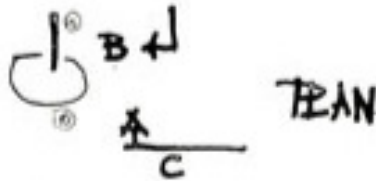
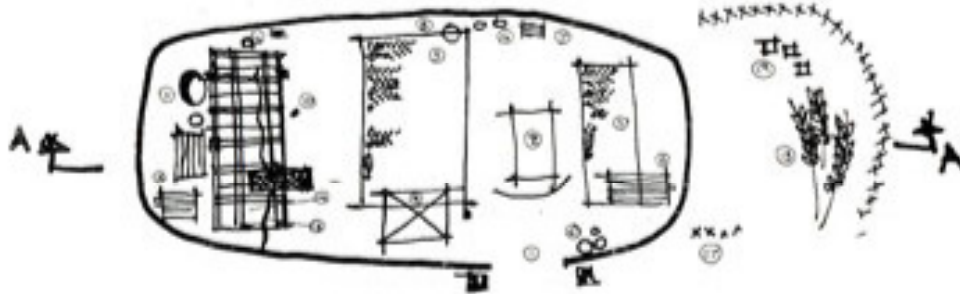
در کتوک خیلی کوتاه یعنی حدود یک متر و نیم است و گاهی دور آن سایبانی است. سه طرف در چهار چوبی از سه دسته نی بمنظور تقویت قرار دارد و پرده ای از حصیر از بالای آن آویزان است و یا بیکی از دو طرف (معمولاً دست چپ) بسته شده است. در تابستان گل دو انتهائی کتوک را بر میدارند و بجای آن خارشتری میگذارند که مانع وزش باد شود و برای خشک کردن روی آن آب میباشند.

داخل کتوک از یک فضا تشکیل شده است و هیچ تقسیم بندی فرعی وجود ندارد و تمام زندگی ساکنین در همین یک فضا است. در یک گوشه این فضا لباسها و صندوقهای اشبائی که مورد استفاده روزمره نیستند انبار شده است محل نگهداری مرغها نیز در همین قسمت است.

در جلوی ورودی گودی کوچکی است که در آن آتش برای پختن غذا یا آماده کردن چای پیا میکنند. دو طرف این اجاق بادو قطعه حصیر فرش شده است که ظروف مورد استفاده همیشگی و همچنین رختخواب ها روی این حصیرها چیده شده اند مشک آب

# کتوک - دره بزرگ آباد میرفت

B ←



- ۱- تخت چوبی (در عدد داخل)
- ۲- اساسه چوبی رسنالی
- ۳- کلمه رمعد فرش حصیری
- ۴- تخته های تانم برای چوبی مرقدانی
- ۵- مرقدانی
- ۶- چوب برای تخت
- ۷- تخت آ
- ۸- نروود از شاخه خلدیج از سله
- ۹- ترک خرمادانی انبار شده
- ۱۰- پیت چوبی
- ۱۱- در خارج خرما - زنگها روی حصیر دست چپ پیت میشود و حصیر دست راست قطب برای سه آرا انباری پیش من شده است

- ۱- ورودی
- ۲- نروود (شیرا ۱۰ cm در)
- ۳- حائل جلوی نروود
- ۴- کلاه درخت حصیری
- ۵- فرش حصیری
- ۶- رختخواب
- ۷- آجراره
- ۸- چراغ
- ۹- قیج در بند

در خارج کتوک به چوبی آویزان است در خار یا شاخه هائی از سدر بعنوان انبار وجود پشت کتوک ممکن است محوطه محصور از داشته باشد.

# جیرفت

شده داخل زمین کار گذاشته میشوند و دارای هواکش اند و عمق آنها تا یک متر هم ممکن است برسد . این نوع آبادیها بطور کلی فاقد هر نوع ساختمان اجتماعی یا سرویسهای عمومی مانند مغازه و غیره میباشد تا بسایر بهداشتی مانند حمام و حتی مستراح هم بکلی وجود ندارد فقط گاهی بعضی از آبادیها را که در کنار یکی از مدارس سیاهان دانش یا درمانگاهی بوجود آمده است میتوان دارای خدمات مذکور بشمار آورد .

## ساردوئیه

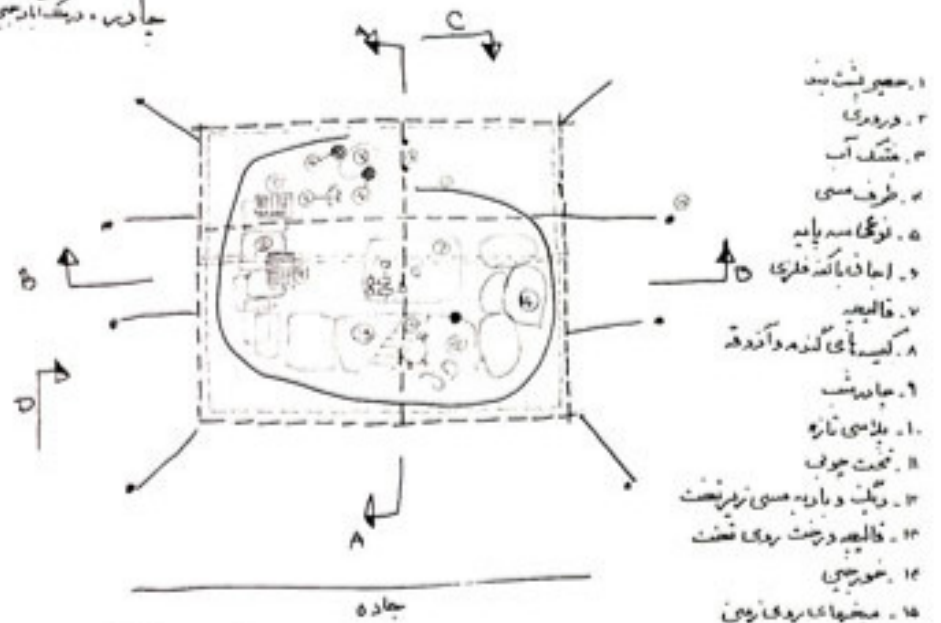
ایل ساردوئیه ساکن کوهستانهای ساردوئیه و دشت جیرفت . محل ییلاقی این ایل در بخشهای ساردوئیه ، دهستان اسفندقه و باب خیرویه است . محل تابستانی این عشایر ثابت است و هر کدام در دهستان مربوط خود اتراق میکنند برای بدست آوردن حق چرا . هر کدام بطور مشاع در دهستان خود مالکند ، گویانکه مقدار این مالکیت بسیار کم و حتی گاهی حدود یک چهارم حبه یا کمتر است (هر ۷۲ حبه ۱ دانگ است) . این عشایر در محل اتراق زمستانی مشخص نیستند و بسته بوضع مراتع مخصوص هر سال بیک یا چند محل کوچ میکنند و غالبا در هیچ محل حق چرای شناخته شدهای ندارند - گویانکه بعضیها در بیک یا چند نقطه مالک چاه آبد ولی هیچ الزامی ندارد که حتما به سرچاه خود بروند . این ایل چه در ییلاق و چه در قشلاق در زیر چادر زندگی میکنند . با آنکه چادرهای عشایری را نمیتوان معماری بمعنای اخص دانست ولی مطالعه در مورد آنها برای شناخت انواع معماری های ابتدائی کاملا ضروری است . ایل ساردوئیه ساکن دشت جیرفت و کوهستانهای ساردوئیه هستند و در اینجا نظری به واحدهای مسکونی آنها میشود .

چادر مقربک خانوار است و در واقع هم واحد مسکونی است و هم واحد اقتصادی زیرا تمام کارهای دامداران بجز چرانیدن گوسفندا در داخل یا اطراف چادر انجام میشود . افرادیکه در بیک چادر زندگی میکنند اغلب عبارتند از خانوارهای اولیه یعنی زن ، شوهر و چند فرزند گاهی نیز بستگان یکی از آنها یا خودشان زندگی میکنند . هر خانوار برای آنکه مستقل باشد باید تشکیل شده باشد از (حداقل) یک زن ، یک مرد و یک بچه بالاتر از سه سال . اقتصاد خانوار عشایری دارای چهار قطب است که بترتیب عبارتند از خانه ، آغل ، مرتع و بازار . کار مرتع و چرانیدن گوسفندان همیشه با بچهها است و خانوارهایی که بچه نداشته باشند مجبور به استخدام جوان خواهند بود . کار خانه عبارتست از پختن نان و غذا رسیدگی بامور مرغها ساختن مصنوعات دستی و آماده کردن فرآوردههای شیری مانند آن که تمام اینکارها جزء وظائف زنان است . بار

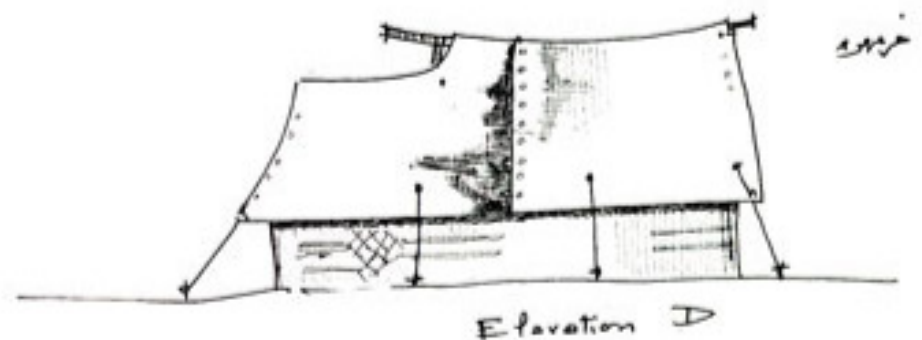
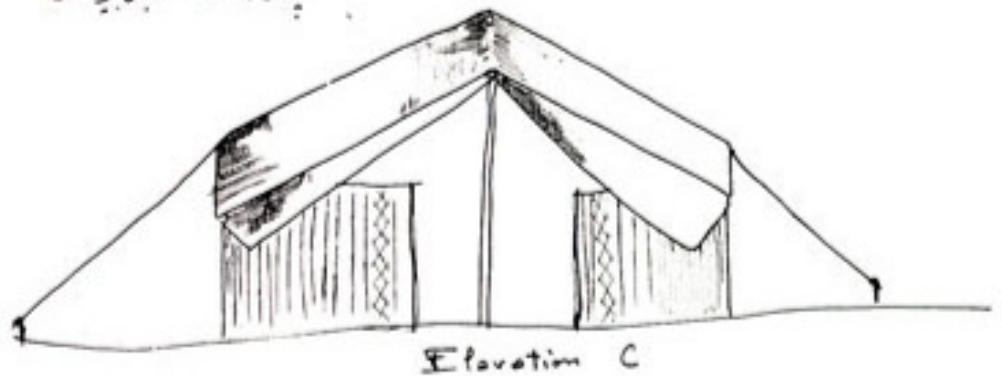
آبادیها معمولا عبارتند از مجموعه نامرتبی از خانهها که در کنار یکی از درختزار های یا کشتزارهای غنی یا مزارع کوچک دیم اهالی وجود دارد محل این آبادیها بهجوجه ثابت نیست و بعامل مختلفی ممکن است به فواصل چند صد متری و حتی چند کیلو متری تغییر یابد . این آبادی ها دارای هیچ نوع بافتی مشخص نیستند خانهها فاقد حیاطاند و بصورت کلبه های منفردی در بیابان کنار یکدیگر قرار دارند و هیچ نوع علت مخصوصی برای محل یا جهت قرار داشتن آنها وجود ندارد (محل هر کدام از ساختمانها) .

تنور های پختن نان بین چند خانه مشترک است و حتما در خارج کنوک دره های آزاد قرار دارد این تنور ها از سفال ساخته

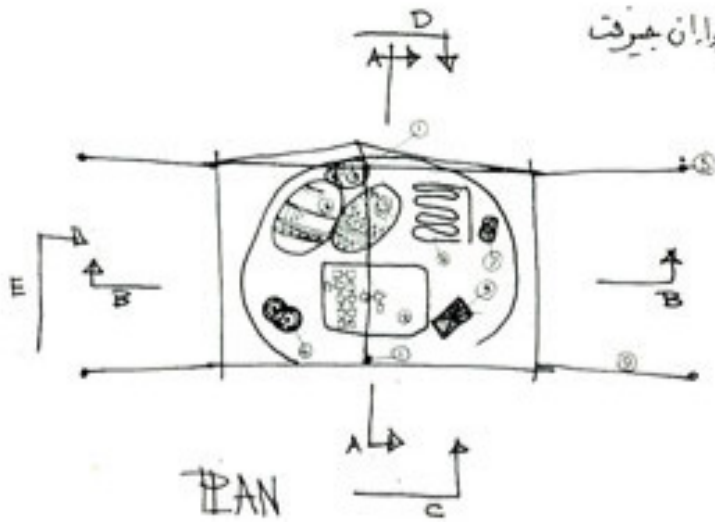
چادر ، در بیک آباد جیرفت



چادر ، در بیک آباد جیرفت



### چادر سبزوان جیرفت



- ۱- جویباری تمام
- ۲- تالاب
- ۳- جریح نخ رسی
- ۴- ظرف مربوط آب جوی
- ۵- نعلها یا نشانی بزرگ
- ۶- نقره
- ۷- رنگ برنج
- ۸- شعله‌ها یا پله
- ۹- مطاب

\* شماره های ۳ و ۴ حکم بر روی مورد استفاده بودند  
 در جای که در این اکتوبر در عقب پادشاهان سیم اسب است  
 کتب آب در خارج چادر است

کردن حیوانات - برپا ساختن و برچیدن چادرها و نظارت بر کوچ جزء وظایف مرد خانه است. کارهای آغل عبارتند از دوشیدن میشها و چیدن پشم گوسفندان رسیدگی به وضع سلامت دامها و مانند آن که در آن زن و مردخانه مشترکاً فعالیت میکنند. در حال حاضر ساختمانی برای آغل وجود ندارد و گوسفندان را در هوای آزاد کنار چادرها میخوابانند ولی برای دوشیدن زرده هائی از چوب و خار وسدر میسازند و گوسفندان را از میان آنها عبور میدهند. تمام کارهای بازار یعنی خرید و فروش و اصولاً تمام روابط اقتصادی و قضائی و بطور کلی روابط خارجی خانه با مردخانه است و بطور کلی مرد رئیس و نماینده خانوار بشمار میآید گویانکه از نظر اداره امور داخلی خانواده اختیارات زن و مرد یکی است.

مساله پدر سالاری بمعنای اخص خود دیده نمیشود و مردان جوان بجز ازدواج از چادر پدر خود جدا شده کنار چادر او برای خود خانه برپا میکنند ولی تا مدتی تقریباً برابر با ۴ یا ۵ سال از نظر اقتصادی تابع پدرند. پس از آن برای خود استقلال کسب میکنند و اغلب دیده شده است که از گروه پدری جدا شده در اردوی دیگری چادر میزند. با این حال احترام پدر و اصولاً بستگیهای خانوادگی بسیار قوی است و به همین دلیل اغلب ازدواجها با در نظر گرفتن موقعیت والدین شوهر یا زن و از طرف آنها ترتیب داده میشود و بطور مثال یکی از رایجترین راه های آشتی دادن خانواده هائی که قتلی بین آنها اتفاق افتاده است ترتیب ازدواج بین آنها است (خون بست).

اعضای چادر همگی در یک محوطه با هم زندگی میکنند و همه در همان محوطه میخوابند حتی میهمانان احتمالی در همان محل میخوابند. در داخل چادر همیشه یک تنور وجود دارد (برعکس روستائیان این ناحیه که اغلب تنور در خارج از اتاق است) این تنور اغلب فوق العاده ابتدائی است یعنی زمین را حدود ۱۰ سانتی متر گود میکنند و در اطراف آن سه عدد سنگ میچینند و سپس یک تابه وارونه روی آن میگذارند و زیر آن آتش درست کرده نان میزنند یا چائی و غذا آماده میکنند.

مشکهای آب را روی سنگهایی قرار میدهند که در کنار در چادر چیده اند. لوازم زندگی و مواد غذایی در داخل خورجینها و کبسه های گونی و مشکها در داخل چادر قرار دارند. ترتیب قراردادن اشیاء داخل چادر بر حسب ایلات مختلف متفاوت است. در ساردوئیه دو نوع ترتیب داخلی مشخص بچشم میخورد در یک نوع که اغلب در مورد چادرهای کوچک دیده میشود تمام بارها در یک خط در قسمت عقب چادر چیده شده اند

### چادر در سبزوان جیرفت



Elevation D



Elevation E



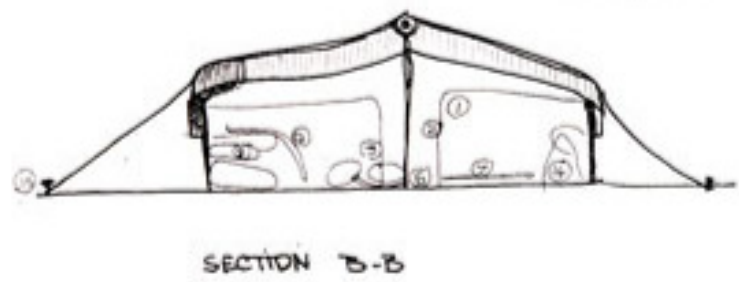
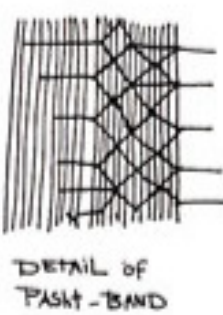
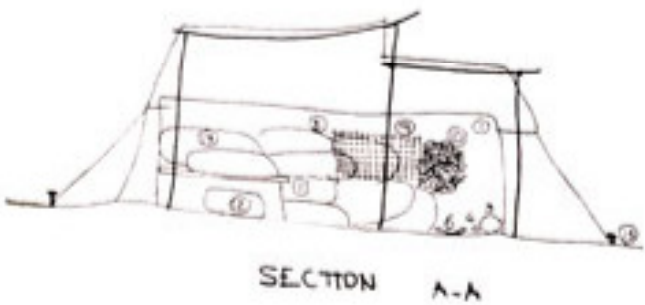
چند نفر از اعضای اردو چادر های خود را باردوی دیگر منتقل کند . بطور کلی در جاهاییکه چراگاههاغنی تر باشند اردوها بزرگتراند . فاصله اردوها از یکدیگر معمولا ۳ تا ۴ کیلومتر است . هر اردو تشکیل شده است از یک یا چند واحد دامپروری که اعضای آن بنحوی با یکدیگر شریکند و یا حداقل منافع مشترکی دارند و مجبور بشریک مساعی در موارد خاصی میباشند .

روابط اجتماعی و اقتصادی اعضای اردو بخوبی در سیمای اردو منعکس است باین معنی که همیشه چادر هسته مرکزی یک گروه در وسط قرار دارد و چادر های ماهوارهای در دو طرف آن قرار دارند . و همچنین کسانیکه دارای روابط دوستانه ای باشند چادر های خود را کنار یکدیگر میزنند و آنهائیکه با هم در حال تراغند خانه های خود را در دو انتهای اردو برپا میزنند . ایلات ساردوئیه در محل قنلاقی خود (جبرفت) چنانچه در نزدیکی جاده ای اردوی خود را بپاکنند در دوردیف (دوطرف جاده) پشت بجاده چادر میزنند در غیر اینصورت در کنار سراسیمبی تندی در یک ردیف چادر میزنند و مدخل چادر را بطرف سرازیری قرار میدهند . بهر حال آفتاب و باد در تعیین جهت چادر ها و جهت کلی اردو زیاد موثر بنظر نمیرسند .

وقسمت جلوی چادر برای زندگی کردن یا خوابیدن خالی گذاشته شده است که فرش یا حصیری در آن پهن شده است . در نوع دوم که بیشتر در مورد چادر های بزرگتر وجود دارد اشیاء در اطراف چادر چیده شده است و رختخوابها غالبا زورروی ورودی قرار دارند . مشکهای دوغ و کره همیشه در خارج چادر کنار در ورودی از یک سه پایه آویزان است محل نگهداری مرغها در داخل چادر است و بقیه چهارپایان باربر را پشت چادرها میبندند .

چادر ساردوئیه دارای پلان مستطیل شکل است سقف مثلثی از یک یا چند قطعه پلاس تیره رنگ بافته شده از موی بز که موازی یکدیگر قرار دارند تشکیل شده است . یک ردیف پایه چوبی در وسط قرار دارد و در دو طرف دوردیف پایه کوتاه با ارتفاع تقریبی ۱۰۵ متر وجود دارد . چادر بوسیله طناب یا زنجیر بزمین متصل شده است . اطراف چادر حصیری است که به پایه های چوبی تکیه دارد و اشیاء داخلی چادر در کنار آن چیده شده اند . قطعات پلاس با تکه های چوب و یاخرمه به یکدیگر متصلند . در اینجا باید متذکر شد که با اینکه شکل چادرها و طرز چیدن اشیاء داخل آن کاملا مشخص است و از دو سه فرمول کلی تبعیت مینماید ولی این فرمولها صرفا جنبه اجرائی دارند و دارای اهمیت مذهبی و یا مربوط به اعتقادات دیگری نیستند و عملا دیده شده است که عثایر انعطاف زیادی در این مورد بخرج میدهند و حاضر بقبول هر نوع تغییری در مورد شکل خانه و بهبود وسائل زندگی خود هستند بشرط آنکه با نوع اقتصاد کوچ نشینی و همچنین عادات و روشهای پسری آنان (در مورد رفتار روزمره) وفق دهند . نگارنده مواردی را دیده است که بجای چادرهای مخصوص بخود از چادرهای برزتی آماده استفاده شده است .

چادر « درمک آبار جبرفت »



**اردو**

اجتماع چند چادر کنار یکدیگر و کوچ و اتراق آنان با هم دارای علل مختلفی است که در عرض سال تغییر میکند مانند وسعت چراگاههای زمستانی و تابستانی . مقدار گوسفندان و نیروی انسانی دامداران روابط فردی دوستی و دشمنی افراد با یکدیگر . بهمین دلیل هم اندازه و سیمای اردوهای عثایری دائما در حال تغییر است . تعداد چادر های یک اردو ممکن است از ۳ تا ۴۰ چادر تغییر کند و فاصله چادرها از یکدیگر بین ده تا هفتاد متر متغیر است . با اینحال ارتباط افراد اردو با یکدیگر خیلی زیاد است آنها خود را همسایگان یکدیگر میدانند گوا اینکه هیچکدام خود را مقید بحفظ این همسایگی نمیبینند و اردوها ممکن است به کوچترین بهانه ای از هم بپاشند و بایک یا



۱ و ۲ : نمونه چادرهای منطقه جیرفت



# یک معماری برای میلیاردها انسان

در شهرسازی آینده زمین دیگر قیمتی نخواهد داشت چون از خود زمین هیچ گونه استفاده ای نمیشود و فقط ساختمان زمین را (سطح اتکاء حقیقی ساختمان بروی زمین و مدت اشتغال) بحداقل رساند علاوه بر اینکه صرفه جویی قابل ملاحظه ای میشود، قوانین حقوقی فعلی نیز در مورد مالکین بطور کلی دگرگونه میشوند (مانند فضای هوایی - حق بین المللی).

بنابراین از این دگرگونی ها دو نتیجه حاصل میشود.

- ۱- ایجاد شهر برای افراد پراکنده که مساحت زیادی را با جمعیت نسبت کمی اشغال میکند.
  - ۲- ایجاد شهر برای جمعیتی فشرده با تفریحاتی اجتماعی.
- در مقابل این دو راه حل متقابل حد وسطی بنظر نمی رسد. گوشه گهران کسانی که طرفدار زندگی در میان مردم هستند و نمیتوانند در یک جا باهم بسازند و نتیجه اش همین بحران کنونی است: شهرساز این دو را مجبور میکند که باهم زندگی کرده و روش های شهرسازی امروزی اجازه انتخابی آزاد را نهد این دو تعادل لزوم ایجاد یک شهرسازی نامحدود را ایجاد میکند راه حلی که با تجدید سازمان منتهای شهرسازی بدست میآید اینست که مپیایست تکنیک های کنونی را در راه های جدیدی بکار برد نه اینکه تکنیک های جدید بوجود آورد.

شهرسازی نامحدود یدو صورت امکان پذیر است:

- ۱- با ایجاد ساختمانهایی قابل حمل با فرم های تغییر پذیر: ساختمانهایی باید در حداقل وقت ممکنه ساخته شده از محلی بمحل دیگر قابل انتقال بوده و پس از انتقال بتوان آنها را دوباره مورد استفاده قرار داد.
  - ۲- با از بین بردن وابستگی ساختمان بزمین بوسیله ایجاد بلوک های هوایی که سطح اتکاء بسیار بازمین داشته و با ایجاد شبکه های تغذیه - فاضل آب - برق - آب - تلفن - تلگراف و غیره که منقول و تغییر پذیر باشند.
- باید توجه داشت که حل مسائل مربوط به تراکم جمعیت مهمتر است چون این مسائل بمراتب از مسائل مربوط به پراکندگی پیچیده ترند. در حقیقت تکنیکهای کنونی معماری و شهرسازی نمی تواند راه حلی برای مسائل مربوط به پراکندگی پیدا کنند. فقط تکنیک های جدید فیزیکی و شیمیایی میتوانند به احیای پراکندگی پاسخ گویند:

مانند تهیه خانه های مستقل باهتل های فتوالکترونیک که مستقلا پاسخگوی احتیاجات منزل از نظر هر نوع انرژی (مکانیکی - فیزیکی و غیره) می باشند و رفت آمد هوایی که وجود جاده ها را بیفایده میسازد

## راه حل های تکنیکی ممکن

برای آنکه بتوان شهرها را با خواسته های اهالی وفق داد مپیایست آنها را منطوبیا ویران کرده و از نوساخت. این راه حل بانگنیک های موجود امکان پذیر نیست چون علاوه بر سدعه زدن بخود ساختمان باعث ویرانی کانالها و شبکه های عبور و مرور و تغذیه میگردد. بنابراین باید بطور کلی این تکنیکها را تغییر داد و دگرگون کرد:

۱- تکنیک عبور و مرور و شبکه راهها

در حال حاضر برای ساختن هر شهر جدید مبادرت با ایجاد جاده ای میکنند که برای حمل و نقل و مسائل مورد لزوم برای ساختمان شهر و تدارکات آن مورد استفاده قرار میگردد. در حالیکه هم اکنون در آمریکا و در هندوستان و در اغلب معالک در حال توسعه دیگر حمل و نقل وسایل و تدارکات بوسیله هواپیما انجام میشود و در آینده شهر

جدید فقط بایک شبکه حمل و نقل هوایی و بخارج مربوط میشود و جاده عاملی بیهوده محسوب گشته و کما که از بین میرود چون از نظر صرفه جویی در وقت هم برای مسافرت و هم برای حمل و نقل استفاده از هواپیما اجباری و یابیلاینها آنچه را که از عهده هواپیما خارج است حمل و نقلش را بعده میکیرند.

بکار بردن این وسائل جدید برای عبور و مرور بمراتب ارزاتر از ایجاد و نگهداری یک جاده تمام میشود برای مثال کافی است که یادآور شویم که باقیمت یک جاده ۲۰۰ کیلومتری میتوان ۲۰۰۰ مسکن با ظرفیت ۶ تا ۸ هزار نفر ساخت و چنانچه شبکه راههای داخلی را نیز بجاده های خارج از شهر اضافه کنیم، قیمت مجموع آن ۸۰ درصد قیمت خانه های شهری ۲۰۰۰۰ نفره خواهد شد.

۲- تکنیک های تغذیه

آب، انرژی (الکتریسته) ارتباطات (تلفن - بیسیم - تلویزیون) و تغذیه (فاضل آب) و اینها شبکه های تغذیه مورد لزوم برای زندگی بشر است.

بنابراین مسئله ای که پیش میآید اینست که چگونه میتوان مسکن را از قید این شبکه ها آزاد کرده و انتقال و انتقال یا تغییر و تحول بسادگی صورت گیرد؟ پاسخ این سوال را در حقیقت مهندسی باید بدهند نه آرشیتکت.

نتایج حاصل از بکار بردن پروژه های نوین در شهر های آینده واقعا حیرت انگیز است.

شهرنشینان چون دیگر نابع شبکه های تغذیه و عبور و مرور که آنها را مجبور به تجمع میکنند نخواهند بود میتوانند از یکدیگر دوری جسته و حتی برای اوقات بیکاری خود نیز لزومی به یکجا جمع شدن نخواهند داشت چون همانطور که میدانیم تفریحات نیز تفریحاتی انفرادی خواهند شد.

چنانچه این تفریحات بتوبه خود کاملا ماشینی و تکنیکالیزه شوند (مانند بر خورد ها و ملاقاتهای تلویزیونی بدون احتیاج به حضور فیزیکی) آنوقت شهر از بین رفته و پراکندگی خانوادها از یکدیگر کاملاً میگردد. این تمایل به پراکندگی هم اکنون نیز در ایالات متحده آمریکا مشاهده میگردد چنانچه عده ای از آمریکائی ها زندگی دوحسرا را در حالیکه فقط بایک تلویزیون بدنیای خارج مربوط میشوند بزندگی در شهر ترجیح میدهند و همین تمایل به پراکندگی مردم آمریکا پایه و اساس رمانهای بسیاری از نویسندگان معلوم نخیلی ارقیبسلی «ری برادبری» قرار گرفته است.

۳- تکنیک های فضائی (مالکیت زمین)

در شهرسازی آینده زمین دیگر قیمتی نخواهد داشت چون از خود زمین هیچ گونه استفاده ای نمیشود و فقط ساختمان بروی آن بنا میگردد یعنی اگر بتوان بانگنیک نو درجه اشتغال زمین را (سطح اتکاء حقیقی ساختمان بروی زمین و مدت اشتغال) بحداقل رساند علاوه بر اینکه صرفه جویی قابل ملاحظه ای میشود، قوانین حقوقی فعلی نیز در مورد مالکیت بطور کلی دگرگون میشوند (مانند فضای هوایی - حق بین المللی).

برای بحداقل رساندن اشتغال زمین دو فرمول ساختمانی بنظر میرسد:

۱- اشتغال موقت زمین با بناهایی که پس از ویرانی آناری که مانع استفاده مجدد از زمین باشد باقی نمیگذارند (آناری مانند حفاری - ایجاد لوله ها و کانال های مختلف و غیره).

۲- اشغال زمین با ساختمان های فضائی که سطح اتکاء بسیار ضعیفی با زمین دارند (مانند پلها - بناهایی که بروی آب بناشده و بروی ستونهای چوبی که در آب فرو میروند قرار دارند).

در سیستم اول زمین در زمان اشغال کوچکترین لطمه ای ندیده و برای بنا کردن ساختمان مالکیت زمین با اجاره قسمت بسیار کوچکی از زمین که پایه های ساختمان بروی آن قرار میگردد کالبدست و بقیه زمین میتواند تماماً بمصارف دیگری از قبیل زراعت و غیره برسد.

# یک معماری برای میلیاردها انسان

۴- تکنیک‌های ساختمان منازل -

همانطور که میدانیم روابط اجتماعی همیشه در حال تغییر و تحول بوده‌اند ولی روابط بیولوژیک مربوط به زیست‌شناسی بطور کلی تغییر ناپذیرند از این میان دو رابطه برای آرشیتکت حائز اهمیتند: یکی احتیاج به پناهندگی و دیگری احتیاج بگردش.

بااینحال تکنیک امروزی واحدی قوانین اساسی بیولوژی را دگرگون کرده است. ملاحظه‌ای پیش‌شخصی تعریف میکرد که در آمریکا بقدری با اومبیل باطنرف و آنطرف مبرفته و باین موضوع عادت کرده بود که در اروپا برای بازدید آموزه‌ها مجبور شد دوباره راه رفتن را یاد بگیرد.

در اینجاست که باید به پیشنهاد «اف - ال - رایت» مبنی به ساختن موزه‌هاییکه با اومبیل بتوان در داخل آنها گردش کرد بچشم دیگری نگریست.

احتیاج به پناهندگی محافظت منزل را از خارج اکه شرط اصلی وجود هر منزلی است) و احتیاج به گردش یعنی استفاده از فضای خارج را اکه اشل هر ساختمان باید با در نظر گرفتن آن پیاده شود) بدنیال میآورد. برای آرشیتکت عنصر اصلی که پاسخگوی هر دوی این احتیاجات شهرنشینان است پناهگاه نامیده میشود. که بر دو نوع است: پناهگاه انفرادی و پناهگاه عمومی بر حسب عده‌ایکه از این پناهگاه‌ها استفاده میکنند.

پناهگاه‌های عمومی نیز بنوبه خود بر حسب استفاده‌ایکه از آنها میشود بدو قسمتند: پناهگاه‌هایی که افراد در آنها بگردش می - بردارند (مانند موزه‌ها - بازارهای روز و غیره) و پناهگاه‌هاییکه در آنها افراد بدور هم جمع میشوند (مانند کلیسا - سینما - کافه و غیره). برای هر کدام از این پناهگاه‌ها باید ساختمان‌های بخصوصی در نظر گرفته شود که مانند بقیه ساختمان‌های شهر قابل نقل و انتقال باشند این لزوم منقول بودن پناهگاههای عمومی هم‌اکنون نیز در بیشتر کشورها بخصوص در کشورهای افریقای بچشم میخورد مثلا در افریقا وقتی دست به ساختمان شهر جدیدی زد میشود بطور کلی بیش بینی اینکه شهر نشینان بومی از چه تفریحاتی لذت برده و درجه امکانی بدور هم گرد میآیند غیر ممکن است و این امکان است که پس از ساختمان شهر همه بیک سینما ویا یک زمین فوتبال و یا جایی دیگر هجوم برند.

بنابراین در پروژه اولیه شهر بهیچوجه نمی‌توان پناهگاه‌های عمومی متناسب با سلیقه و روحیه بومیان پیش بینی کرد و ساخت. حال اگر این پناهگاههای عمومی تغییر پذیر و منقول باشند املا میتواند واحدی احتیاجات عمومی شهرنشینان را برطرف کرد.

در شهرسازی آینده پناهگاه انفرادی کوچکترین شباهتی به آپارتمانهای امروزی ندارد. امروزه یک آپارتمان مشکل از تعدادی اتاق است که هر کدام برای مقصود خاصی در نظر گرفته شده‌اند مانند خوردن - خوابیدن - استحمام - آشپزی و غیره. استفاده از این اتاق‌ها تغییر پذیر است یعنی ما میتوانیم اتاق نهار خوری را با تعویض اناثیه‌اش با اتاق خواب تبدیل کرده و بالعکس پس استفاده از هر اتاق بستگی به اسباب و اناثیه‌اش دارد. ولی پناهگاه انفرادی فقط برای منظور خاصی در نظر گرفته نشده است بلکه برای رفع احتیاجات شخصی که آنرا اشغال کرده بنا شده است. یعنی در حالیکه در آپارتمان‌های امروزی هر اتاق رفع یکی از احتیاجات افراد یک خانواده را میکند پناهگاه انفرادی برای رفع تمام احتیاجات شخص که در آن زندگی میکند ساخته میشود و بدین ترتیب حداکثر استقلال را پاد میدهد.

در حقیقت همانطور که میدانیم در یک آپارتمان امروزی افراد خانواده در استفاده مشترکی که مثلا از حمام دارند باشکالات مختلفی بر میخورند در حالیکه در پناهگاه‌های انفرادی دیگر اینگونه اشکالات اصولا مطرح نیست.

اناثیه پناهگاه انفرادی را که در نتیجه تحولات آینده ضروری خواهد شد هم‌اکنون صنعت و تکنیک مدرن نیز میتوانند فراهم کنند: مانند میل - کابین دوش - روشویی متحرک، لوازم الکتریکی ارادبو - تلویزیون و غیره فقط کابین دوش است که کمی در این پناهگاه با بهتر بگویی اطاق ناجور بنظر میرسد ولی اگر قیمت آنرا با قیمت یک حمام خانوادگی مقایسه کنیم باز هم می‌بینیم که وجود آن مقرون بصرفه است.

در شهرسازی آینده حمامهای بزرگ، راهروها و کریدورها که در آپارتمان‌های امروزی برای ارتباط اطاق‌های مختلف بکار می‌روند از بین خواهد رفت. چون هر پناهگاه به نوبه خود آپارتمانی مخصوص برای هر فرد خانواده بحساب خواهد آمد. در آینده خرید اسباب و اناثیه مورد لزوم برای یک اطاق براحثی خرید یک میل یا یک چادر امروزی خواهد بود و اناثیه‌ها و مدرن چاپگرین اناثیه فرسوده و کهنه خواهند شد و اطاق‌های کاملی را میتوان بر حسب ازدیاد یا تقلیل افراد خانواده با آپارتمان اضافه یا از آن کم کرد.

نظر به قابل حمل بودن پناهگاه‌های انفرادی بکار برین اسباب و لوازم ساخته شده و آماده در ساختمان این نوع پناهگاه‌ها بسیار مقرون بصرفه خواهد بود.

## نتیجه

بنابراین تکنیک‌هایی که میتواند تکسین‌های شهرها را از مشکل کنونی شان رهائی بخشد عبارتند از:

- ۱- تکنیک‌هایی که اجازه ساختن ساختمانهای موقت جدیدی را بدهند بدون اینکه نقل و انتقالشان ضرر مادی که ویرانی ساختمان‌های امروز بدنیال دارد به‌مراه داشته باشد.
- ۲- تکنیک‌هاییکه اجازه نقل و انتقال شبکه‌های تغذیه، آب، انرژی، فاضلاب و عبور و مرور را داده بدون اینکه بر زمین لطمه‌ای وارد آمده یا باعث ضایع شدن خود شبکه‌ها گردد.
- ۳- لوازم ساختمانی باید ارزان قیمت، سبک و کم حجیم بوده و باسانی از هم باز و برویهم سوار شوند.





سایه  
روشن

غلامرضا گلشن

نگار

روشن

سایه

سایه روشن

# تاریخچه پیدایش و پیشرفت ساختمان آجر سفالی



انها و در نتیجه سرعت کار گذاشتن و نقلیه ملات مورد نیاز حاصل میشود ، و دیگر سهولت و ظرافت نقشهای لرزینی داخل بنا که ناشی از سافتی سطح و چسبندگی آجر ها و در نتیجه امکان گچکاری بدون واسطه در روی آنهاست . همچنین باید از خاصیت نسبی عدم جذب رطوبت این آجر ها یاد کرد که در مناطق مرطوب بسیار مهم و ارزشمند است .

پژوهشهای علمی در باره ظرفیت بار پذیری دیوار های آجری نشان داده است که مرزگسیختگی

فرسودگی معمولی ناشی از گذشت زمان فرارداشته و بنحو روز افزونی ارج و ارزش فنی این سیستم های جدید را اثبات کردهاند .

آجر مجوف سفالی بااندازه های متنوع خود برای مصارف مختلف نه تنها جایگزین مصالح ساختمانی کهن شده بلکه بخاطر سبکی وزن ، سافتی سطح ، و خاصیت ممتاز عایقی در برابر صدا و حرارت مطلوب ترین نوع مصالح برای ساختمانهای مدرن بشمار میرود . از مزایای خاص این آجر ها یکی صرفه جوئی قابل توجهی است که از بزرگی ابعاد

استفاده از « قطعات گل پخته » نخستین بار برای پر کردن فواصل بین تیر آهن در طاق ضربی در سالهای بعد از ۱۸۰۰ میلادی در اروپا آغاز شد . باایبداع ساختمان های « بتون آرمه » در سال ۱۹۰۵ بکار بردن بلوکهای مجوف سفالی در سقفهای « بتون آرمه » بمنظور تقلیل وزن سقف و بهبود جنبه عایقی آن از لحاظ صدا و حرارت رایج شد و این شیوه با اینکه امکان صرفه جوئی در مصرف آهن را فراهم نمیکرد ولی وجود بلوکها نقشی از لحاظ ایجاد استقامت در برابر فشار نداشت .

با پیشرفت های بعدی «بال» هائی به بلوک های مربع شکل اضافه شد که موجب تسهیل بتون ریزی ، صرفه جوئی در جوب بست زیر سقف و تشکیل پک سطح زیرین بگذشت میشد . علمی رفته مخالفت بخش های دولتی و خصوصی دبری نگذاشت که مزایای فنی این ابداع برهمگان ثابت شد و سریرا در اروپا پذیرفته و رایج گشت .

در سال ۱۹۲۵ پژوهشهای متخصصین نشان داد که بلوکهای مجوف سفالی نقش اساسی در استحکام سقف ایفا میکنند و از آن پس بلوکهای مجوف رفته رفته جای قسمت عمده رویه بتونی در منطقه « فشار » سقف را اشغال کرد . در همین دوران استفاده از قطعات پیش ساخته سفالی با گذاشتن فولاد در داخل آجر های سفالی - که به شکل لیرچه های مستحکم درمی آمد - صرفه جوئی بازم بیشتر را در امر پرخرج جوب بست ممکن ساخت و منتج به ایجاد سقفهای «دندانه ای» فقط چند سانتی متر بتون در فواصل بلوکها گشت .

ایتالیا نخستین کشوری بود که بکار بردن بلوک های سفالی برای برگردن فواصل را گسترش داد و علت آن نیز فراوانی خداد مرغوب و کمبود آهن در آن کشور بود . در سال ۱۹۳۷ « قانون ساختمان » کشور ایتالیا رسماً مقررات مربوط بساختمان سفالی را تدوین و بکاربردن آنها را تصویب کرد .

طرح بلوکهای جدید سفالی براساس تحمل ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلو گرم در سانتی متر مربع در منطقه « فشار » و ۵۰ کیلو گرم در سانتی متر مربع در منطقه « کشش » تهیه شده است . این خاصیت همراه باخاصیت ممتاز چسبندگی آن بسایتون ، محاسبه و ساخت سقفهای کاملاً یکپارچه را ممکن ساخته و مصرف بتون را بحدافال کاهش میدهد ، و باوجود این مقاومت بگذستی معادل ۲۲۵ کیلو گرم در سانتی متر مربع در منطقه « فشار » (با ۳۰۰ کیلو گرم سییمان در متر مکعب بتون) بدست میدهد و در عین حال منطقه کشش به آسانی با تعدادی مینگرد فولادی کم قطر پوشانده میشود . این ساختمانها از ابتدای پیدایش در معرض خطر هائی چون زلزله ، بمباران ، و همچنین آتشف



آجر های معمولی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلو گرم در سانی متر مربع میباشد در صورتیکه در حال حاضر استقامت مورد استفاده این آجر ها در ۶ تا ۷ کیلو گرم در سانی متر مربع تجاوز نمیکنند و بدین ترتیب ثابت میشود که قدرت واقعی این آجر ها بسیار بیش از آن است که بنظر می رسد ، و اما نقطه ضعف دیوار های آجری همانا ملات آنهاست که عموما مدتها پیش از این که آجر ها به مرحله شکست و فرسودگی برسند فرو ریخته و از بین می رود .

نخستین ساختمان آجر سفالی بطریق علمی در سال ۱۹۵۱ در بال **Bale** بوسیله مهندسین سوئیس ساخته شد که يك ساختمان ۱۲ طبقه بود و سپس در سال ۱۹۵۸ يك ساختمان ۱۸ طبقه در زوریخ ساخته شد که آجر های مخصوص با مرز کشیدگی ۳۰۰ کیلو گرم در سانی متر مربع در آن بکار رفت و مقایسه قیمتها نشان داد که هزینه آن از اسکلت بتن آرمه کمتر بوده است .

### پیدایش ساختمان سفالی در ایران

گسترش روز افزون فعالیت های ساختمانی در ایران ، کمپانی چوب و نخته و گران قیمت آهن ، توام با وجود منابع سرشار خاک مرغوب در کشور ما عواملی بود که قبول سیستم جدید ساختمان با سفال مجوف را در ایران تجویز و تشویق می کرد .

پهمن علت در سال ۱۳۳۸ شرکت سهامی اینتلران تشکیل شد و عرضه مصالح جدید ساختمانی را در ایران بعهده گرفت . چنانکه تجربه کشور های دیگر نشان داده بود در کشور ما نیز این سیستم جدید بانایوری روبرو شد . ساختمان بتن مسلح در ایران سابقه طولانی نداشت و بالنتیجه اهل فن ساختمان ، از آرشیتکت گرفته تا معمار ، در آغاز به نقای اینتلران پاسخ مثبت ندادند . رفته رفته مزایای فنی این سیستم آشکار گشت و در های بازار ساختمان بروی آجر های مجوف گشوده شد .

### تنوع فرآورده ها و امکانات

هم اکنون انواع و اقسام مصالح ساختمانی جدید ، از آجر سفالی مجوف ساده گرفته تا بلوکهای مجوف خاص که طبق طرحهای علمی برای ساخت طاقهای عریض تهیه میشود ، در این کارخانه مدون و مجهز تولید میگردد و شیوه تولید کارخانه چنان است که نه تنها پایداری فرآورده ها را تضمین میکند بلکه طرحهای دقیقی در اختیار آرشیتکت گذارنده و موجب ارضای خواست و سلیقه سازندگان از لحاظ استحکام ساختمان ها و زیبایی آنها میگردد .

از طرف دیگر همزمان با پیدایش و گسترش فنون مدون ساختمانی ، و انتظار های روز افزون دولت و آرشیتکت ها و عامه مردم از سازندگان بناها ، لزوم ابداع سیستم جدیدی برای ساختن سقفهای مستحکم ، مناسب با هر نوع ساختمان در مین حال ارزان قیمت محسوس بود . سیستم « اینتال سقف » جوابگوی شایسته این نیاز هابود و از آغاز کار مورد اعتماد و پذیرش اهل فن ساختمان واقع شد .

آرشیتکتها و مهندسین طراح و فنی با این سیستم

ارتفاع ستیبر	محور ستیبر	وزن ستیبر و بلوکها (کیلوگرم در مترمربع)	مقدار بتون (لیتر در مترمربع)	وزن سقف نصب شده (هر مترمربع)
۱۲	۵۰	۶۱	۱۶	۲۱
۱۶	۵۰	۷۹	۲۲	۱۲۵
۲۰	۵۰	۸۱	۲۰	۱۱۱
۲۰	۶۰	۹۲	۲۶	۱۶۹
۳۰	۶۰	۱۱۵	۶۰	۲۳۵
۴۰	۶۰	۱۲۸	۸۱	۲۹۰

اندازه ها و مقادیر جدول شامل بتون ریزی نبوده و بتون روی سطح سقف باید محاسبه و اضافه شود .

سقف سر و کار داشته باشند از حداکثر آزادی در تهیه طرح و نقشه برخوردارند . انطباق سیستم اینتال سقف با اندازه های مورد نیاز بسیار آسان ، وزن آن بسیار سبک و بالنتیجه موجب صرفه جویی در اسکلت سازی و پی ریزی است ، و بخاطر یکپارچه بودن به قدرت و استحکام سراسر بنا کمک میکند . گذشته از اینها همه نوع ناسیسات در این سقف جا میگیرد ، سطح زیرین آن تراز و صاف و آماده پذیرش گچکاری است ، و به آسانی یا هر يك از سه نوع ساختمان یعنی بتونی - فلزی و با آجری متصل میشود .

هم اکنون سه نوع سقف عرضه میشود که برای پوشش دهانه های آزاد بین ۴ تا ۱۲ متر قابل استفاده هستند . ضخامت سقف نسبت مستقیم با

دهانه بنا دارد و بین ۱۲۷ تا ۱۳۰ طول دهانه متغیر است . دو نوع آن متشکل است از بلوکهای مجوف و تیرچه های پیش ساخته دارای آهن بقطر های مختلف ( طبق محاسبات فنی ) که در کارخانه اینتلران به طولهای مورد نیاز ساخته میشود و پس از جا گذاری تیرچه ها و بلوکها و بتون ریزی فواصل بین بلوک ها ، سقف یکپارچه ای تشکیل میدهد .

نوع سوم نیازی به تیرچه نداشته و بلوکها در روی حمالهای فلزی مخصوص فرار داده میشود و سپس فولاد لازم گذارنده شده و بتون ریخته می شود و پس از اینکه بتون با اندازه کافی سخت شد میتوان حمالهای فلزی را بر داشته و خارج کرد ، همه انواع سقف های مذکور از اعتبار مقاومت

زیاد در برابر نفوذ و عبور حرارت و صدا پس خوردارند و محاسبه دقیق میزان عایقی آنها را میتوان به نحو زیر انجام داد :

### جدول محاسبه .

سختی و محکمگی این نوع سقف در جهت افقی از لحاظ مقاومت در برابر زلزله بسیار ارزشمند است و از جمله در کشور ژاپن نوع ویژه‌ای از بلوک سفالی مجوف برای ساختمانهای مناطق زلزله خیز تولید میشود .

توجه بدین نکته بسیار مهم است که این نوع ساختمان ضمن اینکه نسبت به همه سیستم های قابل مقایسه پرتیرهایی دارد وزن آن به مراتب از هر سیستم دیگری سبکتر است .

مثلا:

- سقف بتون آرمه با ۲۰ سانتی متر ضخامت ( وزن ۲۵۰۰ کیلو گرم در متر مکعب ) در هر متر مربع ۵۰۰ کیلو گرم وزن دارد ، در صورتیکه :  
- سقف سفال مجوف با ۲۰ سانتی متر ارتفاع ( باضافه ۴ سانتی متر رویه بتونی در هر مترمربع فقط ۲۲۲ کیلو گرم وزن دارد ، و از طرف دیگر :  
- وزن سقف طاق ضریبی معمولی که حتی نبشی از خواص فنی سقف سفال مجوف را ندارد در دهانه ۵ر۵ متری در هر متر مربع تقریباً ۳۵۰ کیلو گرم است !

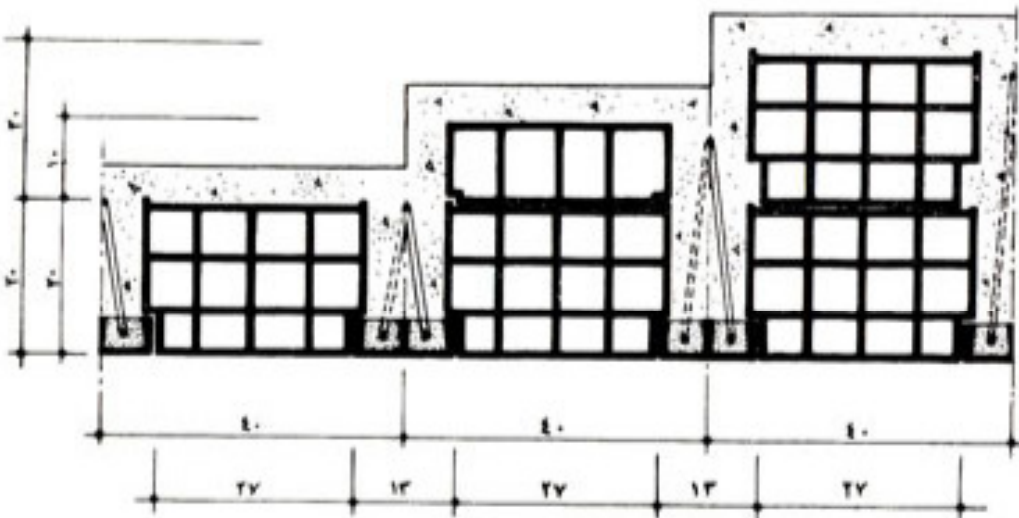
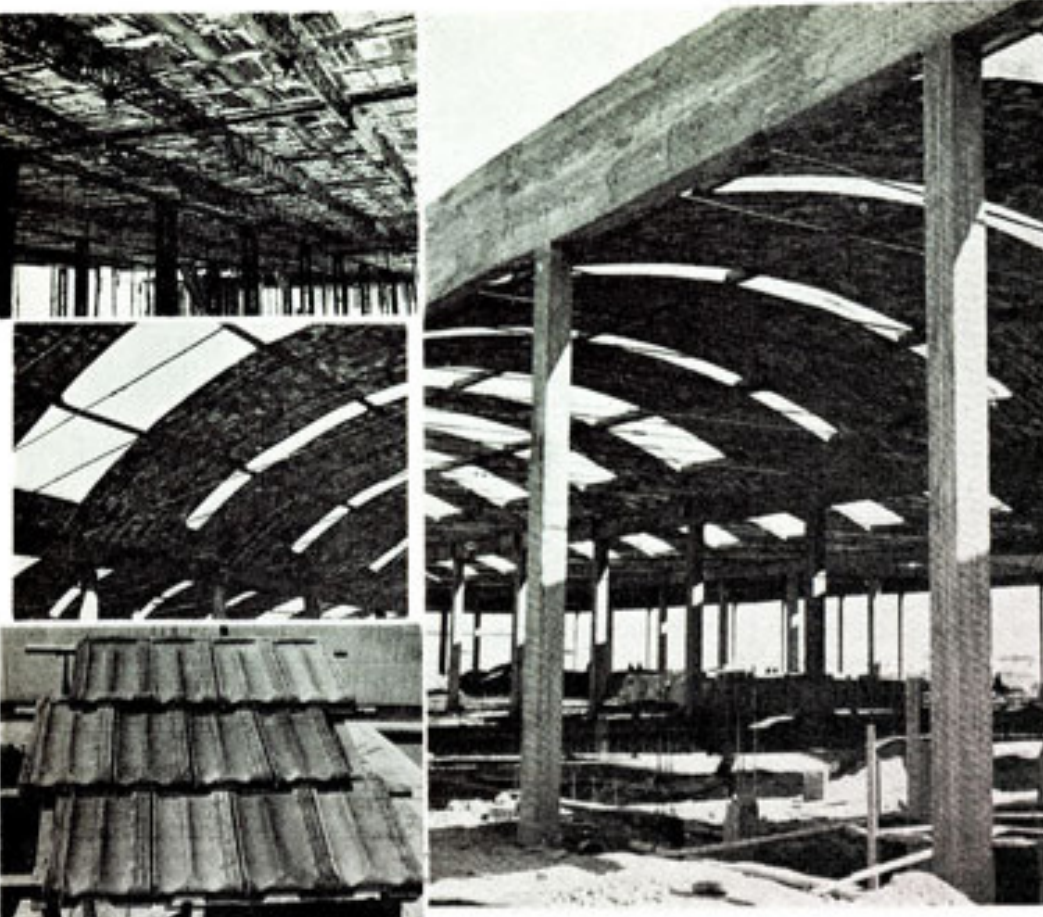
اتفاق نوجویی به ارقام بالا به خواننده نشان خواهد داد که بابتکار بردن سفال مجوف چقدر می توان در قسمتهای مختلف ساختمان از پایداری گرفته تا سبکساز صرفه جویی کرد .

« قطعات » پیش ساخته سقف که یکی دیگر از سیستمهای مدرن سقف سازی اینتل سقف بشمار میرود تنها نوعی است که قبلاً ساخته و مستقیماً در ساختمان نصب میشود و سرعتی که میتوان در این مورد بکار برد واقعا برای پروژه های فوری و کم زمان بسیار مطلوب است .

نوع دیگر از سیستم های سقف سازی پسا فرآورده های اینتالران که برای پوشش کارخانه ها ، انبار ها و فرودگاه ها و خلاصه هر جا که دهانه بزرگ آزاد و سقف کم هزینه مورد نیاز باشد نظیر و رقیب ندارد طاق فوسی است که با تیر پیش ساخته بلوک و بلک رویه نزدیکتوانی ساخته میشود . با این سیستم که ارتفاع پوشش سقفی آن بین ۱۲ تا ۲۰ سانتی متر است - امکان ساختن سقف حتی پادهنه ۲۰ متر وجود دارد ، در این سیستم ارتفاع افقی بوسیله میل مهار های فولادی مهار میشود و بنابراین نیازی به تکیه گاه بیرونی ندارد .

سطح زیرین این نوع سقف نیز مانند انواع دیگر صاف ، ( و هرگز گرد و خاک پس نمیدهد ) و بدین ترتیب از هزینه گچکاری و امثال آن معاف است - نورگیری ، با بوسیله دریچه های نورگیر هوایی در سقف Skylight ممکن است و هم با نصب قطعائی از مصالح شفاف پانچ شفاف در میان خود طاق فوسی ، همچنین در صورت تمایل میتوان طاق فوسی را بشکل یک رشته تونلهائی که یک طرف طاق آنها تقریباً مانند سقف بعضی کلیه ها کج باشد ، احداث نمود . ضمناً جز در مناطق بارانی این نوع طاق بخاطر شکل منحنی و رویه بتونی آن نیازی به عایق گازی و آبگیر ندارد . در مورد سقف های فوسی نیز امکان پیش

## برای دهنه های بزرگ و بارزیاد



ساختن وجود دارد و به آسانی میتوان قطعات لازم را یکجا ساخته و در محل کارگاه روی بندنه ساختمان نصب کرد .  
از سال ۱۹۲۶ که در نمایشگاه میلان نخستین نمونه طاق فوسی با آجر « سب » به نمایش گذارده شد بلوک سفال مجوف جای خود را در ساختمان های فوسدار یکپارچه باز کرد و اشکال مختلفی از سقف که عبارت بود از فوسی ، گنبدی و امثالهم عرضه نمود . پیشرفت این فن چنان بوده است که سقف گنبدی که در سال ۱۹۴۳ فقط محوطه‌ای به مساحت ۳۰ مترمربع را میتوانست بپوشاند امروزه یک سطح ۶۰۰ متر مربعی را دربر میگیرد .

سقف گنبدی بویژه برای ساختمان هایی مناسب است که لزوماً باید در یک سطح بزرگ فضای آزاد و بدون مانع در اختیار داشته باشند . این سقف

فقط به گوشه های چهارگانه خود اتکاء دارد و نور مورد نیاز از طریق روزنه هایی که دور تادور آن ایجاد میشود تامین میگردد . مهارکشی نیز فقط در محیط آن قرار میگیرند و بدین ترتیب سراسر محوطه زیر سقف باز و بدون مانع و رادع است . اصل اساسی هندسی در سقفهای گنبدی تعیین ارتفاع طاق محاط برگنبد است که باید یکدوم طول ضلع همان طرف مستطیل باشد . ارتفاع پوشش سقف گنبدی ۱۲ سانتی متر است و میتواند مربعی باضلع ۱۰ تا ۱۰ متر را بپوشاند .

امکان تلفیق چندین سقف گنبدی باطاق فوسی بابتدیکر به اشکال مختلف باعث میشود که پوشاندن محوطه های بزرگ برای مقاصد گوناگون عملی گردد .

نوع آجر مورد مصرف						تعیار قیمت برتس مرجع دیوار با ضخامت های مختلف :					
قیمت تمام شده	ضخامت برتس مرجع	تعداد آجر برتس مرجع	سیمان کیلوگرم	سنگ	و ترمه بنا (بسته ۱۰ کیلوگرم)	و ترمه عود (بسته ۱۰ کیلوگرم)	ایستالران		فشاری		
							میل	میل	میل	میل	
۷۰ کیلوگرم	۲۵ سانت	۶۰	۷۰۰۰	۵ کیلوگرم	۱۵	۱۵	۱۰ × ۲۰ × ۲۰	۱۰ × ۲۰ × ۲۰	۷۹	۹۶۰	
							بایند کوچکتر	بایند بزرگتر	۷۵۰	۷۵۰	
۱۸۷ کیلوگرم	۷۵ سانت	۶۰	۷۰۰۰	۱۰	۲۶	۲۶	۱۰ × ۲۰ × ۲۰	۱۰ × ۲۰ × ۲۰	۹۶۰	۹۶۰	
							بایند کوچکتر	بایند بزرگتر	۱۸۷	۱۸۷	
۱۶۰ کیلوگرم	۲۰ سانت	۱۲۰	۷۰۰۰	۱۳	۲۴	۲۴	۱۰ × ۲۰ × ۲۰	۱۰ × ۲۰ × ۲۰	۱۶۰	۱۶۰	
							بایند کوچکتر	بایند بزرگتر	۱۶۰	۱۶۰	
۳۷۱ کیلوگرم	۲۱ سانت	۸۱	۷۰۰۰	۲۰	۵۲	۵۲	۱۰ × ۲۰ × ۲۰	۱۰ × ۲۰ × ۲۰	۱۸۶	۱۸۶	
							بایند کوچکتر	بایند بزرگتر	۳۷۱	۳۷۱	
۱۵۵ کیلوگرم	۲۴ سانت	۱۴۵	۷۰۰۰	۱۳	۲۲	۲۲	۱۲ × ۲۰ × ۲۴	۱۲ × ۲۰ × ۲۴	۱۸۶	۱۸۶	
							بایند کوچکتر	بایند بزرگتر	۱۵۵	۱۵۵	
۵۵۹ کیلوگرم	۳۵ سانت	۱۳۶	۷۰۰۰	۳۰	۵۱	۵۱	۱۲ × ۲۰ × ۲۴	۱۲ × ۲۰ × ۲۴	۲۳۳	۲۳۳	
							بایند کوچکتر	بایند بزرگتر	۵۵۹	۵۵۹	

شرکت  
ایتال سقف

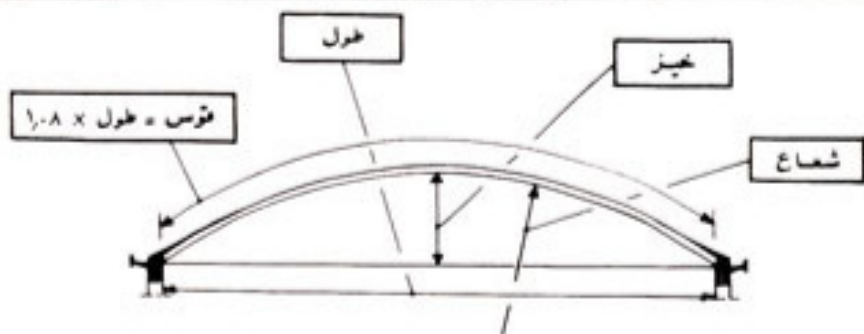
خیابان ویلا

خیابان دامغان

شماره ۱۶

تلفنهای :

۴۴۴۰۸-۴۴۰۶۵



### سقف قوسی

- مناسب ترین پوشش سقفی برای کارخانه ها و بنا های صنعتی
- با صرفه ترین و سریع نصب ترین پوشش سقفی
- بهترین پوشش سقفی از لحاظ خاصیت عایقی
- به ون کوچکترین هزینه مرمت و نگهداری

در بسیاری از کشور ها از جمله ایران مسئله تعدیل حرارت و نور آفتاب از سالها پیش با استفاده از آجر های آفتابگیر حل شده است. کارخانه ایتالران فرآورده خاصی B برای این منظور تولید میکند که علاوه بر کاهش دادن حرارت و نور نقش تزئینی جالبی نیز به نما های ساختمان می دهد. از این رو میتوان از آنها برای ایجاد حصارها- دیوار ها و معماری های تزئینی نیز استفاده کرد. در حال حاضر این آفتابگیر ها فقط بزرگ طبیعی سفال تولید میشوند ولی میتوان آنها را به اشکال گوناگون و با رنگهای متنوع تولید کرد و با لعاب داد.

فرآورده بسیار جالب ، سودمند ، و زیبای دیگری که کارخانه ایتالران اخیرا بازار عرضه نموده ، سفال بامپوش ، سپستو ، سارسی ، است که از جدید ترین نوع این محصول در جهان اقتباس شده و براساسی جای برجسته ای در میان مصالح ساختمانی احراز کرده است. ارزش تزئینی این فرآورده بویژه با تولید رنگهای متنوع آن با مصالح ساختمانی احراز کرده است. ارزش تزئینی لعاب دادن آن به رنگهای مختلف که جزو برنامه کارخانه است سد چندان خواهد بود.

نقش این سفال های بامپوش در کاهش آلودگی و به رنگی نمای شهر ها و امکان ایجاد نما های خوشرنگ و شاد از جمله مزایای آن بشمار می رود.

گوناگون سخن ، ایتالران همواره در پی ابداع و عرضه فرآورده های جدید و استثنائی است و همکاری و تبادل نظر آرشیتکتها و سازندگان کشور را ، که بیشک امکان خدمات بیشتری برای این کارخانه در ایجاد یک صنعت ساختمانی استوار و مقرون فرامی آورد ، مشتاقانه انتظار خواهد داشت.

مشخصات فنی سقف				اندازه های فرموله شده مطابق		
ارتفاع شعاع	وزن تیر و بلوک	مقدار سیمان	وزن کفای نصب شده	طول متر	حیض متر	شعاع متر
۱۰	۷۵	۱۸	۱۱۵	۸۰۰	۱۰۲۰	۵۸۰
۱۱	۸۵	۲۲	۱۲۵	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۶۲۵
۱۲	۹۰	۲۶	۱۳۵	۱۱۰۰	۱۰۸۰	۶۷۰
۱۳	۱۰۰	۳۰	۱۴۵	۱۲۰۰	۱۱۶۰	۷۱۰
۱۴	۱۱۰	۳۴	۱۵۵	۱۳۰۰	۱۲۴۰	۷۵۰
۱۵	۱۲۰	۳۸	۱۶۵	۱۴۰۰	۱۳۲۰	۷۹۰
۱۶	۱۳۰	۴۲	۱۷۵	۱۵۰۰	۱۴۰۰	۸۳۰
۱۷	۱۴۰	۴۶	۱۸۵	۱۶۰۰	۱۴۸۰	۸۷۰
۱۸	۱۵۰	۵۰	۱۹۵	۱۷۰۰	۱۵۶۰	۹۱۰
۱۹	۱۶۰	۵۴	۲۰۵	۱۸۰۰	۱۶۴۰	۹۵۰
۲۰	۱۷۰	۵۸	۲۱۵	۱۹۰۰	۱۷۲۰	۹۹۰

# معماری ایران در دوره سبک

## ملی و

## جدید

آرشیفتک ۵ . وارطاد

که باصراحت وقاطعیت در اینگونه مسائل بحث گردد . بادر نظر گرفتن تحولاتیکه در سال های اخیر در تمام شئون مملکت از جمله در زمینه های شهر سازی و معماری و بلور کلی عمران و آبادانی بوجود آمده است مناسبترین موقعیت است که صاحب نظران میدان بیابند و آزادانه درباره مسائل مربوط به شغل و حرفه خود اظهار نظر کنند و با صراحت و آزادی از عقیده خود دفاع کنند شاید باین ناسامانها و آشفتگیهایی که معماری معاصر با آن دست بگریبان است خاتمه داده و کم کم آنرا در مسیر واقعی قرار دهند. باعلاقه ای که هر ایرانی اصل نسبت باین آب و خاک دارد شایسته است در مقابل تمدن کهن ایران باستان سرتعظیم فرود آورد و از اینکه گذشت زمان هنوز توانسته از ارج و قیمت میراث گرانبهائی که در زمینه تمام علوم و فنون و هنر و ادب و خصوصا شاهکارهایی که در زمینه معماری بیادگار مانده قدری بکاهد بخود بالیده و در خود غرور و سرفرازی احساس کند.

ولی مسئله اساسی که در اینمقام مطرح است اینستکه آیا این میراث ارزنده و گرانبها با اینکه درموقع خود وحتى امروزه از گرانبهاتریس آثار فن بشمار میروند با همان خصوصیات برای عصر ما که عصر تحول و دگرگونی بلکه جهش و انقلاب است کافیست ؟ آیا جوابگوی مادر ایجاد يك دنیای جدید در معماری خواهد بود یا نه ؟ روح مطلب اینجاست و جواب باین سؤال قدری شهامت و صداقت و از خود گذشتگی میخواهد . ماهمین گفته و باز هم میگوئیم و معتقدیم که از گذشته نمیتوانیم منفک شویم چون لحظات زمان مانند حلقه های

چندی قبل در جراید و مطبوعات بحثی از سبک ساختمان های تهران بمیان آمد و این بحث دنباله نطقی بود که آقای نخست وزیر در جلسه افتتاحیه انجمن آرشیفتکهای ایران ایراد کرده بودند آقای نخست وزیر ضمن نطق خود گفته بودند «در ایران همه سبکهای معماری دیده میشود غیر از سبک اصل ایران» .

و بدینترتیب مجالی پیش آمد که روزنامهها مقالاتی در این زمینه منتشر کنند از جمله روزنامه اطلاعات اقدام به تهیه رپرتاژ جالبی که حاوی مباحثه با بعضی از آرشیفتکها بود درج کرده بدینصورت که سؤال شده بود .

آیا طرفدار معماری جدید هستید یا معماری قدیم ؟ آقاییانیکه باین سؤال پاسخ گفته بودند معلوم بود که سعی میکردند که جوابشان مختصر باشد و باصطلاح رعایت محافظه کاری را کرده باشند .

اینجانب بخاطر دلستگی و علاقه به حرفه و شغل و تعصب شدیدی که در نتیجه تلاش مداوم در طول سالیان دراز زندگی باین شغل و هنر داشته و دارم دریغ آمد که درمقام طرح چنین مساله اساسی که در زمینه فن معماری جنبه حیاتی دارد لب فرو بندم .

آقاییانیکه به سؤال فوق الذکر در آن رپرتاژ پاسخ گفتند معلوم نیست که چرا حاضر نشدند که نامشان ذکر شود؟ در چنین موقعیت خاصی که نسبت به هنر معماری عنوان حساس و بحرانی دارد و واقعا باید عقیده علاقمندان و دوستداران هنر معماری در چنین مساله روشن شود لازم است



زنجیر بهم پیوستگی دارد و علوم و معارف بشری نیز در این کاروان غلت و معلول پشت سر هم قرار گرفته و هر پدیده‌ای متأثر از گذشته و موثر در آینده است ما نیز مانند گذشتگان بقوه نقل و سایر اصول معتقدیم ولی در عین حال میگوئیم همانطور که در هیچک از رشته علم و صنعت و هنر ... و غیره چرخ زمان بعقب برنمیگردد در زمینه معماری هم ما نمیتوانیم بعقب برگردیم مگر اینکه معتقد باشیم که اگر کانیم زندگی ما - فکر ما - علم ما - صنعت ما و هنر ما و همه و همه بعقب برگردد همانطور که در تمام علوم و فنون پیشرفتهای بعدی معلول تحولات و پیشرفتهای گذشته و براساس آنها قرار گرفته و بعبارت دیگر پیشرفتهای گذشته زیربنای تحولات و پیشرفتهای حال و آینده است با در نظر گرفتن اینکه بهیچوجه نمیتوان گذشته را با همان خصوصیات و مختصات در حال و آینده تکرار کرد در زمینه معماری هم همین عقیده را داریم بدینجهت مامیگوئیم که دیگر طرز ساختمان، شکل تقسیم بندی، اسلوب بناسازی رعایت تناسب و اصل هماهنگی، حجم و ضخامت دیوار های گذشته را نمیتوانیم قبول کنیم زیرا دیگر با فکر جدید این قرن که دوران ماشین و اتم و پیشرفت صنعت و علوم است موافقت و سازگاری ندارند.

اگر با این اینه و آثار گرانبهاییکه در طی قرنهای متعددی برای ما بپادگار مانده از قبیل مساجد و بقایای کاخ های سلطنتی و غیره را کنار بگذاریم در معماری عادی و خانه های مسکونی آثار قابل ملاحظه‌ای مشاهده نمیکنیم اغلب ساختمانها بدون نقشه و بدون مطالعه قبلی و با مصالح نامرغوب باخشت و گل و گاهگل و بیروح ساخته شده‌اند که بهیچوجه از لحاظ معماری و مخصوصا از لحاظ شهر سازی امروزه قایم توجه نیستند. تجسم این کوچه های تنگ و بیج در بیج مملو از حشرات و کثافات و امان نظر بوضع ساکنین شهر های قدیمی که گوئی در انتظار مرگ محکوم بزندگی در این قبیل نقاط میباشد هیچگونه قدر و قیمتی برای ایجاد کنندگان آنها نمیگذارد چه نیوغ و استعداد هائی بدون آنکه بحد رشد خود برسند در آن محیط های غم‌افزا و افسرده از بین رفته‌اند.

میدانیم سنن و آداب و رسوم پدیده های زمانی هستند و مانند خود زمان دائما در حال تغییر و تبدیلمند و نمیتوان آنها را ثابت و غیر قابل تبدیل فرض کرد و مردم هر عصری آداب و سنن مختص بخود دارند و بدیهی است هنرمند هم در کارها و آثار خود ترجمان افکار و روحیات و آداب و رسوم مردم معاصر خود میباشد بخصوص معماری که پدیده‌ای است صدرصد اجتماعی و بقول آقای مهندس افراسیابی در مقاله مندرج در شماره دوم مجله انجمن آرشیتکت‌های ایران «یک شاعر ممکن است پیوند خود را از محیطش ببرد و تا پایان عمر از برج عاج خودش بزیبیر نیاید و لحظه‌ای هم به داغ محکومیتی که نسل های آینده براو و آثارش خواهند زد نبیندش اما معمار بدون مردم هیچ‌است - زیرا این مردم هستند که باید در ساخته‌های او زندگی کنند معماری نمیتواند تنها سفحیات کتاب را زینت دهد.» همانطور که نقاش روی کریاس و مجسمه‌ساز روی سنک و موسیقیدان با آلات موسیقی ... ایده خود را که ترجمان محیط خویش است به منحنه ظهور میرساند همچنین معمار نیز از شرایط و امکانات و مصالح موجود زمین استفاده کرده و افکار و روحیات و آداب و سنن جامعه خود را کریستالیزه نموده و اثر خود را بوجود می‌آورد و بدیهی است که باید در این اثر خود ریتم و هماهنگی و تناسب را نیز در نظر بگیرد زیرا همانطور که گوته نویسنده معروف آلمانی گفته «معماری کریستالیزاسیون موزیک میباشد» و یا بقول پل



- ۱ - ساختمان پست و تلگراف تقلید از کلیسا های اروپائی
- ۲ - کلکسیونئی از مصالح و کاشی‌ها
- ۳ - عمارت شهر با نی تقلیدی از ستون‌های تخت جمشید





والری نویسنده و شاعر معروف فرانسه «معماری باید بیخندد و آواز بخواند نه اینکه لال باشد» معماری باید گویا باشد و با زبان برزبانی خود از زندگی و جامعه خود سخن بگوید. اینک برگردیم بمطالب مخبر روزنامه که طرفدار گذشته می باشد و نوشته بودند (اکنون جنبش کوچکی به پیروی از شیوه ژاپونی ها در هنر معماری ایران پیدا شده است بدین ترتیب که آرشیتکتهای جوان بسبک های قدیمی و سنت معماری ایران توجه کرده و کوشش میکنند با توجه بسبک و سنت معماری گذشته ایران و استفاده از تکنیک و مصالح جدید بناهایی بوجود آورند و حتی ساختمانها را با مقرنس کاری تزئین نمایند این نهضت امید بخش در سال جاری شروع شده و نمونه هایی از سبک جدید بوجود آمده است اکنون چندین خانه در دروس بهمن شیوه بنا گردیده و مورد توجه فراوان مردم قرار گرفته است بدیهی است که این سبک هنوز در مراحل ابتدائی و بدوی است ولی اندک اندک به تکامل نزدیک میشود. آینده معماری ایران بدون تردید بر روی این شیوه خواهد بود.)



نظر ما خیلی زود است که چنین نتیجه از گفتگوهای چند نفر و چند نمونه بنای معمولی بصورت قاطع و مثبت بدست آید. زیرا قبل از این آقایان و این چند بنای انگشت شمار شاید حدود چهار سال از آغاز سلطنت رضاشاه کبیر و شروع عمران و آبادانی این مسئله مطرح بود و با اصطلاح تاریخچه ای کوتاه بقرار ذیل دارد.

در آثرمان آرشیتکتهای جوان ما وقتی تحمیلات خود را در اروپا و آمریکا بیابان رسانیده و بکشور باز میگشتند خود را در مقابل وظیفه ای سنگین می یافتند که عبارت بود از پر خوردار کردن وطنشان از ثمره معلومات چندین ساله ای که آموخته بودند. آنها با جدیت شروع بکار کردند و لسی بزودی در مقابل دو طرز فکر مختلف قرار گرفتند و آن اینکه آیا باید از گذشته تقلید نمود؟ و یا اینکه آینده را نگرسته و معماری را با طرز جدید وفق داد.

۱۳۲۹-۳ مدروز  
ساختمان هائی که اخیراً در تهران مد شده

فکر اولی تحت تاثیر تعصب ملی در اوایل دوره پهلوی چند مدتی پیشرفت کرده بود و در تهران نیز ساختمانهای چندی بشیوه قدیم ساخته شد که از آن جمله ساختمان های بانک ملی قدیم و شهربانی و پست و تلگراف و ثبت اسناد و غیره بود و باید تصدیق کرد که نتیجه خوبی از این تجربه بدست نیامد چون درست است که این ساختمان ها گذشته را بیاد مآورند ولی ترجمان زمان امروزه ایران نوین نیستند و نمیتوانند باشند. درست بخاطر دارم که ساختمان شهربانی و تزئینات داخلی آن هنوز با تمام نرسیده بود و کتیبه بزرگ آن با شیوه ساختمان های قدیم پرسپولیس بصورت یک فرسک با حیوانات در دست اقدام بود که یکروز اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تشریف آوردند و از دیدن این فرسک متغیر شده و فرمودند (آخر مگر این ساختمان را برای حیوانات وحشی می سازند) و این کافی بود که مشغول خراب کردن فرسک شوند و روز بعد مهندس دیگری سرکار بیاورند و بدین ترتیب اقتباس از ساختمان های قدیم بصورت تقلید در آن موقع تمام شد ولی ساختمان های جدید که بعد از آن شروع ساختن آنها شد روی نماهای آنها موتیفهایی از دکوراسیون قدیم از سرامیک یا آهنگری (باشگاه افسران وزارت جنگ و بانک ملی شعبه بازار و غیره) دیده میشود. نتیجه اینکه عملاً کار با اینجا منتهی شد که تقلید کورکورانه از اسلوب معماری قدیم و اعمال تعصب خشک با واقعیت زمان و خصوصیات دوره معاصر وفق نمیدهد و با تمایلات کنونی و نیازمندیهای زندگی حاضر سازشی ندارد. و اما در باره طرز تفکر دومی یعنی نداشتن تعصب نسبت به سن و آداب گذشته و نظر انداختن به حال و آینده باید گفت که اینجانب در عین حالیکه طرفدار این طرز تفکر هستم از زیاده روی و افراطی بودن درین زمینه و با اصطلاح از پاپ هم کشش تر





قشك است باید سبك مدرن را کنار بگذارید و باین اسلوب ساختمان‌ها را بسازید یا حداقل این سبك را مدرنیزه‌نمائید. در جواب گفتم خانم و آقایان محترم: اگر شما را مجبور کنند كه حتما لباسهایتان را عوض كنید و لباسهای قدیم (زمان داریوش كبیر و پاشاه عباس...) را بپوشید آیا میبپذیرید؟ خانم دستپاچشد و گفت ای وای نه‌نه. آقایان خندیدند و جواب دادند حق باشماست مگر اینکه زمان قدیم برگردد كه آنهم ممكن نیست ...

آری امروز هیچكس بعقب برنخواهد گشت و خانه و دكوراسیون امروزه نیز عقب‌نشینی نخواهد نمود و آن چند نفری كه خانه‌های خود را سبك قدیم میسازند خطر بزرگی برای معماری ما بوجود می‌آورند زیرا آشفتگی امروز بیشتر و عمیقتر خواهد شد. اگر لزوم و ضرورت داشته باشد كه تقسیم بندی خانه‌ها امروزی باشد چه لزومی دارد كه نمای خارجی را برك کرده و پنجره‌ها با اژیو پارومی بسازند كه معلوم نیست اصل و ریشی آنها بكدام ملت برسد لازم می‌داند كه درین مسائل اساسی باصراحت اظهار نظر كنم.

تحولات و رفرمهائی كه از آغاز سلطنت جلیل بهلوی در این كشور بوجود آمد تغییر و دگرگونی در زمینه معماری را ضرورتاً بدنبال خود آورد چون همانطوری كه اشاره كردیم معماری بیشتر پدیده اجتماعی است نه تنها هنری و برای

بودن نیز بنابر هستم. یعنی با تقلید كوركورانه از معماری امروزه اروپا و آمریکا و غیره بدون درك و بررسی خصوصیات محیط زندگی ما از نظر اجتماعی و اقتصادی و جهات اقلیمی و غیره مخالفیم. از طرف دیگر فرمالیزم ساختمان‌های امروزمعاصر را خطرناك میدانم و این هرج و مرج كه در معماری معاصر ایران وجود دارد يك قسمت ناشی از همین فرمالیزم است كه گروهی برای اثبات پیشرو و متجدد بودن خود مقلد ساختمان‌های اروپا و آمریکا در این سرزمین شده‌اند بدون اینکه مختصر توجهی به خصوصیات اقلیمی و اجتماعی محیط خود کرده باشند اینستكه مردم امروزه غالباً از آنها شكایت دارند و این خود جای بحث مفصلی است. در اینجا تذكره نكته‌ای را لازم میدانم همانطوریكه قبلاً اشاره شد ما برای معماری قدیم كشور خودمان احترام فوق‌العاده قائل هستیم واقعا هم آثار معماریهای اصفهان كه عهد صفویه بوجود آمده و زینت بخش آن شهر تاریخی شده‌اند نباید سرسری گرفت و نسل جدید باید در مقابل عظمت این ساختمانها سر تعظیم فرود آورد ولی این ساختمانها دیگر باوضاع و احوال امروزه و تمایلات نسل کنونی و احتیاجات زندگی ما مطابقت ندارند.

يك ملت نمیتواند همیشه متكي به گذشته خود باشد بلكه باید بیشتر به حال و آینده بنگرد زیرا در طبیعت همه چیز روبه تكامل میرود و معماری هم مانند هنرهای پلاستك دیگر ازین اصل کلی متابعت مینماید.

سوالی ممكن است در اینجا پیش آید و آن اینکه:

آیا میتوانیم بدون اینکه از اسلوب قدیم كوركورانه تقلید كنیم با مدرن كردن آن نتایج خوبی در معماری بدست آوریم؟ بویژه اینکه این آثار در موقع خود منبع تقلیدی برای سایر ملل نیز بوده است. در جواب باید گفت اینکه ما اسلوب قدیم را بگیریم و با تزئینات زاید آنرا مدرن نشان دهیم مانند آنست كه خانم یا آقای پیری برای جوان نشان دادن خود در آرایش افراط كند تا بدینوسله چین و شكافهای عمیق صورتش را پوشیده بدارد. این سوالی بود كه سال گذشته از اینجانب شده. و قتیكه شب نوروز در اصفهان بودم و در دكوراسیون مجلل ولی خسته كنده داخل سالنهای هتل شاه عباس گردش می‌كردم چند نفر از مشتریهای قدیم بمن نزدیک شده و گفتند آقای مهندس ببینید چقدر زیبا و

#### ۱- تقلیدی زشت و بی‌منطق از معماری قدیم

#### ۲- تأثیر معماران بزرگ و معروف دنیا در کارهای معماری

انجام شده در تهران.



۱ و ۳ فرمالیزم در معماری



اینستکه آرشیتهکتهای امروزی باید تکسبین . هیزینیت . اوربانیت اکیونیسیت هم باشند نه تنها آریتیت و هنرمند من معتقدم که مسئله رفع حجاب و تعویض لباس زنان و مردان و همچنین آزادی رفت و آمد بخارج از عوامل مهمی بودند که تغییر فرم معماری امروزه را ایجاب کرده است .

وقتیکه خانمها حجاب را از چهره خود برداشتند خانههای جدید نیز نقاب خود را که عبارت بود از دیوار خشتی و خاکی برداشتند و بدیوارهای کوتاه پائزده تبدیل شدند همانطوری که برده از چشم و صورت خانمها برداشته شد و آزادانه به کوچه و گردشگاهها مبرفتند خانه ها نیز چشمهای خود را باز کرده و بطرف کوچه ها و خیابانها نظر انداختند بعبارت دیگر بطرف کوچه و خیابانها پنجره باز شد و دیگر اندرونی و بیرونی از بین رفت و روی کف اطاق نشستن و نهار خوردن منسوخ شد و دکوراسیون و مبلمان فرنگی رونق گرفت و در خانهها بکلی رسوم و آداب قدیم از بین رفت و خانههای جدید با سلوب جدید جای خانههای قدیم را گرفتند و محال است که زن و مرد امروزی اینهمه تازگی و خوشبختی را که با تحمل رنج و زحمت بسیار بدست آورده از دست بدهد . چقدر ناگوار و طاقت فرسا خواهد بود که زن و مرد امروز ایرانی مجبور شوند که لباسهای خود را عوض کنند و لباسهای قدیم پوشیده و بزندگی گذشته برگردند .

خلاصه کلام اینکه عصر ما عصر تکاپو و فعالیت است و ما شاهد اثرات آن در تمام شئون و مظاهر اجتماعی خود هستیم ما اصولا از اینکه سلوب قدیم را گرفته و با تزئینات زائد آنرا مدرن نشان دهیم بیزار میباشیم . ما در مقابل نسل آینده وظایفی داریم که باید انجام دهیم واقعا اگر برای شانه خالی کردن از زیر بار این مسئولیت شیوه قدیم را تعقیب کنیم باید گفت که بی اراده و کم همت میباشیم اگر اینطور رفتار کنیم باید گفت نه تنها به تعالی و ترقی خود توجه نکرده ایم بلکه اصولا روح این قرن را درک نکرده ایم . آنچه اکثریت قریب با اتفاق آرشیتهکتهای امروزه خواهان آنند آنستکه سبکی متناسب با زندگی روز بوجود آید و جوابگوی احتیاجات عصر حاضر باشد و نسل آینده از ما ایراد نگیرند . البته این سلوب را نمیتوان دفعتا خلق کرد و نباید منتظر معجزه بود که ظهور آن کمک کند تنها چیزی که آراپدید میآورد فعالیت خستگی ناپذیری است که علاقمندان و صاحب نظران برای رسیدن به نتایج صحیح بر خود هموار کنند . ما باید از وسایلی که زندگی جدید امروزی در اختیار ما گذاشته استفاده کنیم و افکار خود را به مرحله عمل درآوریم تا نسل آینده چه قضاوت کند ؟

وقتی ما معلمین میشویم که زحمات مادر ملی راه مشکل معماری نتایج مطلوبه را داده است که در ضمن تلاشهای مداوم خود به نتایجی رسیده و بتوانیم آثاری از خود باقی گذاریم و تاریخ زندگی زحمات ما را در نظر نسل آینده مجسم کند برای حصول بدین آرزو آرشیتهکتهای باید دور هم جمع شوند و اشکالات و امکانات کار را بررسی نموده و در نظر بگیرند که در مرحله اول آرشیتهکت صنعتگری است که نه تنها باید از تحقق یافتن آرزوی خویش احساس خشنودی کند بلکه از تاثیر اجتماعی آن هدفها قلبا خوشحال گردد .



- ۱- یکی از کارهای مهندس و ارطغرل واقع در میدان راه آهن
- ۲- از کارهای نسبتاً قدیمی تر
- ۳- ترکیب فرمهای مختلف در یک ساختمان



بسیار اکتون قدمهای اولیه برداشته شده و در مراحل و تکامل میباشیم ولی از سرمنز سبکی که باید برای محیط خودمان بدر نظر گرفتن تمام جهات و جوانب بوجود آوریم بسیار دوریم یگانه عامل رسیدن باین هدف همکاری صادقانه و فعالیت و پشتکار واحساس مسئولیت اجتماعی و هنری است.

#### نتیجه گیری

برای انتخاب یکی از دو سبک (قدیم - جدید) در معماری نوین و معاصر ایران تذکر چند نکته را مجدداً لازم میدانند.

۱- بطوریکه در آغاز مقاله یادآور شد تحولات اساسی و دیگر گونی های عمیق وریشه داریکه در سال های اخیر در تمام شتون مملکت از جمله در زمینه شهر سازی و معماری و بطور کلی عمران و آبادانی بوجود آمد جامعه معماران و شهر سازان را در وضع خاصی قرار داده است و میتوان گفت نسبت به مسائل معماری در یک لحظه بحرانی بسر میریم و میدانیم که نتیجه حالت های بحرانی تغییر حالت و یا طبیعت و باصطلاح جهش میباشد و عبارت دیگر طبق اصول علمی ما محکوم به تغییر حالت و مسیر و راه و روش هستیم.

۲- به تصمیم تشریح شد که برخورد و تضادم دو طرز فکر معماری یعنی طرز فکر مدرنیسم و معماری استیل قدیم از آغاز سلطنت اعلیحضرت قاید آغاز گردید و با در نظر گرفتن اینکه بیشتر آرشیتهکنهای جوان ما تحمیلات خود را در اروپا به پایان رسانده و بوطن بازگشته بودند طرفدار مدرنیسم بودند ولی چون کاملاً از اوضاع و شرائط اجتماعی و اقلیمی کشور ما مطلع نبوده و یا آنرا بحساب نیاورده و نادیده میگرفتند آشفنگی عجیبی در معماری ایران بوجود آمد و اکنون نیز برای چاره جوئی این آشفنگی همان بحث ۳۵ سال قبل شروع شد و همان گفته های گذشته بر زبان آمد.

۳- با در نظر گرفتن واقعبت زمان و تحولات عمیق و همدغانیه در تمام شتون زندگی مردم این سرزمین پیروی از تقلید از استیل قدیم بمعنی عقب برگشتن و شرایط زمان را نادیده گرفتن و توقف عقربه زمان میباشد.

نتیجه اینکه مدرنیسم یک واقعبت یک پدیده طبیعی مسلم است و باید آنرا پذیرفت منتها این مدرنیسم و توطلی در همه جای کسان و یکنواخت نیست و با شرایط اجتماعی و اقلیمی هر آب و خاک رنگ خاصی بخود می گیرد که نماینده سنتها و آداب و رسوم مردم آن سرزمین است.

۴- در حال حاضر سبک قدیم با این همه سرو صدا پیشرفت قابل ملاحظه ای ننموده و نخواهد نمود ولی برعکس مدرنیسم به اشتباهات اولیه خود توجه نموده و کوشش مینماید که بدون فراموش کردن گذشته مدرنیسم ایرانی منطبق با واقعبت زندگی معاصر منطبق با مختصات اجتماعی معاصر ایران و خلاصه منطبق با فلسفه انقلاب سفید گردد.

۵- برای بوجود آوردن سبک دوران پهلوی فقط یک راه وجود دارد و آن اینکه آرشیتهکنها در چهار چوب هنری خود معماری جدید را که سرچشمه آن آفتابی شده ادامه دهد بطوری که منطبق با نیازمندیهای معاصر و منطبق با شرایط اقلیمی و روحیه امروز مردم ایران باشد و بدین ترتیب نسل های آینده ارزش حقیقی انقلاب سفید را از زبان بی زبانی ساختمان های امروزه درک کنند و جهش و انقلاب امروزه این کشور که سال ۱۰ مجسم نمایند.

# و شهرسازی آینده شهرهای بزرگ

بقلم روبرت اوزل استاد  
انستیتوی شهرسازی  
دانشگاه پاریس

پیشگویی است یا حدس؟ برای جهانی بهتر  
بایستی آینده را از خلال جامعه شناسی سیاست  
و تکنیک تصور کرد. شهرهای بزرگ چه بر سرشان  
خواهد آمد؟ شهرهای آینده بچه سورنی خواهند  
بود؟

در ضمن این مقاله تصویر روشنی از آنچه در  
آینده خواهد شد و مستلزم پیشگویی است ندارم  
و فقط چند فرض را مطرح میکنم و خود را متقاعد  
مینمایم که موضوع را بطور منظم مورد تفحص  
قرار دهم و ببینم چه عواملی سرنوشت و تحول ما  
را طبق برنامه‌ای طول‌المدت تعیین مینمایند در جهان  
شهرسازی که هر عمل بشر دوستان فیرمادی جلوه  
نخواهد کرد و مقاصد و مسائل اجرای آن نامحدود  
زیادی مزاجه با عدم اطمینان است. لذا تفکر و  
بمرحله عمل در آوردن آن مستلزم داشتن مهارت  
زیادی است در هر حال وظیفه مشترک ما تغییر  
هیئت جهان است حال ببینیم آیا در آنجه دنیا  
بهتر خواهد شد و همبستگی بیشتری خواهد  
یافت یا نه؟

وسائل تحقیقاتی وسائل کنترل و انضام تصمیم  
ما دارای اهمیت زیادی شده و جمیع امور ما را  
که تکنیک به آن عظمت بخشیده و در تمام سبازه  
ما مؤثر است در آینده در سایر سبازات مؤثر  
خواهند بود. معذک این آینده بی‌تغییر را بایست  
پیش خود تصور نمائیم.

## آینده که ما در نظر داریم بایستی آینده محضی باشد ، چه مجموعه مساعی مابدون در نظر گرفتن آینده محضی جز کوشش‌های حفظ وضع فعلی نیست

## مدنیت در عصر حاضر انگیزه تجاوز بوده و مداخلات پراکنده و بموقع را تجویز نمی نماید ما در اینجا برای بیان حال مدنیت از اصطلاحات کلینیکی استمداد مینمائیم فی‌المثل منظره مدنیت از فر از هواپیما بر فراز شهری متمدن:

در اینجا از حراس بزرگ جامعه شناسی وقتی که در سالهای آخر قرن بیستم بر ادراکات و نظم عالم حکومت خواهد کرد صحبت میشود ضمناً باید دانست که توسعه نامتناسب جمعیت بشری با اطلاع از اثرات موانعی که برای آن ایجاد میگردد معذک بمقیاس جهانی یکی از مسائل مهم جامعه بشریت است. یاد دست داشتن دلایل مانند توسعه سریع شهر ها و در نتیجه آن فضا و زمین لازم برای فرورد و گرایش مداوم افراد به سطح بالاتر زندگی بدیهی است که تمام این مسائل بهم پیوسته بنسب تراکم جمعیت بشری موجود و زیاد میگردد که عوامل گوناگون جامعه بشری اثری مستقیم بر احداث کار مسکن و شهرسازی دارند افزایش نامتناسب نژاد بشری مانع از پیشرفت اقتصاد بوده و سطح جهانی را محکوم مینماید .

این از موضوعات سیاسی و بسیار اساسی است که در جامعه بسیار موثر است چه اگر در مورد ملنی صورت گیرد مرید گرفتار بهائی است که منافعی تمدن و صنعت است . جهانی مولد جنگی است که با هنگام فقدان عظیم منابع اقتصادی و فیزیکی ادامه خواهند یافت . امروزه حتی کوچک ترین اختلال و ناراحتی داخلی امکان تولید اضطراب و اختلال جهانی را مینماید . هرگاه شورش انفصال نژادی در محلی صورت گیرد خود یک کانون جنگ داخلی است و امروزه عموم جنگ

های داخلی به گرداب جنگ جهانی منتهی میگرددند . شورش ها به انقلاب منتهی میگرددند و چنانچه در بدو تکوین شورش قوامی نداشته انقلاب آنرا تحکم مینماید ضمناً باید دانست که شورشها ، جنگهای چریکی تصادمات داخلی بمباران های سنگین تجاوز انمی از وقایع غیر قابل پیش بینی هستند .

گفته انشتین و برتراند راسل که در تاریخ ۱۹۵۵ منتشر شد هیچگاه اینطور صدق نکرده : چنانچه بشریت جنگ را تحریم نینماید جنگ بشریت را از زمین محو مینماید .  
فرض کنیم که از این قاجعه هولناک جلوگیری نایم در اینصورت مدت زیادی جنگ بر اقتصاد پیروز خواهد بود .  
و جهان سوم که خود ماوراء مجاور و دور از شهر ها و دور از دسترس ماست بر آن حکمروانی مینماید بودجه‌های کمکی یا بودجه های تامین امنیت که شاید چینه بشر دوستانه متفاوتی دارند دو طبقه لاینفک دفع این نیاز به امنیت به مدنیت خاصی منتهی میگردد و بوجود آوردن محل عالی مناسب برای زندگی را سبب میشود .

در اینجا مثال و توضیحی لازم است شورش ابتدا بصورت شعله هائی متظاهر میگردد که بدوا بلیس و مامورین آتش نشانی سر میرسد سپس آذوقه و مایحتاج توزیع و به آسیب دیدگان وسائل معاش میدهند و زافه ها را به خانه تبدیل می نمایند .

میتوان نتیجه گرفت که پمپ و ماله بنالسی خود نشانه‌های از جمع موجوده قوای طبیعت است. حال بحث ما درباره مسائل محققه فنی است در این باره چگونه پیش بینی آینده را بنمائیم در مقابل چشمان حیرت زده ما وقایعی مانند رویای کودکانه میگردد .

راستی بیشیم کدامیک از این کشفیات روزمره ما مهمتراند و باید اذعان نمائیم که اطلاعات فنی ما بطور کلی بینهایت جزئی و ناقص و در انکار کامل در آمده اند .

- مهار کردن اتم باتنایح نهائی آن .

- غلبه بر فضا باتنایح معطنش و موثر و هر چند غیر مستقیم بر آینده بشریت .

- تسلط پیشتری بر فضای زمین خودمان بالاخر بر نظیر در عمق اقیانوس ها .

- و ارتباطات و همبستگی بشر با ماشین - باتقلاهی ساکت ولی عمیق که در جوامع طرز تفکر و قدرت معنوی ما موثر است .

عوامل فوق ناسال ۴۰۰۰ در تحول جامعه بشریت اثرات مستقیم بجا میگزارند .

گاهی پیش خود فکر میکنیم که فی‌المثل ازدواج بکنیم - آیا با ایرانیان بکنیم .

اسکندر و پاتورز فیلسوف یونان همیشه باغبی کویان و فالگیران مشورت میکردند ولی در اینجا سر و کار ما با جامعه متمدن بشری است و آینده‌ای

را در پیش دارد که میخواهد از آن باخبر باشد و عدم مال اندیشی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و شاید موجودیت محض خود برایش خیلی گران تمام میشود .

خوشبختانه وسائل کار در دسترس ماست تا چیزی فروگذار نشود .

این وسائل همان ماشینهای الکترومیکس است که میتوانیم فرضیات موجود را در اختیار آن گذاشته نتیجه لازمه را اخذ نمائیم . این کار که خود نشانه بهی بستگی ماشین و جامعه بشری است . وسیله جامعه شناسان تحقق پذیر است معذک هرگاه حدس ما منکی بر فرضیاتی باشد که با ریاضیات بتوان آنرا کنترل کرد لذا عوامل مجهولی فغلتنا ظاهر و حسابهای ما را برهم می ریزند از این نظر ما بایستی از معلومات عمومی خود که مجال اداره امور جهانی را بنحو شایسته میدهد استفاده نمائیم . آینده که ما در نظر داریم بایستی آینده محضی باشد چه که مجموعه مساعی ما بدون در نظر گرفتن آینده محضی جز کوشش های حفظ وضع فعلی نیست .

در این فصل از راه های طرح برزی تکنسین های خود گفتگو و متذکر میگرددیم که آنها حاوی تمام حقایق اقتصادی با اجتماعی و تمام ضروریات یک سازمان مطلق فضائی نیستند .

در فصل دوم در باره امکانات سی سال آینده و در فصل سوم در باره مسائل فنی - مالی و فضائی که در نتیجه آن پدید میآیند بحث می نمائیم .

### فصل اول

مدنیت در عصر حاضر انگیزه تجاوز بوده و مداخلات پراکنده و بموقع را تجویز نمی نماید ما در اینجا برای بیان حال مدنیت از اصطلاحات کلینیکی استمداد مینمائیم فی‌المثل منظره مدنیت از فر از هواپیما بر فراز شهری متمدن :

- تکثیر زیاده نسل بشریت به شکل سرطان .

- کثرت تهاجم غارتگرایی سریع .

این شهر مگالوپولیس سریع توسعه پاشتاب حومه را در خود جذب مینماید .

مناظر روستائی را تفکیک و در خود فرومیبرد و اینها که توام با نارضائی میباشد تولید هرج و مرج مینماید که مشابه جنگ داخلی است . توضیح

آنکه جنگهای داخلی همیشه در شهر ها زمینه مساعد یافته و توسعه سریع شهر و اتصال به حومه تفاوت طبقاتی را مشهودتر کرده و تحمیل انفصالات نژادی و اختلافات داخلی را تولید مینماید .

بدیهی است که در چنین وضع غیر مانوس تامین اکثر نیازمندیهای اساسی غیر ممکن میگردد و تامین فضای لازمه را در مناطق متراکم بعلت ترقی احتکاری زمین مشکل مینماید که باید با صرفه جویی و در نظر داشتن مقتضیات ناآجا که مقدور

درحقیقت فضای مسکن بشریت  
بایستی توسعه یابد تا نسل حاضر  
بدون بزحمت افتادن نسل های  
آینده با خوشی و راحتی کامل  
زندگی نمایند. هنرمندان و نقاشان  
احساس وجود این مشکل را  
نموده اند لیکن آرشیکتها جز به  
هدف و هنر معماری چندان  
علاقه مند نبوده و آرشیکتهای  
شهرساز نیز ندرتا فرصت تحقیقات  
بیشتری در این زمینه را داشته اند.

است مشکلات را حل کرد .

**اکثر اوقات پروژه های از مد افتاده را اجرا  
مینمایند .**

باید نظر گرفتن مدت لازم برای اجرای امور  
و محاسبه استهلاک سرمایه گذارها مانند امور  
راهسازی و نیازمندی های آموزشی بهداشتی  
اجتماعی و فرهنگی و تفریحات اغلب تکنیسین ها  
ملازم به اجرای پروژه های از مد افتاده میگرددند و  
این درست عینا مانند رفتار پزشکانی است که  
بیمار را با کمک دارو های چهار سال پیش معالجه و  
یا با ادوات پزشکی قدیمی معاینه و معالجه می  
کنند .

برای نوسازی شهر ها یا ایجاد شهر های جدید  
در هر حال منابع مالی جدی لازم است چه بدون  
دسترسی به آنها نمیتوان برنامه های جدی را بطور  
موازن عمل کرد .

#### نابین بودجه

اجرای پروژه ها در صورتی و وقتی بجاست که  
در مدت کوتاهی مشرفتر گردد و پیشاپیش تحولات  
صورت پذیرد امروزه خوشبختانه میتوان هزینه  
پروژه ها را پیشاپیش رسیدگی و تعیین کرد یکی  
از وسائل تسهیل نابین بودجه ها در جریان گذاشتن  
مردم در جزئیات این بودجه هاست چه در صورت  
اطلاع ارزش آن پیشتر خود را سهیم در آن  
خواهند دانست و این کمک قابل توجهی خواهد  
بود .

مخارج امور عام المنفعه را بایستی باکمال  
شهامت بااطلاع مردم رساند چه که بانوزیع این  
اطلاعات میتوان تشریک مسامی ایشانرا بیشتر جنب  
کرد مثلا هرگاه مسائل قضائی را حقیر جنوه دهیم  
محل است بتوانیم به نحو شایسته ای باین مسائل  
کنار بیاییم بخصوص بودجه های ملی از قبیل  
آموزش و پرورش - بهداشت بست راهها وغیره .

**تنها حکومت بقای زمانی مردم را نابین مینماید.**  
بدین ترتیب آنچه که کوشش مداوم افراد را  
اتزام آور مینماید در اختیار طبقه خاص از اجتماع  
قرار میگردد به نحوی که شهر نشین نگران سرنوشت  
خویش و حتی طفل و نواده های خود نبوده و به  
دستگاه عظیم ماشین جهانی برگزارد مینماید و بقول  
سیمون ویل :

« لوجمند ترین ثروت بشریت یعنی گذشته و  
آینده درگرو دولت است » گذشته بما آموخته که  
ناسیس شهر که آنرا طبیعت ثانوی مینامیم برای  
بشر وسیله فرار از نیستی و استقرار آزادی  
خویش است ولی شهر باطبیعت کوچک گاه بصورت  
وسيله اضمحلال در میآید و شهر که انسان آنرا  
تصوریری از جهان و آنچه را که بدان علاقه مند است  
میداند او را تبدیل به غریبه ای در روی زمین  
نموده و چنان احساس حقارتی در او ایجاد میکند  
که خود را ذره ای ناچیز در رهگذر دالان های  
بجایب هیولای زمین می بیند .

بک عیب دیگر کار عدم تشخیص بین نوع  
سرمایه گذاریهاست بدین معنی که میبایست روشن  
شود که سرمایه گذاری در مورد اجتماع انجام شده  
و یا اینکه فقط عده معدودی از آن بهره مند خواهند  
شد .

#### تشخیص مخارج عام المنفعه

آشنائی مردم به هزینه های عام المنفعه و  
بخصوص آنچه پایه گذار آینده است مطمئنا جلب  
کننده موافقت معلوی جامعه است که ضمنا مشارکت  
ایشانرا تشویق مینماید . در پاریس آنچه در دوره  
نابلیون اول در ساحل رود سن پا در مورد شهر  
سازی پاریس انجام شد یا ساختمان چند راه کدر  
آزمان بوجود آمده مقایسه نمائیم می بینیم سهم  
عمده ای از بودجه شهری برای نیازمندیهای اجتماعی  
بمصرف رسیده در اینجا بجاست این نکته را یاد  
آوری نمائیم که درآمد ملی چگونه بین طبقات  
مختلفه مصرف کننده آن بحسب اقتضای محلی و  
مسئولیت های اجتماعی توزیع گردد .

ما در جهانی تولد یافته و بسر میبریم که  
نتیجه هزاران طبقات رسوبی در طی قرون و اعصار  
است و افکار مانیز همانند آن بسیار کهنه و فرسوده  
است ما اسیر عادات خویشتم و چون شهر ها را  
بامراکز پرهیاهو و حومه خلوت آن دوست داریم  
ایشانرا پدیده های مدنیت نام نهاده ایم .

**فضای بیشتری را بایستی برای زندگی بشر  
تهیه نمود .**

برخی تکنیسین ها در موارد خاص در تجزیه

و تحویل منابع شتاب زده نتیجه گیری مینمایند  
چنانچه که درباره تراکم جمعیت ایده های غلطی  
انتشار داده و تمرکز جمعیت را علاجی توصیف  
کرده اند . و حال آنکه این تمرکز خود مقر و کانون  
اسب های حاصله از تراکم مفرطانه .

#### چه باید کرد

درحقیقت فضای مسکن بشریت بایستی توسعه  
یابد تا نسل حاضر بدون بزحمت افتادن نسل های  
آینده باخوشی و راحتی کامل زندگی نمایند .  
هنرمندان و نقاشان احساس وجود این مشکل را  
نموده اند لیکن آرشیکتها جز به هدف و هنر معماری  
چندان علاقه مند نبوده و آرشیکتهای شهرساز نیز  
ندرنا فرصت تحقیقات بیشتری در این زمینه را  
داشته اند .

**فصل دوم - آیا باید شهر های نویی ایجاد  
کرد ؟**

از بدو مضاف شدن جمعیت کسره زمین و  
نیازمندی به فضای بیشتری که تحرک افراد را تسهیل  
نماید و نویسنده آنرا پایه و مقدر عصر و زمان  
ما میداند لازم میآید پدیده های تراکم و فشار  
جمعیت و ضمنا اتلاف وقت و انرژی را مطالعه  
نمائیم و نیز در باره تحقیقات و اکتشافات بررسی  
کنیم صحبت از ترفی که بعین آید میتوان اذعان  
نمود که سرمت پیشرفت تمدن اکثر متخصصین را  
در يك جریان دورانی و معذب کننده جهت اطلاع  
از آخرین پیشرفت های علمی قرار میدهد و ضمنا  
جامعه مصرف کننده را با ناعابلی شدید جهت کلا  
های نوظهور که از آخرین پیشرفت های دانش  
برخوردار است شائق مینماید . بحث علمی :

پیش بینی میشود که تا سال ۱۹۸۵ احتیاج  
بیشتری به رفت و آمد افراد خواهد بود و این  
تحرک ها به اتصال بیشتر شهر و حومه و توسعه شهر  
ها و در نتیجه تحرک مسکن منجر میگردد .

مسئله دیگر - زیبایی شهر عبارت از استقرار  
تمرکز ساختمانهای باشکوه در مراکز شهری است -  
در گذشته بیشتر در مراکز شهری ساختمان میشد  
و فعلا استقرار در اماکن دورتر مرکز در شهرها کمتر  
مینماید ضمنا ناگفته نماند که شهر با تحمل پیوسته  
تراکم و فشار و نحوه مصرف نامتناسب و احتکاری  
زمین شهر نشین را مطرود مینماید و بمجرد یافتن  
اولین فرصت گریز از شهر را تشویق مینماید  
و بصورت تعطیلات آخر هفته و رفتن بخانه بیلائی -  
حضور در کنفرانسها وغیره منجلی میگردد .

که اینرا ما «نشو و نما» شهر نشینان می  
نامیم که جدا معتقدند از آب هوا آفتاب و سیزه  
و بیلای نمیتوانند صرف نظر نمایند . اینها از آثار  
ابتدائی شهر نشینی افراد بشری است که بارن  
بما رسیده یعنی شهر نشینی در اصل واکنش در  
مقابل خواست یعنی از آسیب و پادسدم آسایش  
است .

چنانچه مثلی است معروف که شهر را در بیلای  
بسازید . لذا بعلت وجود خوی اجتماعی زندگی

در آتیه باید منتظر تجلی انسانهایی شویم که بیلاق نشین و در عین حال شهر نشین اند بشر آینده دارای دو چهره شهری و بیلاقی است .

با الهام از تکنیک‌های نوین تلویزیونی هنر کم کم در زندگی اجتماعی و اقتصادی نفوذ مینماید و بدین نحو جماعات کثیر مصرف کننده طبق تمایلات فرض هنرهای ظریفه را به سوی سبک و فرم‌های جدیدی سوق میدهد .

طن قرون و اعصار تغییر هیئت داده و به آموزش فرد بستگی دارند برآورده شوند لذا بجاست که امکان زندگی در شرایط ذکر شده برای عموم مردم ابقاء گردد و تحقیقات درباره مشکل شهر سازی که حداکثر زندگی آزادانه را تامین نماید ادامه یابد . البته قانون تحرك و استقرار فقط بكمك مولورین كردن مردم امکان ندارد . برای مردم اغلب نملك يك انومبیل نهایی را برآورده مینماید که خود يك پیشرفت اجتماعی را اثبات مینماید واز لحاظ صنعتی تولید معتزله‌ایست که معاش عده‌ای را تامین و فعالیت عمومی کشور را میسر میسازد . پیشرفت شهر سازی و انومبیل سازی قسم یکدیگر و در آتیه انومبیل های بی‌صدا و بدون دوی در نتیجه پیشرفت دانش و تکنیک بوجود خواهند آمد لذا بایستی مجموعه امور ساختمان شهر باازایاد مضامین نقلیه متوافق گردد ودرمدت مسافرت راحتی و سلامتی افراد تامین و مسئله فقدان و علت و باعدم مجهز بودن راهها منتهی گردد .

#### شهر چیست ؟ محل مبادلات

بدوا مبادلات جنسی یعنی مبادله ترین طریقه تجمع محصولات فلاحی و توزیع آن و تولید و پختن محصولات صنعتی و بالاخره مصرف انواع کالاها و خدمات . این مبادلات جنسی بنحو لاینحزانی به مبادلات معنوی وابسته‌اند .

شهر تنها محل تمرکز قوای اداری است که خود نشانه از سیستم های اقتصادی اجتماعی و سیاسی میباشد و طبعاً محل مشخص آموزش و پرورش و تفریح که مستلزم نمایشات تازها و انواع تفریحات نیز میباشد . سیستم ساختمان در امتداد جاده ها این امتیاز را داراست که از حیث فضا صرفه جویی نموده ولیکن فضای نوین متوافق باجنب و جوشهای وسائط نقلیه ایجاد مینماید که نه فقط برای مبتکرین آن تشویق کننده است بلکه مویذ اراده جامعه یافرهنگی است که خود مبتکر فضای خاص زندگی خود و بهتر بگوئیم زادگاه خویش است .

ضمناً ما بایستی بسرعت دست بكار شویم چه که مخاطراتی که برشهر های بزرگ وارد است پس عظیم است و نباید فراموش کنیم که مراکز تجمع و تراکم موجب مشکل فرضیه تصادمات‌اند که لااقل در سی سال آینده نمیتوان به نحو پستندیده‌ای آنرا مرتفع نمود .

در آتیه باید منتظر تجلی انسانهایی شویم که بیلاق نشین و در عین حال شهر نشین‌اند بشر آینده دارای دو چهره شهری و بیلاقی است از سویی از لحاظ آنکه به طبیعت نزدیک است واز سویی دیگر بواسطه کار و مناسبات بشری نمیتواند از اجتماع دوری نماید . بهر حال يك ساختمان و شهر سازی متوافق باحقیق و پدیده‌ای مسفرن و بسط و توسعه جوامع در فضاهای منظم بسفون

نردید آینده را صیانت خواهد نمود دوام وضع قبیلته‌ای - اجتماعی زندگی کردن .

۱) تحول بشریت و اجتماعات آن بهر صورتی که باشد برای بشر يك نیاز اساسی و جاودانی باقی خواهد ماند .

۲) پیشرفت های مکانیکی بهر درجه‌ای که برسد بشر را از استفاده از منابع قدرت بدنی از جمله راه رفتن منع نخواهد کرد .

رادیو تلویزیون پیشرفت تبلیغاتی و توزیع کالا و امکان آن بهیچوجه از نیاز تجمع انسان نکاسته بلکه آنرا مضامین مینماید ، چه نهایی بدترین درد هاست .

حال که نحوه فرهنگ مردم و ارزش آموزنده فضای شهر را مطالعه کردیم از آن بهره‌گیریم .

با الهام از تکنیک های نوین تلویزیونی هنر کم کم در زندگی اجتماعی و اقتصادی نفوذ مینماید و بدین نحو جماعات کثیر مصرف کننده طبق تمایلات فرض هنر های ظریفه را به سوی سبک و فرم های جدیدی سوق میدهد که ضمناً مجوز ترك سبکهای قدیمی و اصولی نیست و شهر ها باغبانان کوچک ها و میدانها چهار راه ها و پاتشهر های ساحلی یا اسکله‌ها ویاغات و عمارات اسلوب محلی یا سبیلک در فضای شهرهای ابدیه‌الی آینده دنیای آرزویی ایجاد خواهند کرد .

بیایید قامت راست را که لازمه روح و جسم سالم است حفظ کنیم .

بیاییم باوجود کار اداری یا کارخانه‌ای یا کار باماشین های کشاورزی طنز رزم تلویزیون و وسائل موتورسی - بانگها - مساجد - سینما ها - و مغازه ها - طنز رزم و فکور وسائل تفریح و انواع ورزشها و نیز تگونه فعالیتها که راه رفتن لازم ندارند مثلا اسکی آبی - قایق رانی مولوری و بادبانی اسب سواری و غیره بهراه رفتن ادامه دهیم بنا وجود جمیع امکانات و هوسهای مخالف من به بشر بر تحرك عقیده مندیم چرا ا چون خواهان هوشمندی و سلامت فکر و جسم نیستیم . پزشك مسفرن امروزی که از سنت های مشرق زمین بهره گرفته بما میآموزد که از قدرت های روحانی بدن خود استفاده نعلیم و از آن استفاده های زیسادی ببریم .

بالتازک در این مورد چه خوش گفته که: گردش میتواند مسیبه هزاران تشویق روح گردد .

در نتیجه بحث های فوق باین نتیجه میرسیم که بشر اگر عماراتی بسازد که بی‌روح باشند افراد از یکدیگر دوری جسته و متنفر میگردند و هرگاه بالعکس عماراتی بنا نماید که ملاقات همزیستی افراد را به نحو احسن و بخوشی میسر دارد افراد بشر را باهمان تیبائی که گل زلیور را بخود جذب مینماید بسوی خویش خواهند خواند .

کردن در بشر هر شهر نشینی آرزومند است که آسایش زندگی شهری را با امتیازات زندگی روستائی که رویای آن درامعاق روح اش از قدیم محفوظ مانده مزوج و این حقایق بشر را برسر دو راهی قرار میدهد که راه چاره آن تحرك مسكن از نظر شغل و ضمناً استقرار و تثبیت مسكن است .

مسكن متحرك جزء لاینحزای تمدن صنعتی ما محسوب میشود .

این آزادی مانند بازگشت به دوره چاندنشینی اجداد ما میباشد و آزادی پیشتری در استفاده از مناظر بیلاقی را میسر میدارد سکونت در جوار يك منظره روستائی که شخص آزادی عادات و خصوصیات خود را حفظ و یادگیران نیز زندگی نماید خود بالا ترین موجد احساس امنیت است سیمون ویل باطرافت در این مسئله بحث مینماید همه استقرار شاید مهمترین نیاز و مجهول ترین پدیده روح و قلب انسان است .

بشر فعال با مشارکت طبیعی و پر از فعالیت‌اش در جامعه کلی بشری بیادبود های نیاکان و تفکر در وقایع آینده دارای وجدان باطنی است که او را طبعاً علاقمند به مولد به کار و به محیط زندگی‌اش میگرداند .

هر فرد نیازمند تامین نامیت حیاتی اخلاقی معنوی و روحانی میباشد که خود را قسمتی از آن احساس مینماید و مایل است این نیازمندیها که



# طرح جامع اهواز

از علی ادیبی



# هدفهای بلند مدت طرح جامع اهواز

از: علی ادیبی

پس از بررسی وضع موجود جمع آوری اطلاعات مربوطه و در نظر گرفتن تمامی امکانات و احتمالات و جهات مختلف توسعه شهر سه تری زیر مورد مطالعه قرار گرفت:

۱ - تری شماره یک مینای پسر پیروی از جهات فعلی توسعه و تکامل شهر -

۲ - تری شماره ۲ مینای بر توسعه شهر درکادر وسیع تر رشد و توسعه اقتصاد منطقه ای -

۳ - تری شماره ۳ که معادلی از دو تری بالاست مینای بر تبدیل شهر بصورت یک مرکز صنعتی و اداری است که در عین حال زمینها را برای تبدیل اهواز بیک مرکز بخش محصولات کشاورزی و صنعتی منطقه فراهم خواهد ساخت -

مرکزیت و موقعیت جغرافیایی شهر اهواز درکادر استان خوزستان - مجاورت آن پاره آهن و شاهراه های اصلی کشور و نیز امکانات وسیع بهره برداری از منابع آب و انرژی رود کارون برای تبدیل اهواز بیک مرکز بزرگ صنعتی و اداری کشور وضع ایده آلی بوجود آورده است -

چنانچه این تری مینای تحویل آینده اهواز قرار گیرد و بعبارت دیگر در صورتیکه دور نمای تکامل آتی شهر بصورت یک شهر بزرگ صنعتی و اداری مجسم شود بدون است که تمام برنامه های عمرانی و اصلاحی شهر باید با آن هدف هماهنگی داشته و ناظر بر منظور مطلوب باشند -



۱ - خیابان پهلوی پس از تبدیل به بازار مرکزی شهر

۲ - ساحل کارون

در صورت اجرای این تری باخرج کم و تغییرات جزئی مشکلات موجود شهر حل خواهد شد و محیطی سالم و مطبوع برای زندگی - کار و تفریح مردم شهر بوجود خواهد آمد -

نیل بهطورهای فوق مستلزم عوامل زیر است:

۱ - اتصال قسمتهای مختلف شهر آگه بعطت توسعه نامنظم و بدون برنامه از یک طرف و عدم امکان استفاده از زمینهای موسسات و مالکیت های بزرگ از طرف دیگر بوضع نامطلوب درآمده است؛ به وسیله یک شبکه عوارز ارتباط -

۲ - حل مسئله عبور راه آهن از مناطق مسکونی نامحدود امکان -

۳ - پیش ریزی منطقه صنایع پنجمی که بتواند با نیازمندی های توسعه صنعتی شهر در بیست و پنجسال آینده هماهنگی کند -

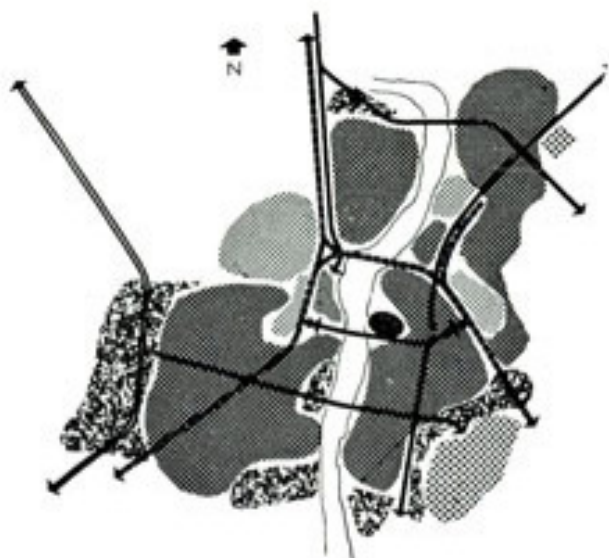
۴ - تامین تفریحی ارتباط شهر باقراء اطراف بمنظور آماده کردن زمین برای تبدیل آینده شهر بمرکز بخش وسدور محصولات -

در راه اجرای این برنامه انجام اقدامات زیر ضروری خواهد بود:

۱ - آماده کردن زمین برای تصویب و اجرای قوانین منجر و روشن پنجمی که بتوان به مرجع

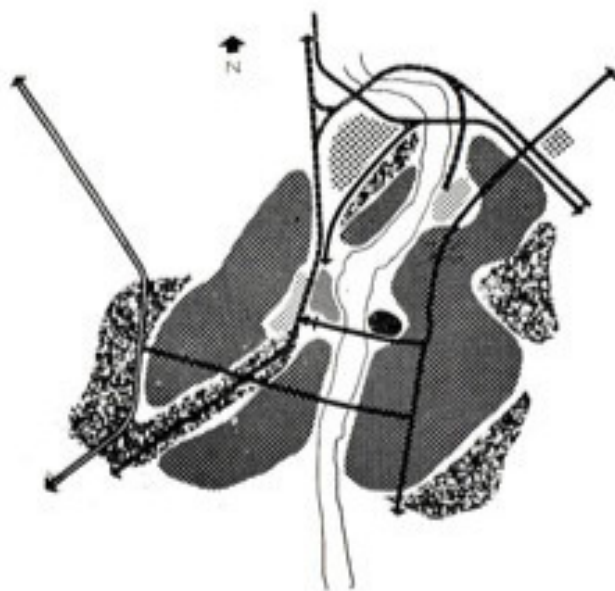


نقشه شماره ۱



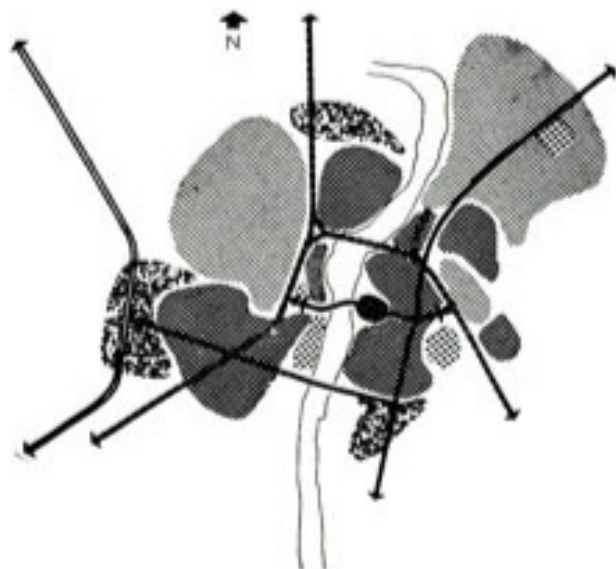
- ← حرکت‌های اصلی
- ← راه آهن
- سکونی
- تجارتی
- اداری
- صنعتی ، سیلوها و انبارهای پخش
- پارکها و مناطق سبز
- زمینهای متعلق به ارتش - راه آهن و شرکت نفت

نقشه شماره ۲



- ← حرکت‌های اصلی
- ← راه آهن
- سکونی
- تجارتی
- اداری
- صنعتی
- پارکها و مناطق سبز
- زمینهای متعلق به ارتش - راه آهن و شرکت نفت

نقشه شماره ۳



- ← حرکت‌های اصلی
- ← راه آهن
- سکونی
- تجارتی
- اداری
- صنعتی
- پارکها و مناطق سبز
- زمینهای متعلق به ارتش - راه آهن و شرکت نفت



پل معلق کارون

شرقی راه آهن اهواز - بندر شاهپور (زمینهای جنوب شرقی ایستگاه کارون) به صنایع سنگین، - اختصاص منطقه‌ای در دو طرف جاده تهران - خرمشهر به منطقه صنایع سبک -  
 ۶ - پیش بینی یک مرکز ناووی برای توسعه آینده شهر در مجاورت کوی گلستان -

**تأمینات آب -** ظرفیت تأسیسات موجود آب آشامیدنی اهواز ۱۵۰ لیتر برای هر نفر در روز محاسبه شده است که کافی بنظر نمی‌رسد - در طرح جامع پیشنهاد شده است که مصرف‌سرايه آب دستکم از فرار ۲۰۰ لیتر در روز که به مراتب کمتر از معیار های متداول در ممالک متحده آمریکا و اروپا است احتساب شود -

با این ملاحظه ظرفیت تصفیه خانه ها برای ۷۲۲۰۰۰ نفر که جمعیت پیش بینی شده شهر در سال ۱۳۷۰ است باید ۱۴۶۹۰۰ متر مکعب در روز باشد -

ضمناً حدود آبرسانی شبکه نیز باید با حدود طرح جامع اهواز تطبیق داده شود -

**تأمینات فاضل آب -** طرح اولیه گشای فاضل آب شهر اینک در دست اجراء است که با در نظر گرفتن قسمت صنعتی و توسعه آینده شهر حدود آن کافی بنظر نمی‌رسد - ضمناً در مورد انتخاب محل تخلیه فاضل آب باید دقت

آنها برای اتصال قسمتهای مختلف شهر و توسعه آینده آن از زمینهای مالکینها و موسسات بزرگ استفاده کرد -

۲ - تغییر مسیر قسمتی از راه آهن که در حال حاضر از منطقه خرمشهر میگذرد و اتصال آن با تپار های شرکت نفت از بیرون این بخش مسکونی -

۳ - تعیین محل صنایع سنگین در جنوب شرقی شهر دور از مسیر باد و در کنار راه آهن و جاده کامپونرو و محل صنایع سبک در شمال شرقی شهر و کنار جاده کامپونرو -

۴ - تکمیل شبکه فعلی شهر بندری که راه توسعه شهر در سال های بعد از ۱۳۷۰ نیز باز گذاشته شود -

هنگام تجدید نظر در طرح جامع در جزئیات ترمذکون تغییراتی داده شد که اهم آن به شرح زیر است :

۱ - محدودیت توسعه شهر در جهت غرب از راه آهن به بعد -

۲ - پیش بینی جمعیت برای آمار ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ اینچنین آمار اخیر قبل از تجدید نظر در طرح جامع در دسترس نبود -

۳ - پیش بینی توسعه شهر در جهت جنوب و در امتداد رودخانه -

۴ - اختصاص منطقه شمال

ها موجب خرابی مجدد و خرج اضافی نکردد - اصولاً بهترین موقع برای احداث فاضل آب - لوله کشی آب - کابل کشی برق و تلفن و احیاناً لوله کشی گاز پیش از شروع به اجرای دیگر قسمت های طرح جامع است -

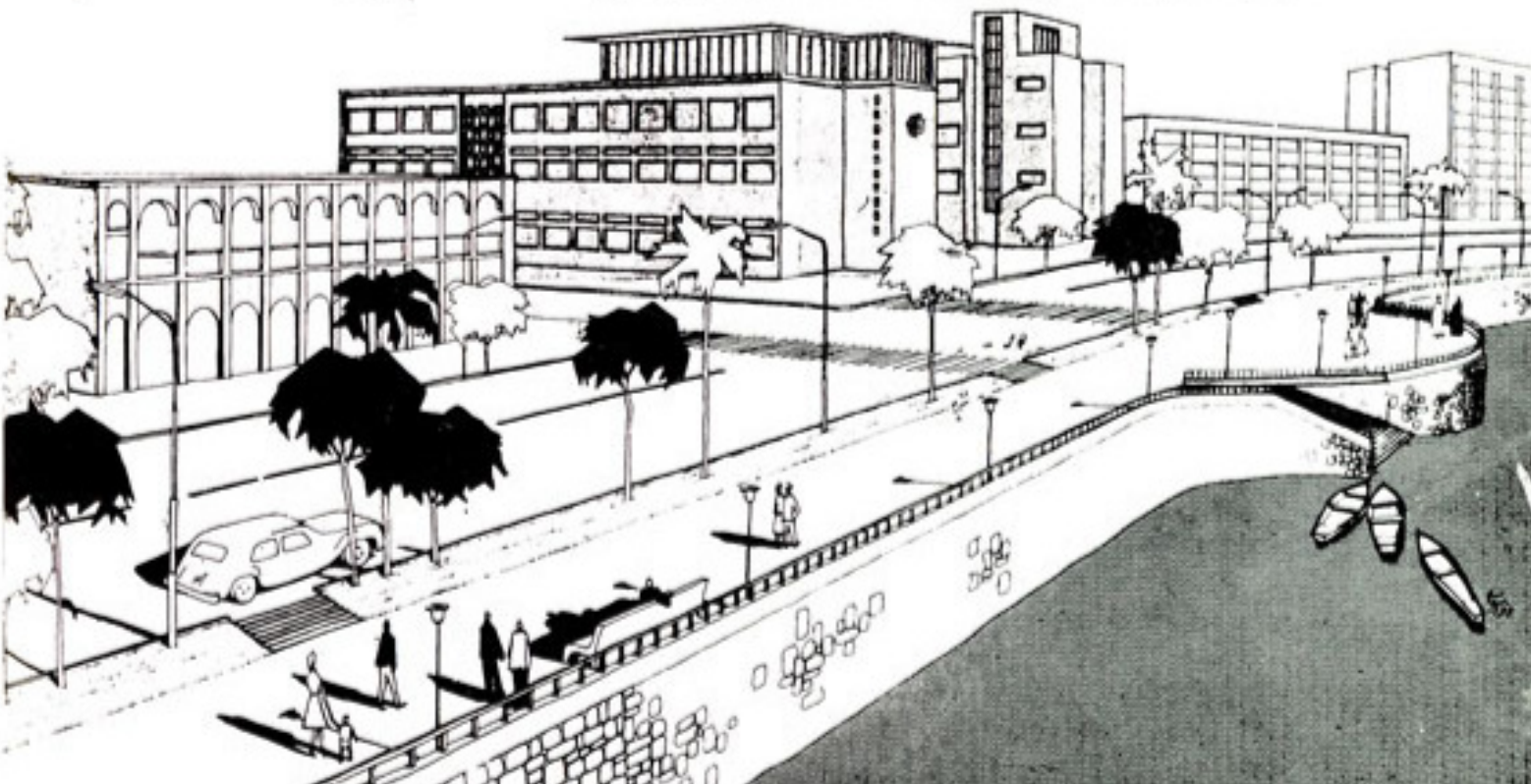
**تأمینات تلگراف و تلفن -** چون اهواز در آینده بصورت یک شهر بزرگ صنعتی و اداری درخواهد آمد - ارتباط داخلی آن و ارتباط آن با دیگر شهر های کشور و حتی خارج از کشور نیز باید مرتب و کامل باشد - حدود شبکه موجود تلفن غیر کافی بوده و باید بر اساس برنامه های طرح جامع توسعه یابد -

شود نادر منطقه توسعه آینده شهر قرار نگیرد -

**تأمینات برق -** از آنجا که برق شهر از سد در تأمین میشود مساله ظرفیت تولید برق را باید حل شده دانست و تنها موضوعی که در این زمینه باقی میماند کابل کشی - افزایش روشنایی خیابانها - تعویض تیر های کهنه برق و تأمین روشنایی کامل خیابانهای پیشنهادی در ساحل رود کارون و دیگر نقاط شهر است -

موضوع مهم و شایان توجه شهرداری کابل کشی هر خیابان پیش از آسفالت آن است لذا بعد

موقعیت خیابان ساحلی شرق رود کارون در جنوب پل معلق



بدرستی نمیتوان مشخص کرد که هنر نقاشی در ایران از چه زمانی آغاز شده و سیر تحول آن چه بوده است. چون نمونه‌ها و مدارک قابل اطمینانی موجود نیست که بیاری آنها بتوان دوره های تاریخ نقاشی ایران را دقیقاً تدوین کرد. تحول نقاشی در ایران همواره بواسطه حمله اقوام مختلف با گسستگی‌هایی توأم بوده است.

از دوره‌ی ساسانی قطعه‌ی نقاشی بدست ما رسیده، ولی اعتلای فرهنگی ایران در آثرمان و به‌ویژه پیشرفت قابل ملاحظه‌ی معماری و حجاری و فلزکاری و غیره دلیلی است بر توجه به هنر نقاشی. اما بهر حال دانش ما راجع به نقاشی قبل از اسلام تاکنون ناقص مانده است. اکتشافات فون لسوکوک و گرینویدمحققین آلمانی و حفاریهای شهری و سامره و تورفان نیز ما را فقط اندکی با آثار مانوی‌ها و نقاشی دوره‌ی ساسانی آشنا می‌سازد.

بعد از اسلام نوعی نقاشی در ایران گسترش یافت و خارجیان بعلت نام مینباتور بر آن گذاردند، که در واقع هنر مصور کردن کتب است.

هنر تصویر سازی کتب لااقل از عهد مانی در ایران متداول بوده است و هر چند در نقاشی ایران، تاثیر سنت های چینی قابل انکار نیست ولی نباید - بنا به اعتقاد گروهی این هنر را صرفاً ره آورد مغولان از چین بدانیم. تاثیرات هنر چینی در سنت های قدیم تر نقاشی ایرانی حل شدند و در آثاری که امروزه بعنوان تصویر سازی در ایران بعد از اسلام می‌شناسیم، کارا کتر خاصی را می‌بینیم که با نقاشی چینی تفاوت آشکار دارد.

جاذبه و اثر خوشایند نقاشی ایرانی آنی است. اولین تاثیر آن بر روی بیننده، ظاهری است از رنگهای زنده و فبگورهای ظریف که در سرزمینی خیالی در حرکتند. سپس درخشندگی کامل و دقیق تکنیک، در آخر،

مهارت تنظیم خطوط، ظرافت و اغلب هماهنگی بی‌سروای رنگها و اثر ساده‌ی کمپوزسیون منظم آنها، بیننده را تحت تاثیر قرار میدهند.

اما هنرمند ایرانی کاملاً ناخود آگاهانه کار میکند از آنجا که از نظر موقعیت اجتماعی يك فرد هنرمند و با مهارت محسوب میگردد، کار او متضمن هیچ کوششی برای تهذیب و راهنمایی و آگاهی دادن نیست. تنها هدف او اینست که سلیقه و پسندسوارش دهنده‌ی خویش را اغنا کند و تصاویری موثر از موضوعی که باو پیشنهاد شده‌است، بوجود آورد. هنر او در حقیقت هنری تربیتی است و این همان چیزی است که بطور کلی در نقاشیهای قدیم ایرانی باید مورد توجه قرار داد. بنا بر این یکی از معیارهای بیننده، برای دستیابی به جاذبه‌ی نقاشی ایرانی - توجه به تفهیم فوری آنست - تصویر هنگامی موفق است که مقصود خویش را آنا به بیننده منتقل سازد. کار نقاشی ایرانی، در حقیقت، با افسانه‌هایی که او برای مصور کردن برگزیده، وابستگی زیاد دارد. بطوری که يك طرح ساده و مستقیم و بی تکلیف و حتی ابتدائی با نوعی عظمت و شکوه افسانه‌یی، عرضه میشود.

هر چه ساده‌تر به نقاشی ایرانی نزدیک شویم، شناسایی ما نسبت بان سریع‌تر است. ولی این بدان معنی نیست که همه میتوانند درک آنی نسبت بان داشته باشند. چون موانعی در راه است: در وحله‌ی اول باید توجه داشت که نقاشی مانند تمام رشته‌های هنر شرقی بر پایه‌ی يك سلسله قراردادهایی بنا شده‌است که با سنتهای رنسانس در اروپا متفاوت است. و این امکان دارد، بیننده را دچار اشتباه کند (چون متاسفانه حتی بیننده‌ی ایرانی نیز کم و بیش، هر نوع نقاشی را با معیار این سنت ها ارزیابی میکند نقاشی ایرانی «مطرح از روی طبیعت» نیست: نقاشان ایرانی همیشه «خارج از طبیعت» و

بیاری اندوخته‌ی ذهنی خویش طرح میکردند. عبارت دیگر «چون جوهر و اصل اشیاء مورد توجه نقاش ایرانی است نه عرض آنها که در معرض نور و تاریکی و دوری و نزدیکی است، این است که نقاش ایرانی عین اشیاء را همانگونه که در ذهن مجسم میکند و کاری بطرز قرار گرفتن اشیاء در طبیعت ندارد» از سایه‌ها و تاریکی و روشنایی اشیاء استفاده نمیشود زیرا ذهن هنرمند باو میگوید که، سایه فانی و زودگذر است، پس چرا آنرا باید بکار گرفت؟

با آناتومی و پرسپکتیو نیز آنطور که در هنر اکادمیک مغرب زمین وجود دارد، توجهی نمیشود اولاً باین دلیل که مانند هر عنصر دیگر در نقاشی ایرانی فبگورها بیشتر سمبول های خیالی هستند تا تصاویر اشیاء و اشخاص همانطور که واقعا دیده میشوند:

ثانیاً در دید نقاشی ایرانی نوعی «خیال‌بگری» وجود دارد. و مهمتر آنکه، هنرمند ایرانی بان اصولی معتقد است که او را به سوی ایده‌های رهبری کند و هر آنچه مغایر باشد از روی غریزه نمی پذیرد. مثلاً در يك قالی هرگاه طبق اصول صحیح پرسپکتیو تصویر شود، نقوش ظریف و منظم و طرح غنی و غامض و حتی رنگهای آن در گون میشود. و این امری است که خلاف نظر نقاش ایرانی است. و باین جهت او این اصول را رعایت نمی‌کند. گلها و گیاهها در نقاشی ایرانی، عظمت خاصی یافته‌اند و گاهی حتی بان اندازه‌ی نسیی يك اندام انسانی نقش شده‌اند. و این بلاشک بدان منظور است که بیننده قادر به درک و تحسین ظرافت و زیبایی هر برگ و غنچه باشد.

در نقاشی ایرانی همه چیز با وضوح و روشنی، بان اینکه نور شدید آفتاب بر آنها تابیده، تصویر میشوند حتی اگر واقعه‌ی داستان در تاریکی اتفاق بیفتد، ماه و ستاره و یاشمع و چراغ فقط بعنوان کنایه‌هایی از شب نقش میگردند.

تنظیم: از طالار قندریز

# نقاشی قدیم ایران

هنرمند ایرانی در تصاویر خود، ابتدا باری چند راهنمایی کوچک، بستند رادر فضای داستان خویش قرار میدهند. سپس او را با آن فضا مأنوس میکند. برای دیدن و درک این آثار ظریف و اریستو کرافیک باید معیارهای خاص آنرا پیدا کرد. و در آنصورت عدم رعایت قوانین پرسپکتیو، نور و سایه و آناتومی و یسا دگرگونی اشکال و رنگهای طبیعی، تعجب انگیز نخواهد بود.

\*\*\*

از نظر تاریخی، نقاشی ایرانی بعد از اسلام رامیتوان به چهار دوره تقسیم کرد: دوره اول بنام دوره عباسی یا «مکتب بغداد» معروف است که از قرن دوم تا قرن هشتم هجری ادامه دارد. ولی کلا آنرا نمیتوان یک مکتب ایرانی خالص دانست، چون نقاشان غرب نیز در بسط و گسترش آن کوشش کردند.

در این مکتب بیشتر داستانهایی که از زبان یونانی ترجمه شده بود و یا ترجمه های عربی افسانه های هندی منسوب به پدیدامی حکیم و یا قصص مقامات حریری، تصویر میشد، از آثار ایندوره بدلیل حمله مغول نمونه های اندکی باقیمانده است ولی بطور کلی نوعی رالیسم خام و نیز تأثیری از هنر بیزانتین در آن دیده میشود. مقارن با حمله مغول در شهرهای تبریز و شیراز و سمرقند و مرو، مراکز و وجود داشت که هنرمندان گمنامی در آن جمع بوده اند.

پس از حمله مغول دو نسل لازم بود تا تمدن ایرانی بر قوم فاتح تأثیر بگذارد و مراکز جدید هنری در ایران پدید آید. هلاکوخان و فرزندان و نواده های آنها برای ترقی نقاشی کوشیدند و زمینه را فراهم آوردند، بلکه وسیله نفوذ نقاشی شرق دور در نقاشی ایران شدند.

در این دوره نقاشان متوجه موضوع های جدید میشوند: از سویی تجسم وقایع و حوادثی که در زوایای تاریخ نهفته بود رواج میگردد و از سوی دیگر رفت و آمد با چین، کار هنرمندان چینی عهد سونگ در نقاشی ایران نفوذ میکند بهترین نمونه ایران نفوذ تصاویر دشت و تپه و ماهور در آثار این دوره است که مستقیما از چین گرفته شده و با ذوق ایرانی آمیخته گشته است.

ایندوره نقاشی که به دوره مغول معروف شد مقارن با قرن هشتم هجری بود و در بغداد و تبریز دو پایتخت مغولان - راه تکامل پیمود. «جامع التواریخ» وزیر رشدالدین، شاهنامه فردوسی و قطعات خنسه نظامی و اشعار خواجوی کرمانی، موضوع نقاشی شد. رنگهای تیره، فیکور های عظیم الجثه مغولی و حیوانات موهوم و خیالی چینی و خشکی و بیروحی حرکات آدمها و چین و شکن جامه ها از مشخصات

ایندوره است.

در اواخر قرن هشتم هجری، تیمور از نواحی مرکزی آسیا با ایران حمله کرد. با روی کار آمدن او هماغطور که وضع تقسیمات آسیای غربی از نظر سیاسی بهم خورد، مرکز صنعت و فرهنگ نیز بجای دیگر منتقل شد: سمرقند. تیمور گورکانی میخواست در مقابل تبریز و بغداد، مرکز مهمتر و معتبرتر بوجود آورد. در سمرقند علاوه بر نقاشی و مصور کردن کتب، نوعی ورقه های نقاشی با مرکب کم رنگ و معمولا ملاسی رواج یافت که اصل آن بر اثر مرآه از خاور دور آمده بود ایندوره - دوره تیموری پلانک عصر طلایی نقاشی ملی ایرانی است.

بایستقر میرزا - که خود خوشنویس بود - در زمان شاهرخ میرزا (قرن هشتم هجری) نگارستان هرات را تاسیس کرد. این مدرسه که در دوره سلطنت سلطان حسین بایقرا بوج ترقی خود رسید یکی از مراکز عده هنری در آلمان بود و هنرمندان برجستیی در آن گرد آمده بودند. شیوهی کار این هنرمندان بر نقاشان قرون بعد تأثیر زیادی گذارد. از جمله ی این هنرمندان - استاد گرانقدر کمال الدین بهزاد (۹۱۵ - ۸۴۵) را میتوان نام برد.

از خصایص اوایل ایندوره - رنگ سرخ زمینی تابلوهاست (اواخر قرن هشتم) که رفته رفته تبدیل به آبی سبز میشود و سپس در قرن نهم رنگ طلایی جایگزین آن میگردد. تجسم طبیعت غالبا بصورت تپه و ماهور و صخره های برآمده و درختان پراکنده و جویبار و چشمه صورت میگردد. تا قبل از بهزاد هنوز در حرکات آدمها نوعی خشکی و بیروحی بچشم میخورد ولی از تعداد فیکورها کاسته شده است. ترقی و تکامل نقاشی عهد تیموری و شروع دوره صفوی مرهون بهزاد است. بهزاد تا سال ۹۱۲ هجری نگارستان هرات را اداره میکرد و در همین حدود توسط شاه اسمعیل صفوی به تبریز برده میشود قبل از روی کار آمدن بهزاد نقاشان مکتب شیراز و مکتب اول تبریز (از جمله مولانا میرک، معلم بهزاد) برای ایجاد مکتب هرات همکاری کرده اند. بدین معنی که بهزاد هنگامی قدم در میدان کار گذاشت که نقاشی مکتب هرات رو به تکمیل میرفته و این نقاش از تجربه ی گذشتگان سود بسیار برداشت.

از مشخصات مکتب هرات که آنرا از سایر مکتب ها متمایز میکند رنگهای گرم و روشن (برخلاف رنگهای تیره ی مکتب شیراز) و خصوصا طلایی است. بعلاوه رابطه ی متن با صفحات مصور بسیار نزدیک است کمپوزیسیون ها تغییر کرده اند. فیکورها از چند نقطه ی کادر اصلی تابلو خارج میشوند حرکات اشخاص آزادتر از سابق است و سبک تزئین شبراز بسیار متفاوت میباشد. مخصوصا در

آثار بهزاد کشش زیادی بسوی ناآرالیسم دیده میشود و این موجب زایل شدن فرمالیته قدیم میگردد.

چهارمین دوره نقاشی ایرانی، عهد صفوی است که دو پایتخت صفویه - تبریز و اصفهان - مراکز آن بودند. در تبریز بهزاد شاگردان زیادی داشت و تا آخر عمر بکار تدریس پرداخت. از نقاشان مکتب دوم تبریز میتوان به سلطان محمد و مظفر علی و میرزا علی و میرسیدعلی اشاره کرد. مکتب تبریز بعدها تا دربار عثمانی نیز گسترش یافت در تاسیس مرکز هنری قسطنطنیه مؤثر واقع شد.

بعد از تبریز، بهمت شاه عباس، اصفهان مرکز هنرمندان و نقاشان شد. و در این مرکز بود که نقاش برجسته ی دیگر ایرانی: رضا عباسی کاشانی، پدید آمد «باغبرضا» عباسی که خوشنویس بود اشتباه نشود، علاوه بر نقاشی نقوش کاشیهای رنگین مسجد شیخ لطف الله و نقش و نگار دیوارها و درهای قصور اصفهان از آثار اوست.

در نقاشیهای دوره صفویه، شکوه و عظمت این عصر هویدا است. بیشتر موضوعها مبین وضعیت زندگی درباری و طرز روحیات اشراف و رسوم کاخهاست. فیکورها معدودتر و آدمها با قامت های رسا و پوششهای فاخر با عنایه و دستار، تصویر شده اند. رنگها تنوع زیاد یافته و گرایش بطرف رنگهای روشن بیشتر گشته و به تذهیب و تزئین کنارها و حواشی صفحات رونق یافته است.

در دوره صفویه نقاشی از مصور کردن کتب باقرا تر گذاشت و جهره سازی و نقاشی دیواری و غیره باب شد. در اواخر این دوره نفوذ اروپائیان نقاشی ایرانی را از مسیر خود دور کرد و هر چند در دوره فتحعلیشاه تا حدی تجدید حیات یافت ولی سپس روز بروز بطرف آثار تقلیدی و خالی از خلافت سقوط کرد.

بطور کلی در دوره قاجاریه نقاشی بیشتر بسیان مردم آمد و شکل خاصی پیدا کرد ولی هنوز کیفیت و ارزش آن کاملا مورد بررسی قرار نگرفته است. و اینکه چگونه نقاشی امروز میتواند با آن رابطه ی برقرار کند، خود مسئله ای درخور توجهی است.

برای تنظیم این نوشته از منابع زیر استفاده شده است.

- تاریخ نقاشی در ایران - تالیف دکتر زکی محمد حسن مصری - ترجمه ی ابوالقاسم صباح
- دوره ی تحول نقاشی ایران - مقاله ی ابوالقاسم طاهری در مجله ی روزگاران
- مکتب نقاشی هرات - نوشته دکتر بهنام - شماره هشتم مجله ی نقش و نگار
- نظر آقای حاج منصور المکنی در باره ی هنرمینیاتور - شماره سوم مجله ی نقش و نگار

بطور یقین استفاده از فضا در معماری مدرن پدیده‌ای نوظهور است. ما با مسامحه درباره فضای باروک **Badque Gothic** و فضای گوتیک کنیم و درباره اینکه آیا یونانیها احساس استفاده از فضا را در معماری دارا بودند پنهان بحث نمی‌کنیم. اما حتی توانایی تفکر عبارت «فضای معماری» یک کار بزرگ مربوط به اواخر قرن نوزدهم و درجه اول و ازدهای است که متقدمین و پسا مورخین بکار برده‌اند. برای یک آرشیتکت فکر استفاده از فضا و کار کردن در آن ایده‌ای کاملاً مربوط به قرن بیستم و یکی از مواردی است که معماری مدرن را در مقامی برتر از فرم معمولی قرار میدهد. اما فضایی که آرشیتکت مدرن در آن کار میکند از فضای معماری های دوران قبل متفاوت است.

در اکثر ادوار تاریخ فضا فقط در داخل ساختمان موجود بود در خارج فقط طبیعت و بی‌نظمی و نامحدودی بود. هیچ چیز این موضوع را بهتر از نمای بیروح خارجی و داخل با شکوه حمام های رومی و باطریقی که معمار های دوره گوتیک نمای خارجی ساختمان های سنگی را میساختند نداخل آن باشکوه و عظیم جلوه کند نمایان نیسازد زیرا نمای خارجی آن بطور کلی فقط خوب بست بود. مردم دوره رنسانس این روش را تغییر دادند و نمای خارجی ساختمان های این دوره مانند بناهای یونانی بصورت کار های هنری محدود بچشم میخورد. در قرن نوزدهم مفاهیم نقشه

گشی باروک از هم پاشیده میشد. با کمک یک بلیط قطار شما می توانستید در یک روز از حدود هر ترکیب معماری قابل تصویری دور شوید و نامحدودی فاصله‌ای از هر منظره قابل تصویری جدا شد. فاصله فیزیکی سال به سال کمتر شده و هنگامی که یک فرد انسان توانست دور دنیا را در ۸۰ روز پیماید کروییت جهان محسوس تر از زمانی شد که یک **Puck** پیشنهاد کرد که آنرا در ۴۰ دقیقه پیماید زمانی که لیندبرگ **Lindberg** طبق برنامه از نیویورک به پاریس پرواز کرد پیوستگی قاره‌ای پدیدار گشت و طبق نظریه اساسی یک مینستر فولر **Buck Minster Fuller**

جهان بصورت توده خاکی واحد در اعماق اقیانوسی از فضای بیگرا در آمد.

این بی‌انتهایی در اذهان هنرمندان و صنعتگران صنایع پلاستیکی کمی قبل از این زمان در حدود دوره‌ای که پیش از آن گروه های مختلف درباره مصرف فضا و بعد چهارم بحث میکردند رسوخ کرده بود در سال ۱۲ - ۱۹۱۱ نقاشان پیرو کوبیسم در پاریس - تصاویری را نقاشی می‌کردند که فضای آن گرچه تا بی‌انتهایی خیلی فاصله داشت در جنبه های قراردادی و یک دیفرس ایده‌آل جمع نشده بود مثلاً تصویری مانند دختری با ماندولین اثر پیکاسو هیچ محل محو شدنی ندارد و فضای سطحی و کم عمق آن اثر در فاصله‌ای نزدیک پادور در جلوه‌کس یکسان است. در همان زمان در ایتالیا پیروان سبک فویریزم **Futurism**

کوبیسم را برای اصطلاحات سنت و پیرو حشان سرزنش میکردند در فکر فضایی در نقاشی بودند که بوسیله اشیاء در کانونی متمرکز میشد. برای آنها فضا حیوزه نفوذی از اشیاء مجاور بود. بین دو مفهوم از فضای متمرکز نشده ولی محدود و فضای بی‌انتهای مفهوم اصلی از فضا در معماری مدرن بوجود آمد. برای اولین بار در دانمارک و روسیه این فضا بوسیله هنرمندان آبتستره بوجود آمد اما بوسیله فرانسویانی چون **Le Corbusier** ساخته شد.

در این مفهوم فضا اولاً نامحدود است و در همه جهات توسعه پیدا میکند اگرچه در عمل به اشعابات سوی بالا و پائین آن زیاد توجه نشده) ثانیاً این فضا اندازه گرفته و بیان شده و بوسیله ساختمان یا هندسه‌ای نامرئی قابل دوک است. معمولاً این ساختمان نامرئی (ترکیب نامرئی) مستطیل است و معماری تقریباً مانند جدولی سه بعدی که بعضی از خانه‌هایش پرونده‌های خالی با خطوط ضخیم بین آنها تصور شده در بعضی از آثار برجسته **Le Corbusier** مانند ویلا **Villa Savoie** ساوآی این ترکیب بصورت ستون‌هایی یا دیوارهایی در وسط اطاق بچشم میخورد (این حالت در آثار **Mies Vander Rohe**



در ۱۹۲۰ هم مشاهده میشود) این ستون‌ها قسمی از قالب ساختمانی هستند آنها جنبه هندسی فضا را نشان میدهند دیوارها در مقابل آنها قرارداده شده‌اند آنها بازاری آزادانه آرشیتکت را با فضا نمایان میسازند.

گرچه حالت مستطیل بسودن شرط لازم نیست. هنگامی که برای اولین بار یکی از گنبد های **Buck Minster Fuller** را ببینیم فضای مدرن را احساس میکنیم این گنبد هاهمگی دارای ساختمانی با فاعده هستند که محیط هندسی بانفوذی را بوجود میآورند اغلب پوشش نیم شفاف آنها با شتابش یکسان نور از همه جهات میگرد.

ناگنا تصور میشود که فضا در معماری جدید رابطه مخصوصی با ناظر دارد زیرا با ناظر با فضا در حال حرکت هستند این تصور بیشتر رمزی و غیر طبیعی می باشد. اما حقیقت روانی آن برای معماری مدرن ضروری است. از یکسو فضاهای داخلی یک ساختمان باید برای یک ناظر که از مسیر متشکله از راه پله‌ها و سکوها عبور میکند بصورت یک سری پارگی‌ها از فضای نامحدود بنظر آید شاید بهترین مثال برای این منظور فستیوال هال **Festival Hall**

در انگلستان و راه پله‌های **Guggen Heim** در امریکا باشد. حالت دیگر حرکت فضا در اطراف یک ناظر ثابت بطور کلی با حالت بالا از نظر فیزیکی فرقی ندارد اما مضمون غیر فیزیکی آن دقیق تر است.

از زمانی که صاحب نظران قرن بیستم نظریه جدائی بین فضای داخل و خارج را بجا معرفی کردند ما این تصور را درک کرده‌ایم که فضا بصورت جزر و مدی نسبت به ناظر قرارداد دارد. مثلاً هنگامیکه ناظر در خانه است فضا در باغ جاری میشود این که فضا از ناظر فاصله میگیرد را میشوای بعنوان **Axiomatic** شمرد. ناظر منتج تجربه فضایی است و کاملاً **Axiomatic** است اگر بگوئیم که فضا در مسیری مشخص جریان دارد. فضا در معماری مدرن از مرکز یک اطاق ساده جریان پیدا نمیکند این حالت را فقط در فضای معماری دوره رنسانس می توان یافت. در معماری مدرن فضا در گوشه‌ها و لبه‌ها و گریزها و بعضی راه پله‌ها و در

ترجمه شین علوی  
از کتاب: راهنمای  
معماری مدرن نوشته  
**Reyner Bamham**

بشت بعضی اجسام جریان دارد. بهترین نمونه این فضا را میتوان در **Frans Worth House** اثر میس وان دروه در خارج از شیکاگو مشاهده کرد. در این ساختمان فضا بین دو سطح فوقانی و تحتانی قرار دارد این دو سطح محدود کننده سطوح پوشیده در خارج ساختمان هستند سایر قسمتها از کف تا سقف را شبیه پوشانیده و در نتیجه فضای داخل با فضای خارج ارتباط کامل دارد بطوریکه بین دو سطح بالا و پائین هیچ ارتباط مرئی نیست بغیر از ۶ پایه ساختمان که حالت گسترش عمودی در فضای محدود را به

و تحول مدون ساخته شده اند یکی از آنها قصر قدیمی کریستال است که برای نمایشگاه بزرگسال ۱۸۵۱ ساخته شد و از شیشه و فلز است. گرچه حالتی ساده دارد ولی چون پیش از اندازه بزرگ بنظر میرسد که فضای بیانش را در بردارد و به انتهایی مرکب از نور خسته میشود. دومین شاهکار برج ایفل است. در این ساختمان انواع حالات فضای مدون بعلاوه حالات مختص به برج وجود دارد که به ناظر بها مشاهده آن احساس بی آرامشی دست میدهد. این باشد اما شاهکار بزرگ آن نیست. دو شاهکار بزرگ قبل از این تغییر

وجود دارد. هیچ بنای دیگری در دنیا مانند ایفل حالت آزاد در فضا و نداشتن وابستگی به جاذبه زمین حس نمیشود فضا در همه جهات منشعب شده. احساس وابسته نبودن به جاذبه زمین شاید برای بشری که در فضای ماوراء جو قرار گرفته خسته کننده بنظر برسد اما فعلا این شاهکار به نوربست مطمئن ترین منظره را از تجربیات فضایی نسل آینده جلوه گر میسازد. ایستادن بر راه پله های این بنای چندین ساله و احساس فضای آزاد دانستن چیزی ضروری در معماری مدون است. معماری جدید رشد کرده و حالت نازکی و نو-

انواع تکنیک های تازه بوجود خواهد آمد آنهاي که معتقدند که نازکی و جدید بودن در بعضی از فرمها و برخی بناها متوقف نمیشود برودی شاهد رنگ باختن و تپسر معماری جدید خواهند بود و مفهوم معماری جدید بعنوان مکتب نورانی که **Robin Bord** در گفته خود بکار برد دیگر بکار برده نمیشود کسانی که قسمت پیچیدگی معماری جدید را وابسته به یک قسمت از زیباشناسی که ساختن یک فضای بی نهایت و اندازه گرفته شده و متحرک است میدانند مابوس خواهند شد مگر بوسیله ساختمان های مدون فلانی که بوسیله



آن میدهد اما کار این حالت قائم ایجاد یک ریتم است که فضای نامحدود بین دو سطح را اندازه میگیرد و کنترل بکند. تنها قسمت عمودی دیگر که از زمین تا سقف میرسد یک قسمت آزاد است که از یکسوی آن بعنوان بخاری و از سوی دیگر آن بعنوان آشپزخانه استفاده میشود و این نمونه ای از شئی آزاد است که فضا در اطراف آن جریان دارد. و در اغلب کار های میس وان دروه این حالت بکمک سطح تحتانی پیوسته بوجود آمده است این ممکن است خلاصه یا شاهکار کوچکی از فضای مدون

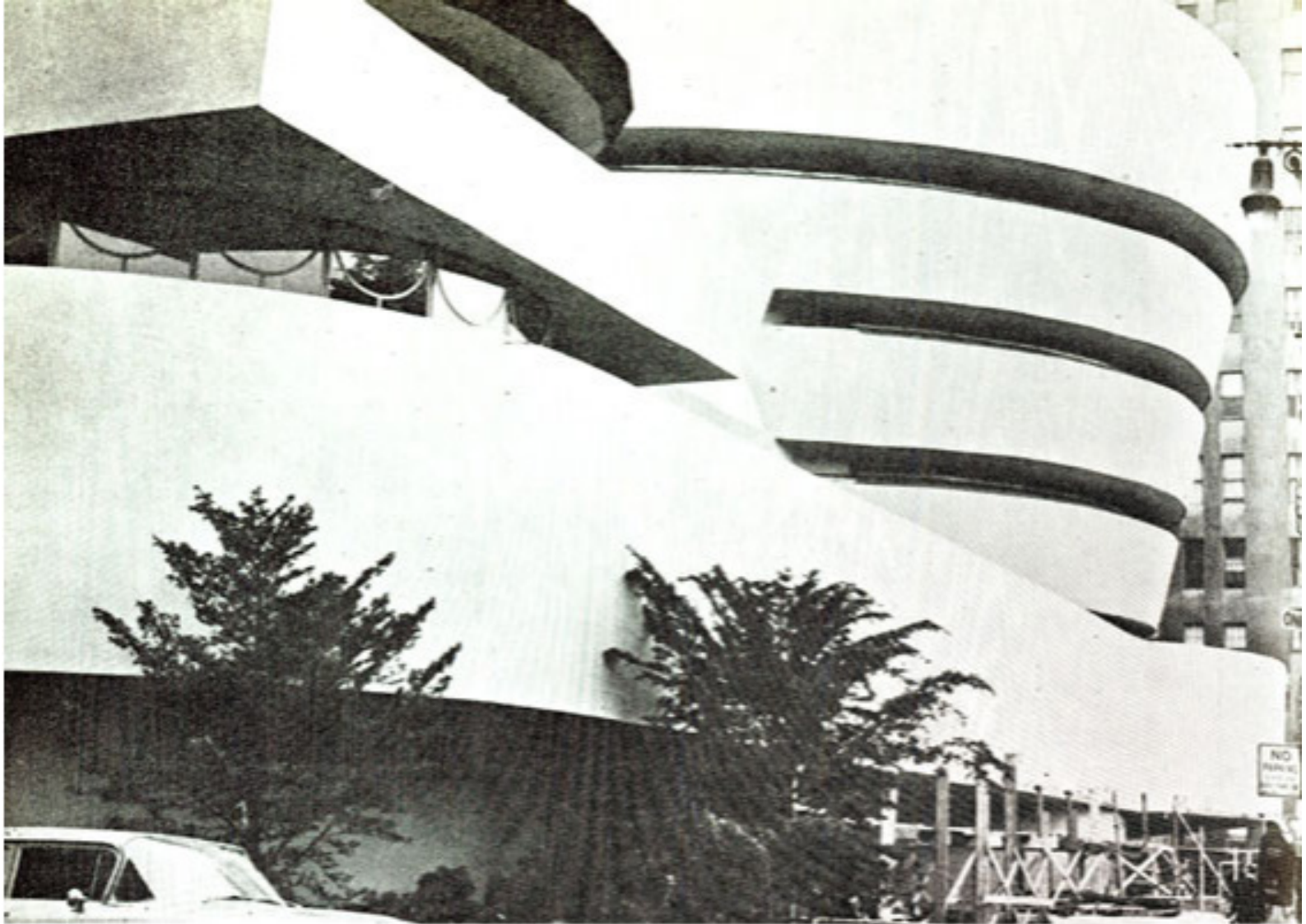
استفاده از فضای نامحدود یعنی ارتفاع زیاد چشم میخورد و فضایی که در پشت بنا جریان دارد با فضایی که ناظر داخل آن در حرکت است کاملا محسوس است. اما از همه شگفت انگیزتر خود برج است فرم هندسی که فضای آنرا کنترل میکند سیستم ساده افقی و عمودی نیست بلکه ترکیبی بیشتر برای مبارزه با فشار باد است تا برای دفع جاذبه زمین (ایفل اولین آزمایش برای کنترل مبارزه با باد بود) البته یک سطح افقی برای تقاطع مورب قسمت های اصلی که بسوی افق جمع شده اند

جوانی خود را از دست داده است اما هنوز با این ماشین فضائی که از اغلب آرشیونگ های امروزه مسخر است برابری نمیکند. معماری جدید با انکاء به خود و هدف شروع به اندازه گیری و تعقیب بخشیدن به امکاناتی که در جلوی آن قرار دارد کرده است و در آینده توسعه آن سریع تر خواهد بود. مشکلات و پدیده های که امروز با آن ها ناز آشنا شده فردا از جلوی آن محو میشود. اولین قسمت فرم است سیستم های ساختمانی نیز کنار می رود اما چیزهای تازه ای پدید خواهد آمد

معماران درجه دو برای مشربهای پیرو لچمل و مد میسازند اما اشخاصی که دنبال فضا میگردند معماری مدون حقیقی را بعضی دیدن تشخیص میدهند و همانگونه که در جهان در هر معماری هر دوره این حقیقت را یافته است.

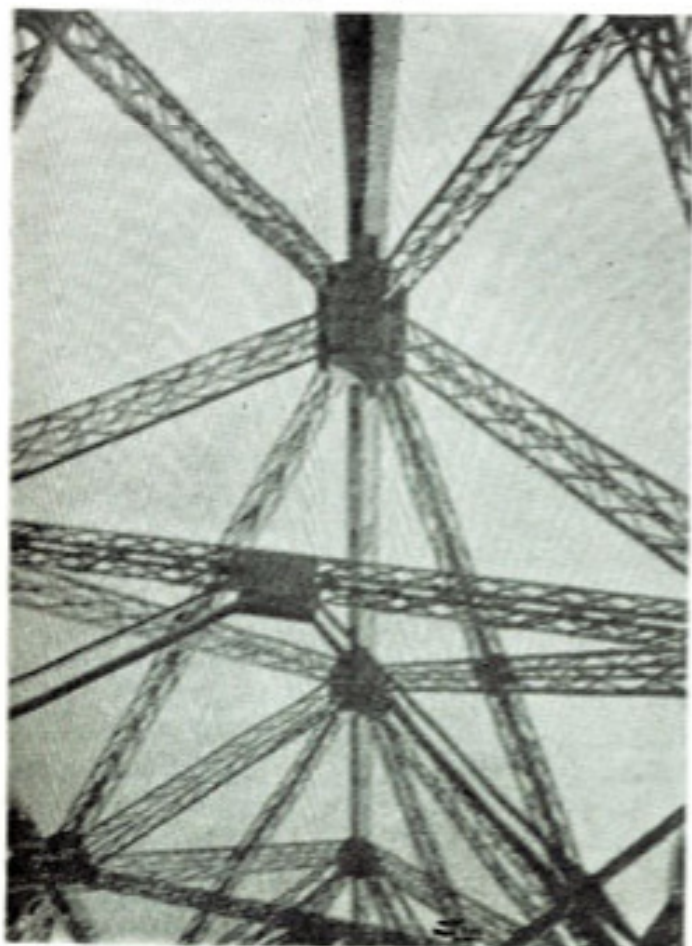
- ۱ - یک پرسیمکتیو داخلی از برج ایفل
- ۲ - عکسی از برج ایفل



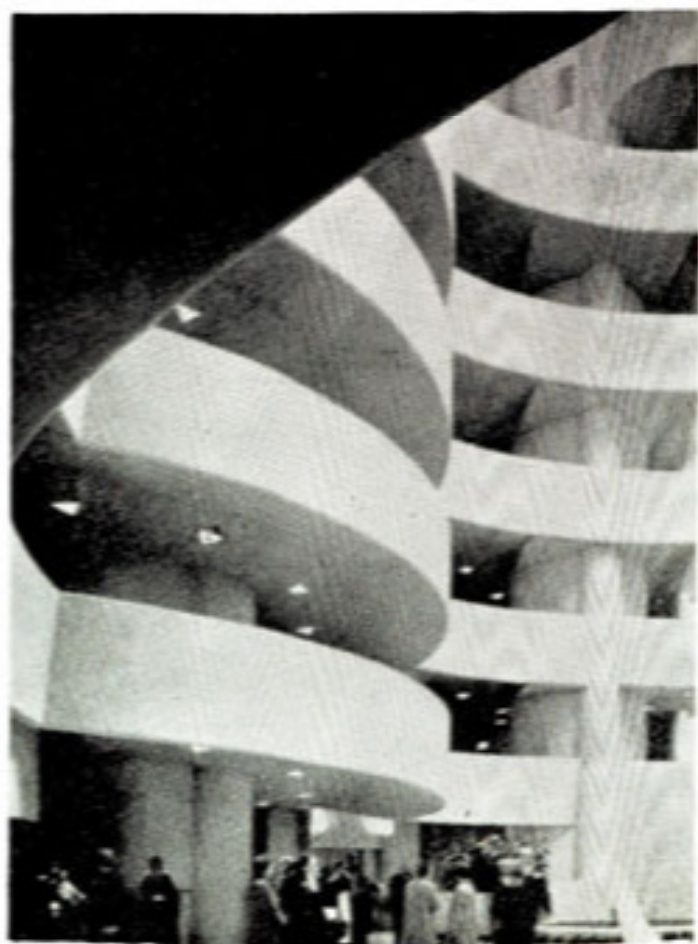


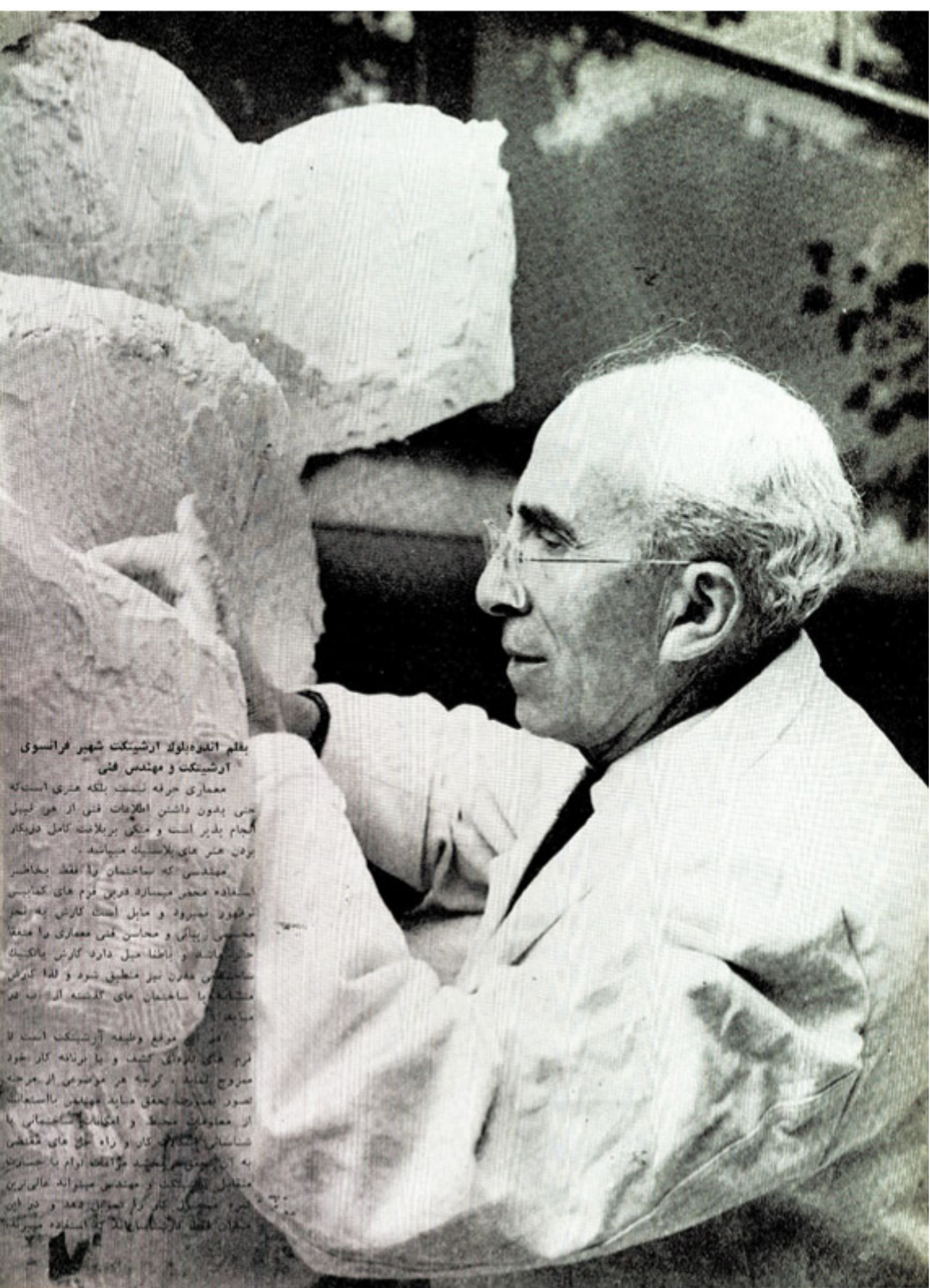
عکسی از خارج موزه

عکسی از داخل برج ایفل



عکسی از داخل موزه گوگنیمهام



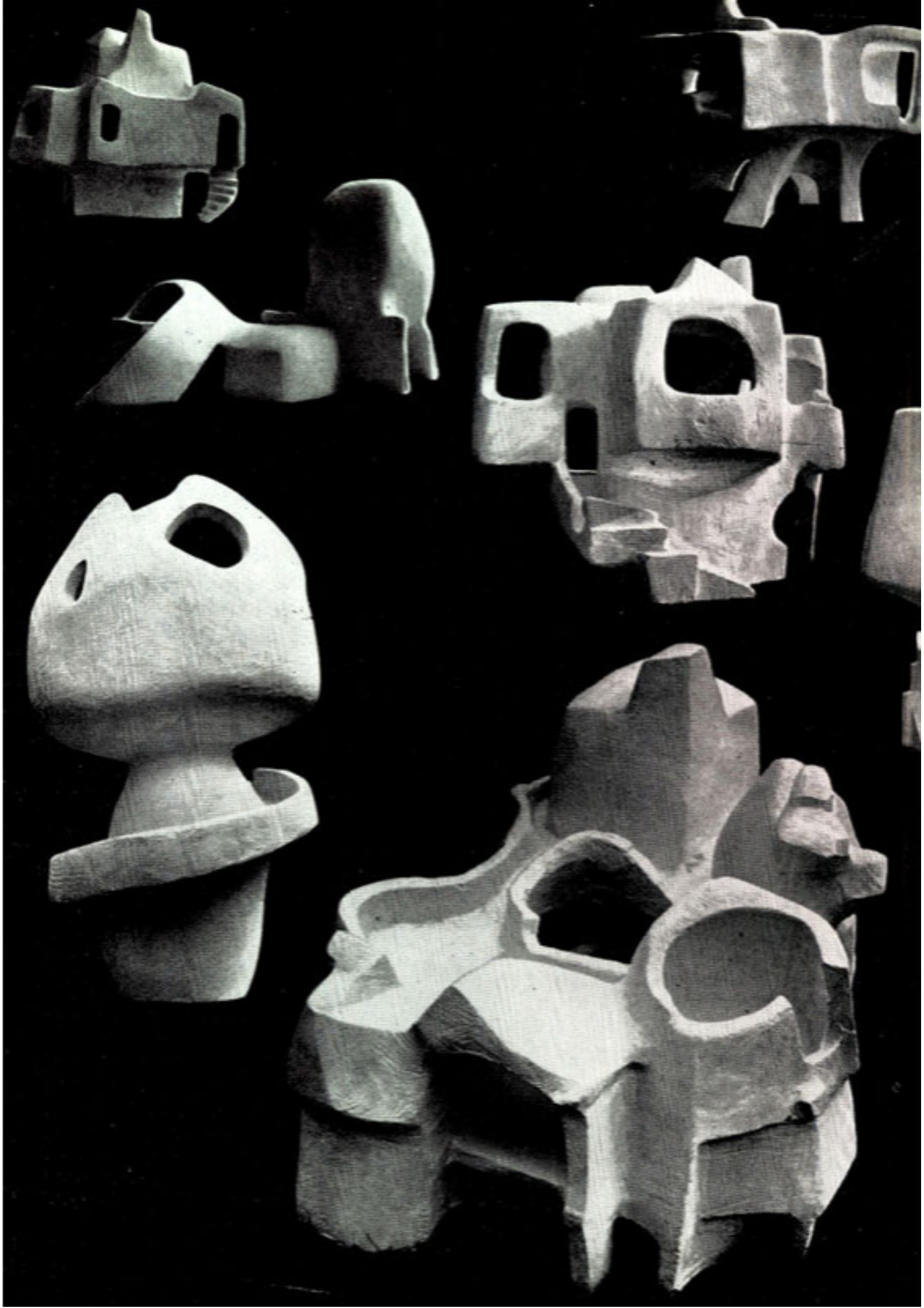


**بقلم انطوان بولوا ارشیتک شهر فرانسوی  
ارشیتک و مهندس فنی**

معماری حرفه نیست بلکه هنری است که حتی بدون داشتن اطلاعات فنی از هنر نیپل انجام پذیر است و متکی بر ابتلاات کامل درونکار بودن هنر های پلاستیک میباشد .

مهندسی که ساختمان را فقط بخاطر استفاده محض میسازد فریب فرم های کفایتی تر ظهور نمیرود و مایل است کارش به نظر محسوس زیبایی و معانی فنی معماری را متعاقباً حاکم نماید و باطناً میل دارد کارش را تکنیک ساختمان مدرن نیز منطبق شود و لذا کارش متشابه با ساختمان های گذشته از آن است که میانه آن

فر آن موقع و طبیعت ارشیتک است لا فرم های انفرادی کشف و یا برنامه کار خود مزبور نماید . گرچه هر موضوعی از مرحله تصور بصورت تحقق نباید چنانچه بااستعداد از معلومات محیط و امکانات ساختمانی یا شناسایی تکنولوژی کار و راه حل های مقتضی به آن موضوع سرچشمه مراقبت اتمام با حسرت متقابل ارشیتک و مهندس میتواند عالی ترین بهره محصول کار را بدون فقد و در این میزان فقط کارشناسان آنرا به استفاده میرسانند



# روش جدید در معماری ایتالیا

از: ویکتوریو تریگوتی

بعقیده من ، روش اخیر در معماری ایتالیا تاریخ جدیدی را بوجود آورده که از سال ۱۹۶۴ شروع میشود .

در این سال روجرز **Rogers** اداره قسمت انتقادی مجله **Casabella** را ترک کرد و بدینسان تریبون اصلی مباحثات فرهنگی و هنری از بین رفت و در نتیجه دوره‌ای مشخص و دقیق در زندگی معماری ایتالیا به پایان انجامید. در همان سال مجله **Edilizia Moderna** شماره جدیدی را منتشر کرد که مربوط به بررسی معماری ایتالیا در دو ساله قبل بود . اهمیت این موضوع بدین جهت است که در این نشریه به تضاد در پاره کارهایی که در این مدت چاپ شده بود پرداخته است .

پارامترهای مورد استفاده در این نشریه راهی برای طرح فرمها بود که نه تنها بعنوان یک مرحله کامل و بر زحمت شناخته شده بلکه بعنوان اولین و بر صرفه ترین راه بوسیله معماری حقیقی انتخاب شده و به تشریح مشکلاتی چون فرم ساختمانی در مرحله معماری پرداخته است .

بهر حال و بطور کلی این گرایش برای اولین مرتبه علاقه های جدیدی را برای تشریح بین المللی و تجربی و تحلیل این روش روی آثار معماری برانگیخت . سال ۱۹۶۴ همچنین از دوره هایی بود که ثابت شده زمان حکم فرمائی و تسلط فرم و وسطائی به زمان علاقه و اختیار تغییر کرده است .

این روش مسائل معماری را مانند زبان اجتماعی بحریان انداخت ، راه های جدیدی را برای ایجاد نمایشگاه بررسی کرده همچنین تصور فضائی در معماری که بعنوان یکی از اصول تابعه مجسمه سازی شناخته شده بود معرفی کرد ، این روش همچنین بر مسائل موجود بین فرم و فونکسیون تاکید کرد و مجموعه‌ای از ایرادات وارده به ارتباط بین فرم و فونکسیون را جمع آوری کرد . باز در همین سال بود که اولین مسوچ افشاشان دانشگاهی احساس شد و یک سری شناسر جدید فرهنگی را پاخود به دانشگاه های معماری آورد و بدینسان اولین اصل برای کوشش بیشتر در سال های آینده پایه گذاری گردید . در این زمان از کار های برجسته‌ای

که برای تازه کردن و احیا این روش انجام شد کم کردن تاثیر مقیاسات و وسائل حرفه‌ای و توسعه جنبه های تئوری و انوی و ایجاد علاقه هایی در زمینه سیاسی و شکل شناسی **Morphology** بود که بوسیله این روش اشکار شد علاوه بریلا بردن و تحقیق دربارہ حرفه معماری ، این روش طبیعت معماری را نیز بالا میبرد .

بحث در پاره این روش در دانشگاه ها سه گروه مختلف ایجاد کرد . گروه اول تصور شهر را بعنوان یک حقیقت هنری **Artifact** قبول کردند . گروه دوم فشرده‌گی و تحقیق در پاره توانین فیزیکی را شروع کرد و سعی کردند که راهی صحیح جهت طراحی بهر مقیاس و میزان پیدا کنند و بالاخره گروه سوم کوشش مینمایند تصور تکنولوژی طرح را جایگزین تئوری های قبلی مربوط به تکنولوژی ماده نمایند .

کار اولین دسته این گروه براساس ارتباط بین تپولوژی شهر و مورفولوژی پایه گذاری گردید . دومین گروه پنظر میرسد که به پیروی از ترک حالت ثابت و گرایش به حالت تحرک و وابستگی به ترکیب عناصر مرز شده درخلق یک اثر معماری پرداخته‌اند . این گرایش بطور مشخص پنظر میرسد که مجموعه‌ای از قبول زیبایی شناسی در ترکیب و کوشش های وسیع در زمینه های استفاده از تجربه در خلق آثار بدیع وچگونگی استفاده از راه های بررسی و تشریح در معماری می باشد . این روش برمسائل شهری تاکید نمی کند اما کوشش مینماید که هم خود را بر هدفی که خلق آثار نو و نمونه های جدید است بنحو گسترده و کلی باصورت فشرده متمرکز نماید .

قسمت اعظم ارتباط بین این دو موقعیت تجربی روی ساختمان شهری است که در فلورانس بحریان گذاشته شده است . آنها از آزادی ماده که در روش دوم موجود است اقتباس کرده و از اهمیت نظریه تشکیل شهر در مرحله ابتدائی استفاده کردند . بیروان روش سوم سعی طرح به کار های پر زحمت را که از ارات مکرمدوره **Ulm** و استفاده از تجربه های امریکائی روش اخیر میباشد الهام گرفته‌اند .

به چه مقیاسی عناصر مثبت در روش تئوری انوی برای حل مسائل پیچیده شرکت داده شده و به مرحله عمل گذاشته شده است ؟ از چه طریقی امکان دارد که سطح تجربیات حرفه‌ای را به سطح تحقیقات نزدیک کرد ؟ بسیار مشکل است که باین سئوالان پاسخ گفت .

محصول کار حقیقی آرشیپنکت های ایتالیائی در طی این چهار سال چه بوده و چه کسانی در زمره افراد برجسته این مدت زمان بوده‌اند ؟ در وحله اول باید به بررسی دل های انجام شده توسط کارلوا اسکارسا

**Carlo Scarpa** و انور سوتاس **Ettore Sottsass** پرداخت . هر دو دارای تجربه در طراحی ، کار های دستی ، دکوراسیون و معماری بوده و موفق شده‌اند که ارتباطی بین کار های عملی و روش کارشان بوجود آورند . هر دو آنها سعی‌مانه به هنر جدید علاقه‌مندانه و عمیقاً ریشه های مکتب وین را کنار گذاشته‌اند . در خلال سال های اخیر اسکارسا چند موزه بوجود آورده است ، چند ساختمان را طراحی کرده و مغازه هاییکه چگونگی و طبقه بندی بنحو مطلوب در آنها دیده میشود حسن موازنه و تفاوت نسج فضائی وی را در خلق اینگونه آثار مبرساند .

طرحی که بوسیله سوتاس کشیده شده و الهامی از دانش وسیع ادبی ، نقاشی و تائیری از معماری شرقی میباشد بعنوان عدم انتقاد از بعد های فنی پذیرفته شده است . در رم اسکریپانتی **Scripanti** تنها هنرمندیست که تحت تاثیر تشریح روش تجربه‌ای فوق قرار گرفت ، در فلورانس می توان ساویولا **Saviola** و ریچی **Ricci** و ایسوتا **Isotta** را نام برد .

این روش یک صفت عمومی ست که در نسل های نرون وسطی وجود داشته و حتی بسیاری از روش های مستقل نیز نمی‌توانند از یکار بردن آن اجتناب نمایند . تقریباً این خصوصیات همگی در لدریس و انتقادات وجود دارد و با اندازه‌ای در کار های حرفه‌ای نیز وارد شده و نمایشگر اینست که روش فوق در حرفه ها کمی توزیع شده است ، جنبه انتقاد آهز مسئولیت طرح منوجه فرم است این آرزو نه تنها موقعیت ذهنی و باطنی افراد را نادیده میگیرد بلکه مشخص میکند گسه سیاحت گیتی تنها راهی است که این روش را مورد قبول قرار میدهد .

اتکاه میتوانیم بحث در پاره مسئولیت را شروع کنیم اکنون باید بازگشت بسوی استفاده از روش معیاری و مقیاسی را در معماری پیشنهاد کنیم زیرا بما اجازه خواهد داد در مورد گرایش به حالت دینامیک تضاد تعالیم .

اگر شورشی که بین اپدولوژی و زبان پیش آمده استحقاق این را دارد که دو پاره بعنوان اصل در محله طرح مورد استفاده قرار گیرد ، این روش هنوز بعنوان یک الزام برای ما باقی مینماید که بهر سبب ناچه اندازه حقیقت بعنوان یک عامل توسعه و یا عامل منحرف کننده‌ای در این روش تاثیر داشته و به چه مقیاس راه را برای امکانات جدید در دنیا باز پایسته است ؟

توضیح عکس : از راه های میکولوجی  
معمار معروف ایتالیائی



## تأثیرات کلیه و وضع زندگی

اگر بیشتر بوضع کنونی شامل وضع زندگی و سنت‌ها و نوانالی مالی عمومی توجه نمائیم متوجه میشویم که صنعتی نمودن ساختمان بسته به حل دو مسئله اساسی است و این دو مسئله هم که در نظر اول با یکدیگر تضاد کامل دارند از این فرار میباشند .

۱- صنعتی ساختن سریع برای فرآوردن خانه بیشتر در زمان کمتر با بهای ارزاتر هرچه که ممکن باشد .

۲- بکار واداشتن حداکثر کارگران محلی برای جلوگیری از بیکاری که خود مصیبت خطرناکی برای کشور های در حال رشد بشمار میرود . معنای این کار اینست که کار فراوان تهیه شود و تعداد کثیری از کارگران در تمام رشته های صنعتی ساختمان سرگرم کار گردند .

اگر این دو مسئله اساس برنامه های مهندسی را تشکیل دهند نتیجه مسئله آن اینست که صنعتی کردن ساختمان در کشور های درحال رشد با کشور های صنعتی و توسعه یافته بکلی با هم متفاوت

## نظریات : دکتر سوزنگار استاد دانشگاه مراکش

# برنامه صنعتی ساختن ساختمانها

خواهد شد یعنی در این دو نوع منطقه روشها و فنون صنعتی ساختن بکلی باهم فرق خواهد کرد .

صنعتی ساختن ساختمان در نواحی پرجمعیت که در آنها احتیاجات معمولاً برآماده بودن مصالح ساختمانی محلی فزونی دارد فرق العاده ضروری است .

صنعتی ساختن به بهای ارزان معمولاً به کارگران متخصص که تعداد آنها نیز زیاد نیست سدعه میزند .

از مصالح مربوط به ترکیبات شیمیایی میتوان اشیاء متعدد با رنگها و اشکال مختلف بدست آورد و این تنها صنعت ساختمانی است که در آینده میتوان بمقدار زیاد از آن محصول بیرون داد و دربار امکانات وسیع ترکیبات شیمیایی و خودکاری تولید را در مقیاس وسیع بالا برد .

حالا ببینیم که جای معمار در این میانه کجا است ؟ امروز همه اذمان دارند که صنعتی شدن به معمار لطمه نمیزند و اگر تعدادی از ساختمانها که با روشهای صنعتی بنا شده اند دارای معیار و مطرودی میباشند تقصیر از معماران آنهاست نه خودسبک و طریقه کار و به این ترتیب مسلم میشود که ایجاد ساختمان های مبتدل رطبی به استفاده از روشهای صنعتی یا غیر صنعتی ندارد .

نوجه به اندازهها و مقیاسهای ساختمانی از طرف تهیه کنندگان طرحها و سازندگان آنها بطور قطع از زیباییهای منسور در ساختمان که از خصوصیات محلی و منطقه ای و سنن و وضع زندگی سرچشمه میگردد جلوگیری مینماید . ولی بطور کلی این نوع مشکلات نیز قابل حل و قابل جلوگیری میباشند .

بنابراین معمار همواره مجبور خواهد بود هدفهای اجتماعی و اقتصادی و فنی معماری را در نظر بگیرد تا بتواند بطور عمیق از امکانات وسیع مصالح وحدت صنعتی شدن ساختمان استفاده نماید .

### ساختمان های عمومی و اجتماعی

ساختمان آموزشگاهها با روشهای صنعتی در کشور های در حال رشد راه درازی را پیموده است . ولی نتایجی که تاکنون بدست آمده زیاد درخشان نیست . منظره این نوع بناها زیاد جالب نیست و با وضع اطراف خود هم آهنگی ندارد . اغلب سوار کردن قطعات مجزای این بناها با شتاب انجام شده و عایق بندی بنا آنطور که باید و شاید خوب درست نشده است . در نتیجه چون بهای آنها هم خیلی گران تمام شده رو به رفته مورد رضایت فرار نگرفته است . در خصوص ساختمان خانه هضم با قدری کم و بیش همین وضع چشم میخورد . آیا به این ترتیب باید نتیجه بگیریم که صنعتی ساختن بناها بیفایده است ؟ ایذا .

از دید روز افزون جمعیت و هجوم آن بشهرها در کتبه کشور های دنیا مسائلی بوجود آورده و هیچیک از کشورها از گرفتاری این مسائل مصون نمیباشند و حتی کشورهای که سالها است صنعتی شده و درآمد ملی آنها شاید چهل برابر بیشتر از کشور های افریقایی است هنوز برای حل این مسائل و رفع گرفتاریهای ناشی از آنها توفیق پیدا نکرده اند . آنچه که برای ما مسلم است اینست که صنعتی شدن ساختمانها بدون تردید قسمت اعظم این گرفتاری ها را برطرف میسازد . در کشور های در حال رشد و توسعه برای دست یافتن به محصول بیشتر و تهیه ساختمان زیادتر تنها راه حل ، صنعتی نمودن ساختمان است ولی برای اینکه نوسل به این راه برای تعداد کثیری از کارگران تولید بیکاری ننماید باید بطریقی عمل نمود که در ضمن صنعتی شدن کار ساختمان ها همواره کار برای کارگران وجود داشته باشد . حدود توانائی اقتصادی و مالی منطقه را باید در نظر گرفت و بهای ساختمان را بعد اقل تنزل داد و بدینوسیله پسر تعداد و وسعت ساختمانها افزود و بار فشار را سبک کرد در اینجا باید ایجاد فوری ساختمانهای مورد احتیاج را در نظر گرفت و طوری عمل کرد که این ساختمانها هم مطمئن باشند و هم وسایل جلوگیری از سرما و گرما در آنها تعبیه شود . برای انجام این عمل هنر معماری باید فکر خلاصه خود را بکار اندازد زیرا صنعتی ساختن کار ساختمان بدون در نظر گرفتن وضع توسعه و رشد اجتماعی کشور و بدون توجه به تهیه برنامه بر اساس توانائی مادی و وضع اجتماعی و اقتصادی بهیچوجه میسر نخواهد بود . توسعه شهر ها و ازدیاد ساختمان در آنها همیشه در اثر فقدان برنامه محلی دچار اشکال میگردد .

اصولاً صنعتی کردن ساختمان یعنی احداث ساختمانهای فراوان و انجام این کار بدون اتکاء به یک برنامه محلی پیشرفته امکان پذیر نمیباشد اما برنامه در خصوص صنعتی ساختن ساختمانها شامل کلیه مسائل مربوط به محیط و روحیه و احساس معمار میباشد .

### ابتکار دولت

حال باید دید که ابتکار صنعتی نمودن ساختمانها بعهده کیست ؟ طبقه کلی بر اینست که باید در دولت توجه لازم به صنعتی نمودن ساختمانها وجود داشته باشد . و دولت باید بطور معقول برنامه ریزی ساختمان را آماده و فضای ساختمانی را تهیه و راحتی و امنیت استفاده کنندگان از ساختمان را بعد اقل قیمت فراهم نماید البته وجود صنایع ساختمانی و تهیه مصالح و محصول فراوان شرط اساسی برای تقلیل قیمت خانه و اجرای سریع برنامه های ساختمانی است .

در کشور های در حال رشد ایجاد مدرسه و تربیت کادر آموزشی در درجه اول اهمیت فرار دارد و اهمیت آن بیشتر از ساختن خانه و صنعت میباشد. در اینجا مسئله در اطراف انتخاب صنعتی شدن دور مینزد و باید احتیاط لازم را برای کیفیت و دوام ساختمان بعمل آورد و ساختمان را هنگام استفاده خوب حفظ و نگاهداری نمود. اکنون امکانات صنعتی ساختن کامل ساختمان تحت نفوذ چند عامل جدید که هنوز واقعیت نیافته اند فرار دارد و آن عبارتند از توسعه صنایع بطور کلی و ایجاد محصول فراوان و تغییر وضع اقتصادی. در این میان باید عوامل دیگری از قبیل انتخاب محل مناسب و تطبیق ساختمان با وضع زندگی و سنت ها را نیز در نظر دخیل نمود در حال آنچه مسلم است اینست که تهیه مصالح قبل از شروع ساختمان و بطور فراوان و بطریق صنعتی مقابری با انتخاب محل مناسب و بکار واداشتن کارگران و احترام به روحیه آنها و توجه به ذوقها و سلیقه های مختلف اشخاص و محل ندارد.

### حیطه صنعتی ساختن ساختمانها

صنعتی نمودن ساختمان را میتوان بطریق فاشه در حیطه ساختمان منازل و قسمتی از بناهای اجتماعی و صنعتی بکار برد و توسعه داد و برای ایجاد خانه های ارزان قیمت باید فرمادهای واحد و برنامه واحد و طرز اجرای کار واحدی وجود داشته باشد اما باید متوجه بود که ساختمان را نمیتوان باالشیاء ساخته شده صنعتی مقایسه کرد زیرا تفاوت این دو بسیار محسوس است. اشیاء ساخته شده صنعتی به تعداد بسیار زیادی و بطور یکسان ساخته میشوند و پس از ساخته شدن بسته بندی شده و تحویل بکار میگردند و ضربه بهمین جا خانه میپذیرد ولی برای قطعات ساختمان اینطور نیست زیرا قطعات ساختمان بعد از ساخته شدن تازه وارد مرحله بسیار لطیف و دقیقی میگردد. زیرا این قطعات باید در خارج سوار شوند و بر روی زمین استوار گردند و در این زمینها باید وضع آب و فاضلاب و برق و غیره کاملا روشن باشد. بنابراین برای ایجاد ساختمان های فراوان و ارزان قیمت باید انواع خانه هرا اندازه که ممکن است محدود شود و تعداد آن هر اندازه که ممکن است زیاد گردد. در کشورهای در حال رشد برای اجرای برنامه های وسیع ساختمانی باید مشکلات حمل و نقل را هم در نظر گرفت در ضمن تفاوت کشورها از نظر قدرت اقتصادی و مرحله رشد هم خود مسئله مهمی است که در نوع و طبیعت مصالح پیش ساخته و طرز بکار بردن و متصل نمودن آنها اثر فکمی میگردد و باین ترتیب منطقه صنعتی نمودن ساختمان خود عامل مهم در پیشرفت کار میباشد زیرا این عمل باید هنگام یا تکمیل صنعتی منطقه و پیشرفت فنی آن پیش برود و کار از مرحله خانه سازی به سمت تهیه انواع ساختمان های صنعتی و اجتماعی و عمومی توسعه یابد.

### نظره یا تمرکز برنامهها

در اینجا میخواهیم بدانیم آیا اجرای برنامه های ساختمانی بطور متفرق ستوده است یا بطور متمرکز؟ آیا کار را باید اشخاص متفرقه انجام دهند یا اجتماع و دولت؟ در کشور های در حال توسعه و رشد جمعیت روز بروز زیاد میشود و احتیاجات از هر نوع روز افزون میگردد در حالیکه درآمد ها ثابت هستند و هنگام با توسعه احتیاجات فزونی پیدا نمیکند و با این وضع صنعتی نمودن ساختمان بدون همکاری دولت میسر نمیکردد و وقتی دولت دست اندر کار شد برنامه ها باید متمرکز باشد و برنامه های افرادی و متفرق فقط در مراکز روستائی مورد توجه قرار میگیرند. بطوری که میدانیم امروز در مناطق روستائی برای ساختن خانه از مصالح محلی استفاده نموده و از روشهای قدیمی کار پیروی میشود. و اما صنعتی شدن ساختمان در درجه اول روشهای قدیمی ساختمانی را بهبود میبخشد و انتخاب مصالح و تجهیزات را بهتر مینماید و کار تقسیم آب و برق و امکان بهداشتی را منظم مینماید. اما در شهرها مداخله دولت و موسسات اجتماعی و عمومی ضمن حل مسائلی است که در اثر ازدیاد جمعیت و فعالیت حادث میگردد.

یکی از مسائل مورد توجه در اینجا اینست که کارگران باید در نزدیک محل کار سکونت نمایند ولی گرانی قیمت زمین و اجاره خانه آنها را مجبور مینماید که در نقاط خیلی دورتر از محل کار ساکن شوند و در نتیجه مسئله رفت و آمد پیش میآید و فعالیت کار را متزلزل میسازد و بهای خانه را بالا میبرد. و بطوری که میدانیم قیمت خانه مشکل اساسی کار است درآمدها برای کارگران معمولا پائین است مخصوصا برای کارگران غیر متخصص و آنها نمیتوانند بهای خانه خود را پرداخت نمایند و ناچار باید بعنوان مختلف به آنها کمک مالی بشود. بطور خلاصه در کشور های در حال توسعه ساختمان خانه های مناسب با احتیاجات خانوادگی و اجاره دادن آنها به قیمت ارزان به کارگران کم درآمد مسئله اساسی است و این دولت است که میتواند با چنین مسئله ای بمقابله بپردازد در اینجا باید به برنامه خانه سازی توسط خود گسائی که از این خانه استفاده میکنند اشاره کرد. مزایای این برنامه بسیار است و با استفاده از این روش میتوان خانه های بسیار ارزان متناسب با وضع اجتماعی و اقتصادی کارگران کم درآمد تهیه کرد و ضمنا میتوان اینگونه ساختمانها را مرحله به مرحله به اتمام رسانید. خانواده ای که خود در ساختمان خانه مسکونی خود کار کرده سعی خواهد نمود که آنها نیز نگاهدارد و در زیبایی آن بکوشد در اجرای این برنامه میتوان از قطعات پیش ساخته شده خیلی ساده استفاده کرد و کارگران غیر متخصص را به تعداد فراوان بکار واداشت و بهای خانه را پائین آورد و ساختمان را در مدت خیلی کوتاه به اتمام رسانید.

### نتیجه

برای يك مطالعه اجمالی در مسئله صنعتی نمودن کار ساختمان در کشورهای در حال توسعه باید اذعان کرد که مداخله شهر ساز و کارشناس اجتماعی و ساختمان ساز با توجه به روشهای نو اجتناب ناپذیر میباشد زیرا این کشورها در آینده ترفی فوق العاده خواهند کرد و از مرز متصور برای سال ۲۰۰۰ میلادی نیز خواهند گذشت. مرد متقدم امروزی مخصوصا در کشور های در حال توسعه مجهز بوسایل جدیدی است که بشرط تبلیغ تجاری بر او تحمیل شده در صورتیکه ملك اصلی را که خانه باشد در اختیار ندارد. اشیاء جدید و صنعتی بسرعت تمام تکامل پیدا میکنند ولی پیشرفت کار ساختمان خیلی به ملایمت و نالی انجام میگردد.

بدون تردید فن جوان صنعتی شدن ساختمان در کشور های در حال توسعه با مشکلات بسیار مهم دست بگریبان میباشد و این مشکلات بطور کلی پامسائل کشور های تکامل یافته و صنعتی متفاوت میباشد. اما در این میان باید توجه داشت که صنعتی شدن ساختمان نباید موجب ایجاد بناهایی بشود که مورد انزجار نسل آینده باشد و آیندگان میل به تخریب آنها پیدا کنند. اومیبیل وقتی از کارخانه خارج شد حرکت میکند و بیمان جمع مبرود اما خانه ساخته شده باید سالها در یکجا باقی بماند. اومیبیل همیشه فرسوده شد جای خود را بمدل های جدید میدهد ولی خانه باید طی نسلها مورد استفاده قرار گیرد و زود بزود عوض نمیشود و اینجاست که متوجه میشویم که کارشناسان اجتماعی و اقتصادی و گسائی که ساکن خانه ها میشوند باید نظریات دقیقی در خصوص ساختن خانه های فراوان با استفاده از روشهای صنعتی ابراز نمایند. ما رجاء واقی داریم که ترفی صنعت و استفاده از نیروی مکانیکی روز افزون و ماشین های دقیق موجب خواهد شد که خانه ها و مدارس و ساختمان های اجتماعی بسیار ارزانتر و دسترس نسل کنونی و آینده قرار گیرد.